

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امنیت اقتصادی در ایران

دکتر مرتضی عزتی

محمد علی دهقان

دفتر مطالعات اقتصادی

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

عزتی، مرتضی

امنیت اقتصادی در ایران / مرتضی عزتی، محمدعلی دهقان. -- تهران: مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌ها، ۱۳۸۷.

۱۶۸ ص.: جدول، نمودار. - (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛ ۱۳۸۷/۵۸)
ISBN: 978-964-8427-44-8: ۲۷۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.

۱. امنیت اقتصادی -- ایران. ۲. ایران -- اوضاع اقتصادی. ۳. سرمایه‌گذاری -- ایران.
الف. دهقان، محمدعلی، نویسنده همکار. ب. مجلس شورای اسلامی. مرکز پژوهش‌ها.
دفتر مطالعات اقتصادی. ج. عنوان.

HC ۴۸۰ / الف ۸۴

۱۳۸۷

عنوان: امنیت اقتصادی در ایران

مؤلفان: دکتر مرتضی عزتی و محمدعلی دهقان

ناشر: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

مدیر نشر: عبدالرضا فاضلی

نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۳۸۷

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: نگاران شهر

قیمت: ۲۷۰۰۰ ریال

مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلفان است.

کلیه حقوق برای مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی محفوظ است.

فهرست مطالب

سخن ناشر	۱
مقدمه	۳
فصل اول ادبیات علمی امنیت اقتصادی	۵
۱-۱ تعاریف و مفاهیم	۷
۱-۲ سیاست‌های کلی نظام	۱۱
۱-۲-۱ بخش امنیت اقتصادی	۱۱
۱-۲-۲ بخش تشویق سرمایه‌گذاری	۱۲
۱-۳ عوامل مؤثر بر امنیت اقتصادی	۱۴
۱-۳-۱ حوزه نهادهای کارآمد	۱۴
۱-۳-۲ حوزه قوانین و مقررات	۱۶
۱-۳-۳ حوزه سیاست‌گذاری دولت	۱۸
۱-۴ آثار امنیت (نامنی) اقتصادی	۲۱
۱-۴-۱ حوزه رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری	۲۱
۱-۴-۲ حوزه عدم اطمینان نسبت به آینده	۲۳
۱-۴-۳ هزینه‌های نامنی اقتصادی	۲۶
۱-۵ مروری بر مطالعات (تجربی) انجام شده	۲۹
۱-۵-۱ امنیت اقتصادی در کشورهای در حال توسعه	۲۹
۱-۵-۲ امنیت اقتصادی، نااطمینانی و عدم ثبات سیاسی	۳۲
۱-۶ جایگاه امنیت اقتصادی در شاخص‌های ریسک کشوری	۳۴
۱-۶-۱ روش مؤسسه کوفاس	۳۶
۱-۶-۲ شاخص ترکیبی ریسک کشوری	۳۷
فصل دوم تحلیل رگرسیونی امنیت اقتصادی در ایران	۳۹
۲-۱ تحلیل آثار متقابل امنیت اقتصادی و متغیرهای کلان اقتصادی	۴۱
۲-۱-۱ چارچوب مدل‌سازی و تحلیل	۴۱
۲-۱-۲ روش‌شناسی مدل	۴۲
۲-۱-۳ روش‌شناسی ابزارهای تشخیصی	۴۴
۲-۱-۴ معرفی متغیرهای مورد مطالعه	۴۶
۲-۱-۴-۱ متغیرهای تولید	۴۶

۴۹.....	۲-۱-۴-۲ متغیرهای سرمایه‌گذاری
۵۲.....	۲-۱-۴-۳ متغیرهای پولی
۵۵.....	۲-۱-۴-۴ متغیرهای تجارت خارجی
۵۷.....	۲-۱-۴-۵ شاخص قیمت
۵۹.....	۲-۱-۵ مدل‌سازی خودرگرسیون برداری
۵۹.....	۲-۱-۵-۱ تعریف متغیرها
۶۱.....	۲-۱-۵-۲ مدل‌های برآورد شده
۶۴.....	۲-۲ توابع واکنش و تجزیه واریانس
۶۴.....	۲-۲-۱ سرمایه‌گذاری و متغیرهای تولید (مدل شماره ۱)
۶۶.....	۲-۲-۲ سرمایه‌گذاری و متغیرهای درون‌بخشی (مدل شماره ۲)
۶۹.....	۲-۲-۳ سرمایه‌گذاری و متغیرهای پولی (مدل شماره ۳)
۷۱.....	۲-۲-۴ سرمایه‌گذاری، نرخ ارز و درآمدهای نفتی (مدل شماره ۴)
۷۳.....	۲-۲-۵ سرمایه‌گذاری و تعادل در تجارت خارجی (مدل شماره ۵)
۷۵.....	۲-۲-۶ رشد اقتصادی و متغیرهای درون‌بخشی (مدل شماره ۶)
۷۷.....	۲-۲-۷ رشد اقتصادی و متغیرهای سرمایه‌گذاری (مدل شماره ۷)
۷۹.....	۲-۲-۸ رشد اقتصادی و متغیرهای پولی (مدل شماره ۸)
۸۱.....	۲-۲-۹ رشد اقتصادی، نرخ ارز و درآمدهای نفتی (مدل شماره ۹)
۸۳.....	۲-۲-۱۰ رشد اقتصادی و تعادل در تجارت خارجی (مدل شماره ۱۰)
۸۵.....	۲-۲-۱۱ سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و متغیرهای تولید (مدل شماره ۱۱)
۸۷.....	۲-۲-۱۲ سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و متغیرهای درون‌بخشی (مدل شماره ۱۲)
۸۹.....	۲-۲-۱۳ سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و متغیرهای پولی (مدل شماره ۱۳)
	۲-۲-۱۴ سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، نرخ ارز و درآمدهای نفتی (مدل شماره ۱۴)
۹۱.....	۲-۲-۱۵ سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و تعادل در تجارت خارجی (مدل شماره ۱۵)
۹۳.....	۲-۳ شاخص‌سازی برای امنیت اقتصادی
۹۵.....	۲-۳-۱ ساخت شاخص
۹۶.....	۲-۳-۲ ضرایب و استانداردسازی متغیرها
۱۰۰.....	۲-۴ تحلیل شاخص (تأثیر امنیت اقتصادی بر متغیرها)
۱۰۵.....	فصل سوم بررسی دیدگاه‌های صاحب‌نظران
۱۰۷.....	۳-۱ جمع‌آوری داده‌ها
۱۰۸.....	۳-۲ هدف و چارچوب پرسش‌نامه

۳-۳	نتایج حاصل از پرسش‌نامه‌ها	۱۰۹
فصل چهارم جمع‌بندی و نتیجه		
۴-۱	مرور مطالب پیشین	۱۳۳
۴-۲	یافته‌ها	۱۳۶
۴-۲-۱	نتایج حاصل از برآورد سیستم‌های خودرگرسیون برداری	۱۳۶
۴-۲-۲	نتایج حاصل از پرسش‌نامه‌ها و مصاحبه‌ها	۱۴۲
۴-۳	پیشنهاد‌های راهبردی	۱۴۴
۴-۳-۱	حوزه نهادی	۱۴۴
۴-۳-۲	حوزه قوانین و مقررات	۱۴۶
۴-۳-۳	حوزه سیاست‌گذاری دولت	۱۴۷
۴-۴	راهکارهایی برای اصلاح قوانین	۱۴۹
پیوست		
۱۵۳		
منابع و مأخذ		
۱۶۷		

فهرست جداول

- جدول ۱-۱ سطوح مختلف امنیت اقتصادی ۸
- جدول ۱-۲ رویکردهای مختلف نسبت به امنیت اقتصادی ۹
- جدول ۱-۳ روند بهبود وضعیت فرد و جامعه در حال و آینده ۲۵
- جدول ۲-۱ بررسی متغیرهای سه‌گانه تولید از طریق آزمون دیکی-فولر تعمیم یافته ۴۸
- جدول ۲-۲ بررسی متغیرهای سه‌گانه سرمایه‌گذاری از طریق آزمون رشد واحد دیکی-فولر ۵۱
- جدول ۲-۳ بررسی متغیرهای چهارگانه پولی از طریق آزمون ریشه واحد دیکی-فولر ۵۴
- جدول ۲-۴ بررسی متغیرهای پنج‌گانه تجارت خارجی از طریق آزمون ریشه واحد
دیکی-فولر ۵۷
- جدول ۲-۵ بررسی متغیرهای دوگانه شاخص قیمت از طریق آزمون ریشه واحد
دیکی-فولر ۵۹
- جدول ۲-۶ معرفی سیستم‌های خودرگرسیون برداری برازش شده ۶۱
- جدول ۲-۷ مقدار و اثر تجمعی تکانه‌ها ۶۵
- جدول ۲-۸ نتایج تجزیه واریانس سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۱) ۶۶
- جدول ۲-۹ مقدار و اثر تجمعی تکانه‌ها ۶۸
- جدول ۲-۱۰ نتایج تجزیه واریانس سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۲) ۶۸
- جدول ۲-۱۱ مقدار و اثر تجمعی تکانه‌ها ۷۰
- جدول ۲-۱۲ نتایج تجزیه واریانس سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۳) ۷۱
- جدول ۲-۱۳ مقدار و اثر تجمعی تکانه‌ها ۷۲
- جدول ۲-۱۴ نتایج تجزیه واریانس سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۴) ۷۳
- جدول ۲-۱۵ مقدار و اثر تجمعی تکانه‌ها ۷۴
- جدول ۲-۱۶ نتایج تجزیه واریانس سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۵) ۷۵
- جدول ۲-۱۷ مقدار و اثر تجمعی تکانه‌ها ۷۶
- جدول ۲-۱۸ نتایج تجزیه واریانس سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۶) ۷۷
- جدول ۲-۱۹ مقدار و اثر تجمعی تکانه‌ها ۷۸
- جدول ۲-۲۰ نتایج تجزیه واریانس سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۷) ۷۹
- جدول ۲-۲۱ مقدار و اثر تجمعی تکانه‌ها ۸۰

جدول ۲-۲۲	نتایج تجزیه واریانس سیستم خودرگسیون برداری شماره (۸)	۸۱
جدول ۲-۲۳	مقدار و اثر تجمعی تکانه‌ها	۸۲
جدول ۲-۲۴	نتایج تجزیه واریانس سیستم خودرگسیون برداری شماره (۹)	۸۲
جدول ۲-۲۵	مقدار و اثر تجمعی تکانه‌ها	۸۴
جدول ۲-۲۶	نتایج تجزیه واریانس سیستم خودرگسیون برداری شماره (۱۰)	۸۴
جدول ۲-۲۷	مقدار و اثر تجمعی تکانه‌ها	۸۶
جدول ۲-۲۸	نتایج تجزیه واریانس سیستم خودرگسیون برداری شماره (۱۱)	۸۶
جدول ۲-۲۹	مقدار و اثر تجمعی تکانه‌ها	۸۸
جدول ۲-۳۰	نتایج تجزیه واریانس سیستم خودرگسیون برداری شماره (۱۲)	۸۸
جدول ۲-۳۱	مقدار و اثر تجمعی تکانه‌ها	۹۰
جدول ۲-۳۲	نتایج تجزیه واریانس سیستم خودرگسیون برداری شماره (۱۳)	۹۱
جدول ۲-۳۳	مقدار و اثر تجمعی تکانه‌ها	۹۲
جدول ۲-۳۴	نتایج تجزیه واریانس سیستم خودرگسیون برداری شماره (۱۴)	۹۲
جدول ۲-۳۵	مقدار و اثر تجمعی تکانه‌ها	۹۴
جدول ۲-۳۶	نتایج تجزیه واریانس سیستم خودرگسیون برداری شماره (۱۵)	۹۵
جدول ۲-۳۷	نتایج تجزیه واریانس متغیرهای چهارگانه پولی در معادله نرخ رشد سرمایه‌گذاری	
۹۷	بخش خصوصی	
جدول ۲-۳۸	درصد اهمیت متغیرهای چهارگانه پولی در نرخ رشد سرمایه‌گذاری	
۹۷	بخش خصوصی	
جدول ۲-۳۹	ضرایب R^2 و اهمیت بخش‌های پنج‌گانه	۹۸
جدول ۲-۴۰	ضرایب همبستگی بین شاخص‌های محاسبه شده و متغیرهای	
۱۰۰	سه‌گانه اصلی	
جدول ۳-۱	فراوانی پاسخ‌های ارائه شده درباره تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر امنیت	
۱۰۹	اقتصادی	
جدول ۳-۲	فراوانی پاسخ‌های ارائه شده درباره تأثیر متغیرهای مالی بر امنیت اقتصادی	۱۱۱
جدول ۳-۳	فراوانی پاسخ‌های ارائه شده درباره تأثیر متغیرهای قضایی بر امنیت	
۱۱۲	اقتصادی	
جدول ۳-۴	فراوانی پاسخ‌های ارائه شده در مورد تأثیر متغیرهای قانونی و اداری بر امنیت	
۱۱۳	اقتصادی	

- جدول ۳-۵ فراوانی پاسخ‌های ارائه شده در مورد تأثیر امنیت اقتصادی بر متغیرهای اقتصادی
 (تأثیرگذاری مثبت) ۱۱۵
- جدول ۳-۶ فراوانی پاسخ‌های ارائه شده در مورد تأثیر امنیت اقتصادی بر متغیرهای اقتصادی
 (تأثیرگذاری منفی) ۱۱۶
- جدول ۳-۷ فراوانی پاسخ‌های ارائه شده در مورد درجه تناسب و کارآمدی قوانین و مقررات در
 تأمین و افزایش امنیت اقتصادی ۱۱۷
- جدول ۳-۸ فراوانی پاسخ‌های ارائه شده در مورد ضعف‌های موجود در حوزه قوانین
 و مقررات ۱۱۹
- جدول ۳-۹ رتبه‌بندی اهمیت متغیرهای کلان اقتصادی در امنیت اقتصادی ۱۲۱
- جدول ۳-۱۰ رتبه‌بندی اهمیت متغیرهای مالی در امنیت اقتصادی ۱۲۲
- جدول ۳-۱۱ رتبه‌بندی اهمیت متغیرهای قضایی در امنیت اقتصادی ۱۲۳
- جدول ۳-۱۲ رتبه‌بندی اهمیت متغیرهای قانونی و اداری در امنیت اقتصادی ۱۲۳
- جدول ۳-۱۳ رتبه‌بندی اهمیت متغیرهای تحت تأثیر (مثبت) امنیت اقتصادی ۱۲۵
- جدول ۳-۱۴ رتبه‌بندی اهمیت متغیرهای تحت تأثیر (منفی) امنیت اقتصادی ۱۲۵
- جدول ۳-۱۵ رتبه‌بندی درجه تناسب و کارآمدی قوانین و مقررات در تأمین امنیت
 اقتصادی ۱۲۶
- جدول ۳-۱۶ رتبه‌بندی درجه ضعف محتوایی قوانین در تأمین امنیت اقتصادی ۱۲۸
- جدول ۳-۱۷ رتبه‌بندی درجه ضعف اجرای قوانین در تأمین امنیت اقتصادی ۱۲۹

فهرست نمودارها

- نمودار ۲-۱ تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت ۱۳۷۶ ۴۶
- نمودار ۲-۲ درآمد ملی به قیمت ثابت ۱۳۷۶ ۴۷
- نمودار ۲-۳ پس‌انداز ناخالص ملی به قیمت ثابت ۱۳۷۶ ۴۷
- نمودار ۲-۴ تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به قیمت پایه ۱۳۷۶ ۴۹
- نمودار ۲-۵ تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بخش خصوصی به قیمت پایه ۱۳۷۶ ۵۰
- نمودار ۲-۶ تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بخش دولتی به قیمت پایه ۱۳۷۶ ۵۰
- نمودار ۲-۷ نقدینگی بخش خصوصی به قیمت ثابت ۱۳۷۶ ۵۲
- نمودار ۲-۸ بدهی بخش دولتی به نظام بانکی به قیمت ثابت ۱۳۷۶ ۵۲
- نمودار ۲-۹ بدهی بخش غیردولتی به نظام بانکی به قیمت ثابت ۱۳۷۶ ۵۳
- نمودار ۲-۱۰ سپرده‌های بخش غیردولتی نزد بانک‌های تجاری و تخصصی به قیمت ثابت ۱۳۷۶ ۵۳
- نمودار ۲-۱۱ نرخ برابری ارز در بازار آزاد ۵۵
- نمودار ۲-۱۲ خالص حساب سرمایه ۵۵
- نمودار ۲-۱۳ خالص حساب جاری ۵۶
- نمودار ۲-۱۴ موازنه ارزی کل ۵۶
- نمودار ۲-۱۵ دریافت‌های جاری ارزی از محل صادرات نفت و گاز ۵۶
- نمودار ۲-۱۶ شاخص قیمت عمده‌فروشی ۵۸
- نمودار ۲-۱۷ شاخص قیمت خرده‌فروشی ۵۸
- نمودار ۲-۱۸ واکنش نرخ رشد سرمایه‌گذاری به تکانه‌های تعریف شده ۶۴
- نمودار ۲-۱۹ واکنش نرخ رشد سرمایه‌گذاری به تکانه‌های تعریف شده ۶۷
- نمودار ۲-۲۰ واکنش نرخ رشد سرمایه‌گذاری به تکانه‌های تعریف شده ۷۰
- نمودار ۲-۲۱ واکنش نرخ رشد سرمایه‌گذاری به تکانه‌های تعریف شده ۷۲
- نمودار ۲-۲۲ واکنش نرخ رشد سرمایه‌گذاری به تکانه‌های تعریف شده ۷۴
- نمودار ۲-۲۳ واکنش نرخ رشد اقتصادی به تکانه‌های تعریف شده ۷۶
- نمودار ۲-۲۴ واکنش نرخ رشد اقتصادی به تکانه‌های تعریف شده ۷۸
- نمودار ۲-۲۵ واکنش نرخ رشد اقتصادی به تکانه‌های تعریف شده ۸۰

- نمودار ۲-۲۶ واکنش نرخ رشد اقتصادی به تکانه‌های تعریف شده ۸۲
- نمودار ۲-۲۷ واکنش نرخ رشد اقتصادی به تکانه‌های تعریف شده ۸۳
- نمودار ۲-۲۸ واکنش نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به تکانه‌های تعریف شده ۸۵
- نمودار ۲-۲۹ واکنش نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به تکانه‌های تعریف شده ۸۷
- نمودار ۲-۳۰ واکنش نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به تکانه‌های تعریف شده ۸۹
- نمودار ۲-۳۱ واکنش نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به تکانه‌های تعریف شده ۹۲
- نمودار ۲-۳۲ واکنش نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به تکانه‌های تعریف شده ۹۴
- نمودار ۲-۳۳ شاخص شماره (۱): امنیت اقتصادی برای سرمایه‌گذاری کل ۹۹
- نمودار ۲-۳۴ شاخص شماره (۲): امنیت اقتصادی برای رشد اقتصادی ۹۹
- نمودار ۲-۳۵ شاخص شماره (۳): امنیت اقتصادی برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی ۱۰۰
- نمودار ۲-۳۶ شاخص شماره (۳) و نرخ رشد سرمایه‌گذاری کل ۱۰۲
- نمودار ۲-۳۷ شاخص شماره (۳) و نرخ رشد تولید ناخالص داخلی ۱۰۲
- نمودار ۲-۳۸ شاخص شماره (۳) و نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی ۱۰۳

سخن ناشر

امنیت اقتصادی به‌عنوان بستر لازم برای رشد پایدار اقتصادی، توسعه سرمایه‌گذاری و کاهش نگرانی و عدم اطمینان نسبت به آینده، یکی از زیرساخت‌های اساسی کشور برای حصول توسعه اقتصادی و ارتقای سطح رفاه اجتماعی است. قانون‌گذاران در ایجاد این بستر نقش مهمی دارند. از این‌رو سران سه قوه به همراه رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در پیگیری این مهم، قوای سه‌گانه اجرایی، مقننه و قضائیه را مکلف به پیگیری این امر در بخش‌های مختلف کردند.

کتاب حاضر پژوهشی است که در آن با بررسی منابع و مطالعات گذشته ضمن تبیین موضوع، از طریق پرسشنامه، عوامل یاد شده و درجه اهمیت و اولویت آنها شناسایی شده است. علاوه‌بر این با استفاده از تکنیک اقتصادسنجی بردارهای خودرگرسیون نیز نحوه تأثیر و شدت تأثیر بروز شوک‌های غیرمنتظره (به‌عنوان اثر عوامل ناامن‌ساز اقتصادی) در متغیرهای کلان اقتصادی، بر رشد اقتصادی، رشد سرمایه‌گذاری کل و رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به تصویر کشیده شده است.

حاصل این بررسی ارائه راهکارها و توصیه‌های سیاستی و مجموعه‌ای از پیشنهادها برای گسترش امنیت اقتصادی است که می‌تواند در قالب قانون تنظیم و اجرا شود. این مجموعه می‌تواند برای نمایندگان مجلس شورای اسلامی، مدیران، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان دستگاه‌های اجرایی و قضایی کشور، اعضا و کارشناسان مجمع تشخیص مصلحت نظام و همچنین اساتید دانشگاهی و مراکز پژوهشی مفید باشد.

این بررسی به سفارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و توسط مرکز پژوهش‌های مؤسسه علوم و فناوری آینده انجام شده است که از مدیران و کارشناسان این دفتر و مؤسسه یاد شده برای به انجام رساندن این مجموعه تقدیر و تشکر می‌شود.

معاون پژوهشی مرکز

مقدمه

یکی از عوامل مهم تأثیرپذیر و تأثیرگذار بر متغیرها، خط‌مشی‌ها و تصمیم‌های اقتصادی در جوامع مختلف، وجود یا عدم وجود امنیت به‌ویژه امنیت اقتصادی است. امنیت یک مفهوم نسبی محسوب می‌شود. با این حال از نظر تصمیم‌گیران اقتصادی، مقدار یا اندازه آن در جوامع مختلف و برای فعالیت‌های گوناگون از اهمیت زیادی برخوردار است. به‌طوری‌که امروزه امنیت اقتصادی به‌عنوان یکی از عوامل اصلی در تعیین جریان حرکت سرمایه در دنیا، بین کشورهای مختلف و برای فعالیت‌های متفاوت مطرح می‌باشد.

در ایران نیز سال‌هاست که میزان سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، به‌ویژه سرمایه‌گذاری خارجی بسیار محدود شده است. یکی از عوامل اصلی این پدیده، درجه امنیت اقتصادی در کشور است. آیا می‌توان امنیت اقتصادی را به سمتی سوق داد که کشور بتواند از مزایای آن بهره‌مند شود؟ سطح و میزان امنیت اقتصادی و آثار و عوامل مؤثر بر آن در ایران به‌خوبی و روشنی مشخص نیست. در صورت آگاهی از موارد یاد شده، می‌توان به‌صورت بهتری با مسئله روبه‌رو شده و راه‌های مناسب‌تری را برای تحقق امنیت اقتصادی شناسایی کرد.

کتاب حاضر با هدف دستیابی به پاسخ این پرسش‌ها تهیه و تدوین شده و در چهار فصل ارائه می‌گردد: فصل اول به تعاریف، مفاهیم، شاخص‌ها و نظریه‌های امنیت اقتصادی و مرور نظریه‌های موجود درباره عوامل مؤثر بر امنیت اقتصادی و آثار آن می‌پردازد. فصل دوم به تجزیه و تحلیل و برازش مدل‌های مورد نظر و تشریح نتایج آن‌ها پرداخته و در آن نتایج تحلیل عوامل مؤثر بر امنیت اقتصادی و تأثیر امنیت اقتصادی بر متغیرهای اقتصادی در ایران ارائه می‌شود. فصل سوم به تحلیل نظرات دست‌اندرکاران

موضوع و جمع‌آوری اطلاعات (از طریق پرسش‌نامه و تحلیل نظرات پاسخ‌گویان) و تحلیل نتایج آن اختصاص دارد، و با این هدف تدوین شده که نظرات برخی از دست‌اندرکاران را در زمینه امنیت اقتصادی، عوامل و آثار آن ارائه نماید. فصل چهارم نیز به جمع‌بندی مطالب و ارائه پیشنهادهای راهبردی می‌پردازد.

بر این اساس هدف اصلی کتاب، تبیین اهمیت و شناسایی عوامل تأثیرپذیر و تأثیرگذار بر امنیت اقتصادی بوده و برای حصول آن، با بررسی منابع و مطالعات گذشته ضمن تبیین موضوع، عوامل مورد نظر شناسایی شده و سپس از طریق طراحی و تکمیل پرسش‌نامه، درجه اهمیت و اولویت این عوامل براساس نظر کارشناسان و فعالان اقتصادی تعیین گردیده است. علاوه بر این، با استفاده از تکنیک اقتصادسنجی بردارهای خودرگرسیون^۱ نیز نحوه و شدت تأثیر شوک‌های غیرمنتظره (به‌عنوان عوامل ناامن‌ساز) در متغیرهای کلان اقتصادی، بر رشد اقتصادی، رشد سرمایه‌گذاری کل و رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی تصویر شده و در پایان براساس نتایج به دست آمده، راهکارها و توصیه‌های کاربردی ارائه شده است.

فصل اول

ادبیات علمی امنیت

اقتصادی

۱-۱ تعاریف و مفاهیم

امنیت اقتصادی به‌عنوان چارچوبی متشکل از نهادهای کارآمد (مالی، قضایی، اداری و اجتماعی)، قوانین و مقررات شفاف و باثبات و سیاست‌گذاری مناسب دولت، بستر لازم را برای رشد پایدار اقتصادی، توسعه سرمایه‌گذاری و کاهش نگرانی و عدم اطمینان نسبت به آینده تا سطح قابل تحمل برای فعالان اقتصادی فراهم می‌کند. امنیت اقتصادی یکی از مهم‌ترین ابعاد امنیت ملی و از اصول مهم و زیرساخت‌های اساسی کشورها برای دستیابی به توسعه اقتصادی و ارتقای سطح رفاه اجتماعی محسوب می‌شود و از این رو همیشه مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی کشورها بوده است. هدف این فصل، تبیین اهمیت و شناسایی عوامل تأثیرپذیر و تأثیرگذار بر امنیت اقتصادی از بُعد نظری بوده و به این منظور با بررسی منابع و مطالعات گذشته (ضمن تبیین موضوع) عوامل مذکور مورد شناسایی قرار گرفته است.

به‌طور کلی چهار حوزه اصلی شامل امنیت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی-فرهنگی و نظامی برای امنیت ملی قابل تصور است (میرمحمدی، ۱۳۸۲). هرچند در دوران پس از جنگ جهانی دوم تا اواخر قرن بیستم و به‌خصوص طی دوران جنگ سرد، امنیت کشورها در مقابل تهدیدات خارجی مهم‌ترین دغدغه موجود بوده و حوزه‌های امنیت نظامی و سیاسی بیش از امنیت اقتصادی مورد توجه قرار داشتند، لیکن با پایان یافتن دوران جنگ سرد و شکل‌گیری روابط جدید در نظام بین‌الملل، اولویت‌های امنیتی نیز دستخوش تحول شده و امنیت اقتصادی به‌عنوان مهم‌ترین وجه امنیت ملی مطرح گردید. روند جهانی شدن، گسترش تجارت بین‌الملل و جریان بین‌المللی سرمایه‌ها، مهم‌ترین عواملی هستند که امنیت اقتصادی را در صدر توجهات امنیتی قرار داده‌اند، به‌طوری‌که فراهم کردن

بسترهای مناسب برای حمایت از سرمایه‌گذاران داخلی و جذب سرمایه‌های خارجی در کشورها بدون وجود امنیت اقتصادی میسر نیست.

امنیت اقتصادی دارای ابعاد و مفاهیم گسترده‌ای بوده و می‌توان براساس دیدگاه‌های مختلف، شاخص‌های متفاوتی را به‌عنوان شاخص امنیت اقتصادی تعریف کرد. جدول ذیل سطوح مختلف امنیت اقتصادی را نشان می‌دهد.

جدول ۱-۱ سطوح مختلف امنیت اقتصادی

ردیف	معیار طبقه‌بندی	سطوح امنیت اقتصادی
۱	جغرافیایی	ناحیه‌ای، کشوری، منطقه‌ای، جهانی
۲	فعالان اقتصادی	خانوارها، بنگاه‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، مؤسسات مالی داخلی و خارجی
۳	حوزه‌ها	تولید، تجارت، مالکیت، بحران‌های اقتصادی، بخش مالی، معیشت، اشتغال، محیط‌زیست و ...

با وجود آنکه می‌توان تعدادی متغیر و شاخص امنیتی مشترک در تمام حوزه‌ها یافت، اما بدیهی است که تعریف امنیت اقتصادی در هر یک از حوزه‌های یاد شده می‌تواند نسبت به سایر حوزه‌ها متفاوت باشد. همچنین شاخص‌های متفاوتی از امنیت، مورد توجه هر یک از گروه‌های فعالان اقتصادی است، به‌طوری‌که مسائلی مانند امنیت شغلی، نظام تأمین اجتماعی و پوشش‌های بیمه‌ای مورد توجه خانوارها قرار دارد و مسائلی مانند شفافیت و ثبات قوانین، نظام مالیاتی و فضای کسب‌وکار بیش‌تر مورد توجه بنگاه‌های اقتصادی است. هرچند تمامی این متغیرها ارتباط زیادی با یکدیگر دارند و نمی‌توان آن‌ها را متغیرهای کاملاً مجزا از هم دانست.

امنیت اقتصادی را می‌توان مجموعه به هم پیوسته‌ای از متغیرها و عوامل اقتصادی به شمار آورد که ماهیتی اقتصادی دارند، اما تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آن‌ها به حوزه اقتصاد محدود نشده و حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی را نیز دربرمی‌گیرد (میرمحمدی، ۱۳۸۲). بر این اساس و با توجه به گستره ابعاد و حوزه‌های امنیت اقتصادی، تعریف امنیت اقتصادی و تعیین شاخص‌های دخیل در آن وابستگی زیادی به نحوه نگرش و نوع رویکرد به این موضوع دارد (میرمحمدی، ۱۳۸۲). در جدول

ذیل امنیت اقتصادی در بازده رویکرد مختلف تعریف شده و برای هر یک از این رویکردها شاخص‌هایی معرفی گردیده است.

جدول ۱-۲ رویکردهای مختلف نسبت به امنیت اقتصادی

شاخص‌ها	تعریف	رویکرد	ردیف
۱. سطح رفاه اقتصادی ۲. تأمین کالاها و خدمات اساسی ۳. درجه باز بودن اقتصاد	میزان حفظ و ارتقاء سطح و شیوه زندگی مردم یک جامعه از راه تأمین کالاها و خدمات، هم از مجرای عملکرد داخلی و هم حضور در بازارهای بین‌المللی	تجارت-رفاه	۱
۱. بهره‌وری کار و سرمایه ۲. استانداردهای زندگی ۳. رشد پایدار اقتصادی ۴. امنیت سرمایه‌گذاری ۵. آزادسازی اقتصاد	رسیدن به شرایط لازم برای بهبود نسبی بلندمدت بهره‌وری سرمایه و نیروی کار و در نتیجه تحقق استاندارد بالای زندگی و محیط تجاری مساعد و امن برای نوآوری، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی	رشد پایدار	۲
۱. مصونیت از تهدیدهای خارجی (محیطی) ۲. امکان برنامه‌ریزی بلندمدت فعالان اقتصادی	وضعیتی است که در آن واحدهای تولیدی بتوانند بدون نگرانی از خطرهای محیطی، برنامه‌ریزی بلندمدت انجام دهند	برنامه‌ریزی بلندمدت	۳
۱. مصونیت از آشفتگی‌های محیطی ۲. شرایط مساعد حقوقی، اجتماعی و سیاسی ۳. تداوم و پایداری سرمایه‌گذاری ۴. تداوم تحرک فعالان اقتصادی	فراهم کردن فضای حقوقی، اجتماعی و سیاسی لازم برای اینکه طرح‌های اقتصادی از آغاز تا پایان کار بدون اختلال و آشفتگی‌های بیرونی اجرا شوند	بین رشته‌ای	۴
۱. قابلیت پیش‌بینی آینده ۲. مشخص بودن متغیرهای مؤثر بر پیش‌بینی ۳. روند تغییرات متغیرها و محدوده آن	شرایط آینده تا حدودی قابل پیش‌بینی بوده و محدوده عمل و تغییرات متغیرها تا حدودی مشخص باشد	پیش‌بینی	۵

جدول ۱-۲ رویکردهای مختلف نسبت به امنیت اقتصادی

ردیف	رویکرد	تعریف	شاخص‌ها
۶	سرمایه‌گذاری	اطمینان از حفظ اصل و سود سرمایه برای سرمایه‌گذاران	۱. قوانین و مقررات محدودکننده جدید ۲. ناآرامی‌های محیطی ۳. تغییر زیاد قیمت‌ها ۴. تغییر سیاست‌های پولی، مالی و مالیاتی ۵. مداخله دولت در بازار
۷	مالکیت	امکان دسترسی، حفظ و نگهداری مالکیت مادی و معنوی در سطوح فردی و سازمانی	۱. ثبات قوانین و مقررات ۲. قوانین مربوط به مالکیت‌های مادی و معنوی
۸	تبادل	ثبات اقتصادی و پایداری رشد مبتنی بر تعادل (تسویه) پایدار بازارها	۱. شکاف میان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری ۲. کسری بودجه دولت ۳. تراز پرداخت‌ها ۴. شکاف میان نرخ رشد جمعیت و رشد تولید ۵. شکاف (بالقوه و بالفعل) تولید ناخالص داخلی
۹	ابزاری	وجود ابزارهای کارآمد برای تحقق و حفظ امنیت اقتصادی	۱. قوانین شفاف ۲. تضمین مالکیت ۳. دستگاه قضایی کارآمد
۱۰	تأمین آینده	ثبات و آرامش درونی و بیرونی ناشی از نبود نگرانی از آینده	۱. ثبات درآمدی دولت ۲. بازارهای سازمان‌یافته و کارآمد ۳. نظام تأمین اجتماعی
۱۱	ریسک و مخاطره	کنترل و کاهش ریسک کشوری	۱. هزینه‌های سرمایه‌گذاری ۲. نرخ‌های بیمه ۳. ورود و خروج سرمایه

مأخذ: میرمحمدی، ۱۳۸۰.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، هرچند در هریک از رویکردهای یاد شده شاخص‌ها و متغیرهای متفاوتی به‌عنوان عوامل تأثیرگذار و تأثیرپذیر از امنیت اقتصادی معرفی

شده‌اند، ولی ارتباط زیادی بین این متغیرها وجود دارد. به‌عنوان مثال، رشد پایدار تا حد زیادی تحت تأثیر مفاهیم رویکرد تجارت‌ترافه قرار دارد و می‌توان رویکرد مالکیت را در ذیل رویکرد سرمایه‌گذاری و به‌عنوان بخشی از امنیت سرمایه لحاظ کرد. همچنین متغیرهای مربوط به ثبات و شفافیت قوانین و مقررات در رویکردهای سرمایه‌گذاری، بین رشته‌ای، ابزاری و مالکیت مورد تأکید قرار گرفته است.

چون در اینجا نوع نگرش به موضوع امنیت اقتصادی، نگاهی در سطح کلان است، هیچ یک از رویکردهای یاد شده به تنهایی قابلیتی تبدیل به نگرشی جامع را نداشته و نمی‌تواند تصویر مناسبی از وضعیت امنیت اقتصادی را در کشور نشان دهد. از سوی دیگر، چنانچه خواهیم تعریفی دقیق و جامع از امنیت اقتصادی در سطح کلان ارائه دهیم، سیاست‌های کلی نظام می‌تواند راهگشای ما در این زمینه باشد.

۱-۲ سیاست‌های کلی نظام

سیاست‌های کلی نظام که مجمع تشخیص مصلحت نظام تهیه کرده و به تأیید مقام معظم رهبری می‌رسد، اسنادی لازم‌الاجراست که راهبرد و رویکرد اصلی کشور را درباره موضوعات مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نشان می‌دهد. دو مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام (در راستای تبیین سیاست‌های کلی نظام) در مورد امنیت اقتصادی است. یکی از این مصوبات به‌طور مشخص در زمینه سیاست‌های کلی امنیت اقتصادی بوده و مصوبه دوم درباره سیاست‌های کلی تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌باشد که ارتباط زیادی با موضوع امنیت اقتصادی دارد. با بررسی و تحلیل این دو مصوبه می‌توان عوامل اساسی امنیت اقتصادی مورد توجه دولت و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی پی‌ریزی شده در راستای نیل به سطح مطلوب آن را شناسایی کرد. متن این دو مصوبه به قرار ذیل است:

۱-۲-۱ بخش امنیت اقتصادی

سیاست‌های کلی نظام در بخش امنیت اقتصادی به قرار زیر است:

۱. حمایت از ایجاد ارزش افزوده و سرمایه‌گذاری و کارآفرینی از راه‌های قانونی و مشروع.
۲. هدف از امنیت سرمایه‌گذاری، ایجاد رفاه عمومی و رونق اقتصادی و زمینه‌سازی

برای عدالت اقتصادی و از بین بردن فقر در کشور است. وضع قوانین و مقررات مربوط به مالیات و دیگر اموری که به آن هدف کمک می‌کند، وظیفه الزامی دولت و مجلس است. ۳. قوانین و سیاست‌های اجرایی و مقررات باید دارای سازگاری و ثبات و شفافیت و هماهنگی باشند.

۴. نظارت و رسیدگی و قضاوت در مورد جرائم و مسائل اقتصادی باید دقیق، روشن و تخصصی باشد.

۵. شرایط فعالیت اقتصادی (دسترسی به اطلاعات، مشارکت آزادانه اشخاص در فعالیت‌های اقتصادی و برخورداری از امتیازات قانونی) برای بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی، در شرایط عادی باید یکسان و عادلانه باشد.

۲-۱- بخش تشویق سرمایه‌گذاری

سیاست‌های کلی نظام در بخش تشویق سرمایه‌گذاری به شرح زیر است:

۱. حمایت از مالکیت و کلیه حقوق ناشی از آن از جمله مالکیت معنوی.
۲. تقویت و حمایت دولت از توسعه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و تعاونی در فعالیت‌های اقتصادی کشور و اولویت دادن به بخش خصوصی و تعاونی در غیر مواردی که در قانون اساسی به دولت واگذار شده است.
۳. تنظیم سیاست‌های پولی، مالی و ارزی با هدف دستیابی به ثبات اقتصادی و مهار نوسانات.
۴. افزایش بهره‌وری اقتصاد کشور با اصلاحات و اقدامات لازم به‌ویژه اصلاحات ساختاری و مدیریتی و کاهش هزینه‌های مبادله و رفع موانع.
۵. افزایش توان رقابت اقتصادی در داخل و صحنه‌های بین‌المللی از طریق لغو انحصارات غیرضرور و تقویت ساختار رقابتی و زیرساخت‌های ملی و حمایت از ارتقای خلاقیت و نوآوری.
۶. بهره‌گیری از نظام مالیاتی در جهت تقویت سرمایه‌گذاری از طریق: ثبات مالیات‌ها، شفافیت درآمدها، صراحت در مقررات و منطقی کردن معافیت‌ها.
۷. تجهیز و تکمیل نظام پولی و پس‌انداز ملی و هدایت و تقویت بازار پول و سرمایه و ابزارهای پولی و مالی در جهت تقویت سرمایه‌گذاری.

۸. توجه به کسب دانش فنی، دسترسی به بازارهای بین‌المللی، رشد اقتصادی، توسعه اشتغال و ارتقای مدیریتی و بهره‌وری در جذب سرمایه‌گذاری خارجی با اولویت سرمایه‌گذاری مستقیم و بلندمدت.

۹. تنظیم فعالیت سرمایه‌گذاری خارجی در بورس سهام به‌نحوی که ثبات و تعادل بازارهای مالی و ارزی حفظ شود.

۱۰. ساماندهی رفتار تقنینی، اداری، قضایی، بازرسی، نظارت، حسابرسی و تخصصی کردن امور در جهت حمایت از سرمایه‌گذاری و تولید.

۱۱. تسهیل شکل‌گیری و توانمندسازی بنگاه‌های بزرگ اقتصادی در بخش خصوصی و تعاونی.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این دو قانون نیز عواملی نظیر شفافیت، ثبات و هماهنگی قوانین و مقررات، حمایت از سرمایه‌گذاری، سیاست‌های اجرایی مناسب، دقت و کارآمدی نهادهای قضایی در برخورد با جرائم اقتصادی، رعایت عدالت در برخورداری از موقعیت‌های اقتصادی، حمایت از مالکیت مادی و معنوی، ثبات اقتصادی، مهار نوسانات، تسهیل جذب سرمایه‌های خارجی و عملکرد صحیح بازارهای مالی به‌عنوان راهکارهای توسعه و ارتقای امنیت اقتصادی مورد تأکید قرار گرفته است.

از این‌رو در این کتاب براساس سیاست‌های کلی نظام و با استفاده از تعاریف و نیز سایر مطالعات تجربی انجام شده در زمینه امنیت اقتصادی که به بخشی از آن‌ها در قسمت‌های بعدی اشاره می‌شود، رویکردی جامع درباره امنیت اقتصادی تعریف و شاخص‌سازی می‌گردد. بر این اساس تعریف (ما از) امنیت اقتصادی چنین است: امنیت اقتصادی چارچوبی است متشکل از نهادهای کارآمد (مالی، قضایی، اداری و اجتماعی)، قوانین و مقررات شفاف و باثبات و سیاست‌گذاری مناسب دولت که بستر لازم را برای رشد پایدار اقتصادی، توسعه سرمایه‌گذاری و کاهش نگرانی و عدم اطمینان نسبت به آینده تا سطح قابل تحمل برای فعالان اقتصادی فراهم می‌کند.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، رویکرد جامع امنیت اقتصادی در تعریف فوق، شش حوزه کلی (شامل نهادهای کارآمد، قوانین و مقررات، سیاست‌گذاری دولت، رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری و عدم اطمینان نسبت به آینده) را دربرمی‌گیرد که سه حوزه شامل عوامل تأثیرگذار بر امنیت اقتصادی بوده و سه حوزه دیگر، شامل عوامل تأثیرپذیر

از امنیت اقتصادی است. این شش حوزه، اکثر قریب به اتفاق رویکردها و شاخص‌های مطرح برای امنیت اقتصادی را دربرگرفته و از جامعیت لازم برای نشان دادن وضعیت امنیت اقتصادی در کشور برخوردار می‌باشد.

۱-۳ عوامل مؤثر بر امنیت اقتصادی

عوامل مؤثر بر امنیت اقتصادی را می‌توان به سه حوزه نهادهای کارآمد، قوانین و مقررات و سیاست‌گذاری دولت تقسیم‌بندی کرد.

۱-۳-۱ حوزه نهادهای کارآمد

حصول امنیت اقتصادی تا حد زیادی وابسته به کارآمدی و عملکرد صحیح نهادهای مختلف جامعه است. به‌طور کلی می‌توان نهادهای مرتبط با مقوله امنیت اقتصادی را به چهار گروه زیر تقسیم کرد:

۱. نهادهای مالی: بانک‌ها و مؤسسات مالی، بازار سرمایه، صنعت بیمه و نهادهای ناظر مالی،

۲. نهادهای قضایی: دادگستری و نیروی انتظامی،

۳. نهادهای اداری: وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و ادارات دولتی،

۴. نهادهای اجتماعی: مجالس قانون‌گذاری، اتحادیه‌ها و اصناف، اتاق‌های بازرگانی و احزاب سیاسی.

نحوه عملکرد و سطح کارایی هر یک از نهادها و گروه‌های فوق، تأثیر زیادی بر امنیت اقتصادی دارد. نهادهای مالی وظیفه توسعه و تجهیز منابع مالی برای حمایت از رشد و توسعه اقتصادی را بر عهده دارند و بدیهی است که هرگونه اختلال و بی‌نظمی در عملکرد آن‌ها موجب آشفتگی در نظام اقتصادی شده و فضای فعالیت را برای عوامل اقتصادی ناامن می‌کند. بحران‌های مالی و ورشکستگی بانک‌ها و مؤسسات مالی، سقوط بورس‌های اوراق بهادار، نبود توسعه و توانمندی ناکافی صنعت بیمه برای پوشش ریسک‌های تجاری و اقتصادی و نظارت ضعیف نهادهای ناظر که می‌تواند منجر به انحراف در عملکرد نهادهای مالی شود، همه از عواملی هستند که امنیت اقتصادی را در معرض مخاطره قرار داده و علاوه بر هزینه‌های ناکارایی خویش (به دلیل آسیب رساندن به امنیت اقتصادی)، هزینه‌های سنگین‌تری را نیز از طریق کاهش سطح سرمایه‌گذاری و عدم تأمین مالی

(مناسب) رشد اقتصادی بر جامعه تحمیل می‌کنند.

کنترل و برخورد با تهدیدات مجرمانه‌ای که فضای کسب‌وکار را تهدید می‌کند، وظیفه نهادهای قضایی است. از این جهت، کارآمدی این نهادها در برخورد با جرائم اقتصادی و هر نوع جرائم دیگر که در مسیر فعالیت‌های اقتصادی اخلاص ایجاد می‌کند، نقشی اساسی در تأمین فضای امن اقتصادی دارد. مبارزه با فساد اداری، جلوگیری از رانت‌خواری، تأمین امنیت برای ابزارهای پرداخت و مجازات اخلاص‌گران اقتصادی، عواملی محسوب می‌شوند که سطح امنیت اقتصادی را افزایش داده و از طریق گسترش مبادلات، موجب رشد و توسعه اقتصادی می‌گردند.

نحوه برخورد با جرائم اقتصادی در این نهادها از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است، به‌نحوی که برخورد نامناسب با افراد مظنون و عملکردهای سلیقه‌ای و خارج از چارچوب قانون در این حوزه به جای تقویت امنیت اقتصادی، خود به عامل ناامنی اقتصادی تبدیل شده و ذهنیت سرمایه‌گذاران را نسبت به فضای اقتصادی به‌شدت تخریب می‌کند. بنابراین کارآمدی در این حوزه شامل طراحی راهبردهای صحیح، اجرای کامل قانون و دقت در نحوه برخورد با مظنونان نیز می‌شود.

نهادهای اداری، وظیفه تنظیم امور و شئون جامعه را بر عهده داشته و بدون عملکرد مناسب آن‌ها، امکان برقراری نظم در جامعه وجود ندارد. هرگاه نهادهای اداری وظایف خود را به‌درستی انجام ندهند، آشفتگی و اخلاص در امور و سپس بروز ناامنی اقتصادی امری حتمی خواهد بود. فساد اداری یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های ناامنی اقتصادی و مرتبط با نهادهای یاد شده است. وجود فساد در نهادهای اداری سبب بروز مشکلاتی برای عوامل اقتصادی و به‌خصوص تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران شده و انگیزه‌های تولید را به‌شدت کاهش می‌دهد. از این‌رو مبارزه با فساد اداری همواره یکی از مهم‌ترین راهکارهای گسترش امنیت اقتصادی بوده و طراحی و اجرای سازوکارهایی در ساختار اداری نهادهای یاد شده برای جلوگیری از بروز فساد اداری در آن‌ها، مؤثرترین و بهترین راهبرد محسوب می‌شود.

نهادهای اجتماعی، ارکان اصلی یک جامعه را می‌سازند و کارآمدی آن‌ها می‌تواند امنیت اقتصادی را به شکلی اساسی و مستحکم در جامعه فراهم آورد. مجلس قانون‌گذاری (مجلس شورای اسلامی) هم با تصویب قوانین مناسب و نظارت مؤثر بر نحوه عملکرد

دولت در تأمین امنیت اقتصادی، زیربنای اولیه امنیت اقتصادی را بنا می‌نهد. همچنین وجود یک خواست عمومی در سایر نهادهای اجتماعی نظیر انجمن‌ها، اتحادیه‌ها و احزاب سیاسی (به مثابه اهرمی) دولت را در پیگیری و اجرای امور مربوط به امنیت اقتصادی ملزم و مصمم‌تر می‌سازد.

اگرچه شاخص‌سازی در این حوزه به علت ماهیت پیچیده نهادها و نبود اطلاعات کافی دشوارتر است، اما به هر حال می‌توان موارد ذیل را به‌عنوان شاخص‌هایی از امنیت اقتصادی در حوزه کارآمدی نهادها لحاظ کرد:

۱. درجه تعمیق بازارهای مالی،
۲. وقوع بحران در بازارهای مالی،
۳. درجه پوشش ریسک‌های مختلف در نظام مالی،
۴. آمار برخورد با جرائم اقتصادی در قوه قضائیه،
۵. آمار سوءاستفاده از ابزارهای پرداخت (نظیر چک و سفته)،
۶. شاخص فساد اداری (در صورت دسترسی به اطلاعات)،
۷. نسبت پروژه‌های بهره‌برداری شده به مجوزهای تأسیس صادر شده.

۲-۳-۱ حوزه قوانین و مقررات

دستیابی به امنیت اقتصادی بدون وجود قوانین و مقررات شفاف و باثبات امکان‌پذیر نیست. قوانین و مقررات، مبنای عملکرد تمامی عوامل اقتصادی بوده و بدون داشتن قوانینی که از ایجاد ثبات و امنیت در فضای کسب‌وکار اقتصادی حمایت کند، سطوح بالای امنیت اقتصادی نیز محقق نخواهد شد. قوانین و مقررات مربوط به تجارت، تجارت خارجی، مالیات، مالکیت، سرمایه‌گذاری خارجی، کار و مالکیت معنوی، از مهم‌ترین قوانینی به شمار می‌روند که ارتباط زیادی با موضوع امنیت اقتصادی داشته و درجه شفافیت، ثبات و تناسب آن‌ها با اوضاع اقتصادی، تعیین‌کننده سطح امنیت اقتصادی در هر جامعه‌ای است.

قانون تجارت، چارچوب فعالیت بنگاه‌های اقتصادی را مشخص می‌کند و در صورت نبود جامعیت و شفافیت لازم آن، نظام اقتصادی دچار اخلال و ناامنی می‌شود. به‌طور مثال، قانون ورشکستگی به‌عنوان بخشی از قانون تجارت نقش مهمی در حمایت از حقوق

ذی‌نفعان^۱ و صاحبان سرمایه^۲ بنگاه‌های اقتصادی دارد. اگر این قانون به‌خوبی تدوین نشده و نحوه برخورد با ورشکستگی‌ها و روش تسویه حساب، بازگشت حقوق ذی‌نفعان و مجازات ورشکستگان به‌تقصیر در آن مشخص نشده باشد، هر ورشکستگی علاوه بر تحمیل زیان مستقیم، هزینه‌های مضاعفی را نیز به علت تخریب فضای امنیت اقتصادی بر جامعه تحمیل می‌کند. اما اگر از ابتدا سازوکارهای قانونی لازم برای نظارت و حسابرسی بنگاه‌های اقتصادی، نحوه برخورد با ورشکستگی و سایر تمهیدات لازم اندیشیده شده باشد، وقوع ورشکستگی به‌عنوان یک عامل ناامنی اقتصادی کاهش می‌یابد و در صورت وقوع، خسارت‌های ناشی از آن به حداقل می‌رسد.

تجارت خارجی و سرمایه‌گذاری خارجی به‌شدت تحت تأثیر امنیت اقتصادی قرار دارند. اصولاً بدون وجود سطح حداقلی از امنیت اقتصادی، امکان جذب سرمایه‌های خارجی وجود ندارد. همچنین در شرایط ناامنی اقتصادی، هزینه‌های تجارت خارجی به‌شدت افزایش یافته و توان رقابتی صادرکنندگان را کاهش می‌دهد. به همین دلیل، وجود قوانین و مقرراتی که از صادرکنندگان در برابر تهدیدات ناامنی داخلی و خارجی حمایت کرده و شرایط و ضوابط دقیق، شفاف و باثباتی را برای سرمایه‌گذاری خارجی ایجاد نماید، یکی از ضروریات اصلی در دستیابی به امنیت اقتصادی محسوب می‌شود. قوانین مالیاتی نیز از جمله قوانینی است که امنیت اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به‌ویژه تغییرات غیرمنتظره در مقررات و نرخ‌های مالیاتی، از عواملی است که برنامه‌ریزی‌های بلندمدت بنگاه‌های اقتصادی را با مشکل مواجه کرده و انگیزه اجرای طرح‌های اقتصادی طولانی‌مدت را از آن‌ها سلب می‌کند.

قوانین مربوط به حمایت از مالکیت مادی و معنوی هم از مهم‌ترین قوانین تأثیرگذار بر سطح امنیت اقتصادی است، به‌نحوی که در رویکرد مالکیت به‌عنوان یکی از رویکردهای امنیت اقتصادی، ماهیت و ثبات قوانین حمایت از مالکیت، شاخص اصلی امنیت اقتصادی قلمداد شده است. در اکثر مطالعات تجربی و نیز شاخص‌هایی که توسط مؤسسات بین‌المللی درباره ریسک فعالیت‌های اقتصادی در کشورهای مختلف جهان

1. Stakeholders
2. Shareholders

گزارش می‌شود، حمایت از حقوق مالکیت یکی از اصلی‌ترین شاخص‌هاست. بنابراین، وجود قوانین شفاف و باثباتی که حقوق مالکیت‌های مادی و معنوی را به‌طور واضح و کامل مشخص کرده و از آن حمایت نماید، یکی دیگر از ابزارهای لازم برای حصول امنیت اقتصادی به شمار می‌رود.

نکته مهم در زمینه قوانین و مقررات، درجه ثبات آن‌هاست. هرچه قوانین باثبات‌تر باشد، کمک بیش‌تری به امنیت اقتصادی می‌کند. به همین دلیل برای شاخص‌سازی در این حوزه نمی‌توان قوانین و مقررات را به شکل متغیرهایی در طول زمان در نظر گرفت، بلکه میزان رضایت عاملان اقتصادی از قوانین و مقررات، عامل اصلی در ساختن شاخص محسوب می‌شود. موارد ذیل نماگرهایی از وضعیت قوانین و مقررات در ارتباط با مفهوم امنیت اقتصادی است:

۱. تغییرات غیرمنتظره قوانین اقتصادی نظیر قوانین و مقررات مالیاتی، گمرکی، ارزی و تجارت خارجی،
۲. وجود قوانین حمایت از مالکیت معنوی،
۳. وجود قوانین حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی،
۴. درجه تناسب و کامل بودن قوانین از نظر تولیدکنندگان، سرمایه‌گذاران و سایر عوامل اقتصادی.

۳-۱-۳ حوزه سیاست‌گذاری دولت

یکی از مهم‌ترین حوزه‌های تأثیرگذار بر امنیت اقتصادی، سیاست‌های اتخاذ شده توسط دولت و درجه ثبات و اعتمادپذیری این سیاست‌هاست. سیاست‌های پولی، مالی، ارزی، اعتباری، مالیاتی و کنترل بازار، مهم‌ترین جنبه‌های سیاست‌گذاری دولت در این زمینه محسوب می‌شود که تأثیر زیادی بر امنیت اقتصادی دارد. شاخص‌های کلان اقتصادی نظیر نرخ تورم، رشد اقتصادی و بیکاری، تحت تأثیر مستقیم سیاست‌های دولت قرار داشته و وضعیت شاخص‌های یاد شده نیز بیانگر سطح امنیت اقتصادی در کشورهاست.

نرخ‌های تورم بالا و همراه با نوسانات زیاد، به‌عنوان عامل کاهنده انگیزه‌های سرمایه‌گذاری و هدایت‌کننده منابع مالی به سمت فعالیت‌های غیرمولد (واسطه‌گری)، همواره نشانه‌ای از نبود امنیت اقتصادی قلمداد می‌شود، به‌طوری‌که در رویکردهای

سرمایه‌گذاری، تعادل بازارها و قابلیت پیش‌بینی نرخ تورم (براساس جدول ۲-۱)، یک شاخص امنیت اقتصادی به شمار می‌رود. همچنین رشد اقتصادی پایدار که در ایجاد محیط امن اقتصادی برای تولید و سرمایه‌گذاری نقش اساسی دارد، از طریق سیاست‌گذاری مناسب دولت‌ها محقق می‌شود. نرخ بیکاری نیز به‌عنوان یک شاخص (تحت تأثیر سیاست‌های دولت) می‌تواند نشان‌دهنده ذهنیت عرضه‌کنندگان نیروی کار نسبت به سطح امنیت اقتصادی در خصوص تأمین معیشت‌شان باشد.

از سوی دیگر، در سطح خرد هم ذهنیت و انتظارات عوامل اقتصادی اعم از تولیدکنندگان، سرمایه‌گذاران، عرضه‌کنندگان نیروی کار و صاحبان سرمایه تحت تأثیر سیاست‌های دولت قرار دارد. در اینجا دو موضوع اعتمادپذیری و ثبات سیاست‌های دولت از اهمیت بیش‌تری برخوردار است. درجه اعتمادپذیری سیاست‌های دولت نقش مهمی در اثربخشی سیاست‌ها و واکنش مطلوب عوامل اقتصادی به سیاست‌های اتخاذ شده داشته و ثبات سیاست‌ها نیز باعث اطمینان‌بخشی و افزایش قابلیت برنامه‌ریزی بلندمدت برای عوامل اقتصادی می‌شود. به همین دلیل می‌توان اعتمادپذیری و ثبات سیاست‌های دولت را دو شاخص مهم امنیت اقتصادی در نظر گرفت که هرچه از درجه بالاتری برخوردار باشد، منعکس‌کننده سطح بالاتر امنیت اقتصادی به‌ویژه از دیدگاه و منظر عوامل اقتصادی است.

برگشت‌ناپذیری^۱ بسیاری از انواع سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی، موضوعی است که درجه اعتمادپذیری دولت‌ها را به چالش کشیده است. اگر یک بنگاه احساس کند که ممکن است دولت در قوانین و یا نرخ‌های مالیاتی تجدیدنظر نماید، این احتمال وجود دارد که طرح‌های سرمایه‌گذاری مورد نظر خود را لغو کرده یا اجرای آن‌ها را به تأخیر بیندازد (Stasavage, 2000) این موضوع به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه که سرمایه‌گذاران نسبت به تغییرات غیرمنتظره در سیاست‌های اقتصادی دولت نگرانی بیش‌تری دارند، بیش‌تر رخ می‌دهد. یک روش برای کاهش حس عدم اعتماد نسبت به دولت، تصویب موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری چندجانبه است که دولت را در ایجاد تغییرات فرصت‌طلبانه و ناعادلانه سیاست‌های اقتصادی محدود می‌کند. با این وجود همچنان

ابهاماتی درباره اینکه ضمانت اجرایی چنین موافقت‌نامه‌هایی چیست و چگونه می‌توان محتوی آن‌ها را به هماهنگ‌سازی مقررات و سیاست‌های مالیاتی کشورها گسترش داد، وجود دارد (Stasavage, 2000).

همان‌گونه که اشاره شد برگشت‌ناپذیری سرمایه تحت تأثیر مسئله اعتمادپذیری دولت قرار دارد، به‌ویژه آنکه تحت این شرایط دولت‌ها از انگیزه فرصت‌طلبانه کافی برای تغییر مقررات و مالیات‌ها برخوردارند؛ زیرا می‌دانند سرمایه‌گذاران به راحتی قادر نیستند سرمایه خود را از طرح‌های سرمایه‌گذاری خارج کنند یا آن را کاهش دهند. بنابراین ناچارند خود را با وضع جدید تطبیق دهند.

نکته اساسی در اینجا آن است که سرمایه‌گذاران فاقد اطلاعات کامل راجع به ترجیحات تصمیم‌سازان سیاسی بوده و انتظارات خود را براساس باورهای قبلی خود نسبت به آنان تنظیم می‌کنند. استاساویج^۱ (۲۰۰۰) معتقد است تحت چنین شرایطی وجود حق وتوی بیش‌تر در ساختار نهادهای سیاسی (مانند مجلس نمایندگان، مجلس سنا، دولت‌های ایالتی و دادگاه‌های قانون اساسی) می‌تواند عوارض اعتمادپذیری را به حداقل برساند. حق وتو در اینجا به معنای برخورداری از حق ممانعت از تصویب تغییرات پیشنهادی در سیاست‌های کشور می‌باشد. تعدد حق وتوی تصمیم‌سازان موجب افزایش احتمال وجود افرادی می‌شود که از حقوق سرمایه‌گذاران حمایت کرده و با استفاده از حق وتوی خود مانع تصویب تغییرات فرصت‌طلبانه دولت‌ها بر زیان سرمایه‌گذاران می‌شوند.

البته در نظام‌های سیاسی که تصمیم‌سازی را فقط یک مرکز انجام می‌دهد و حق وتوی متعدد وجود ندارد نیز راهکارهایی برای افزایش درجه اعتمادپذیری دولت‌ها در زمینه ثبات سیاست‌ها پیشنهاد شده است. دو راهکار عمده در این خصوص، کسب شهرت و انتخاب تابع هدف مناسب است. دولت‌هایی که ثبات سیاسی را برای مدت طولانی حفظ کنند، در بلندمدت بین سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی دارای حسن شهرت می‌شوند. این موضوع باعث اعتماد آن‌ها به دولت شده و مسئله ناطمینانی در سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد. نمونه بارز آن دولت سنگاپور است که با وجود تمرکز قدرت تصمیم‌سازی

1. Stasavage

در دولت، همواره یکی از بهترین کشورها در حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی شناخته می‌شود. همچنین دولت‌ها و تصمیم‌سازانی که تابع هدف خود را بر مبنای جلب اعتماد سرمایه‌گذاران و ثبات سیاستی انتخاب می‌کنند، انگیزه‌های کم‌تری برای ایجاد تغییرات فرصت‌طلبانه در سیاست‌های اقتصادی و مقررات مالی خواهند داشت (Stasavage, 2000).

موضوع دیگری که باید به آن توجه داشت اثر منفی (احتمالی) ثبات سیاستی بر سرمایه‌گذاری است. هرچند تأثیر مثبت ثبات سیاستی بر سرمایه‌گذاری از طریق افزایش درجه اعتمادپذیری دولت‌ها مشخص است، ولی زمانی که ایجاد تعدیلاتی در سیاست‌ها به منظور مقابله با شوک‌ها مورد نیاز است، تأکید بیش از حد بر ثبات سیاست‌ها می‌تواند تأثیر منفی بر سرمایه‌گذاری بگذارد. این موضوع به‌خصوص در مورد سیاست‌های کلان اقتصادی صدق می‌کند.

بر اساس موارد یاد شده و در راستای معرفی شاخص‌هایی برای امنیت اقتصادی در حوزه سیاست‌گذاری دولت با تأکید بر قابلیت محاسبه، در دسترس بودن اطلاعات و جامعیت کافی، چهار دسته متغیرهای اقتصادی به شرح ذیل پیشنهاد می‌شود:

۱. سطح شاخص‌های کلان اقتصادی مرتبط با سیاست‌های دولت نظیر نرخ تورم، بیکاری، کسری بودجه، رشد اقتصادی، تشکیل سرمایه، نرخ ارز و نظایر آن،
۲. نوسان‌های شاخص‌های اقتصادی بند ۱،
۳. درجه تحقق اهداف برنامه‌های دولت (به‌عنوان شاخص اعتمادپذیری سیاست‌ها)،
۴. سابقه و تعدد تغییر غیرمنتظره سیاست‌های کلان اقتصادی (به‌عنوان شاخص ثبات سیاست‌ها).

۴-۱ آثار امنیت (ناامنی) اقتصادی

۴-۱-۱ حوزه رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری

رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری از حوزه‌هایی است که تحت تأثیر امنیت اقتصادی قرار داشته و در اکثر مطالعات تجربی (که در بخش بعدی به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود) از تغییرات و نوسان‌های این دو حوزه به‌عنوان نشانه‌های وجود یا عدم وجود امنیت

اقتصادی و سطح آن استفاده شده است.

محیط امن اقتصادی، در کشورهای در حال توسعه عامل مهمی برای تقویت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و بهره‌مندی از مزایای آن در جهت بهبود رشد اقتصادی محسوب می‌شود. بهبود امنیت اقتصادی از طریق کاهش نااطمینانی نسبت به بازده سرمایه، باعث افزایش سطح سرمایه‌گذاری شده و عواملی که نااطمینانی به بازده سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهند به‌طور مستقیم از طریق افزایش کارایی تخصیص منابع، رشد اقتصادی را نیز تقویت می‌کنند (Poirson, 1998).

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، وجود امنیت اقتصادی، بستر لازم را برای رشد پایدار اقتصادی و توسعه سرمایه‌گذاری فراهم می‌کند. اگرچه فرایند رشد و توسعه اقتصادی علاوه بر امنیت اقتصادی نیازمند زیرساخت‌ها و عوامل بسترساز دیگری نیز هست، ولی در این میان امنیت اقتصادی یک عامل اساسی به شمار می‌رود و بدون آن — حتی در صورت وجود سایر عوامل زیربنایی — رشد اقتصادی مطلوب تحقق نمی‌یابد. به‌ویژه آنکه پایداری رشد اقتصادی در نبود امنیت اقتصادی امکان‌پذیر نبوده و توسعه سرمایه‌گذاری هم در یک محیط ناامن اقتصادی تحقق‌پذیر نیست.

نحوه ارتباط و اثرگذاری امنیت اقتصادی بر حوزه‌های رشد اقتصادی و توسعه سرمایه‌گذاری را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. از طریق کاهش نااطمینانی نسبت به بازده طرح‌های سرمایه‌گذاری، تقاضای سرمایه‌گذاری را افزایش داده و از این طریق ابتدا سرمایه‌گذاری و سپس رشد اقتصادی را بهبود می‌بخشد.
۲. امکان عملکرد صحیح نهادهای اقتصادی را فراهم می‌کند و این امر باعث افزایش میزان کارایی و در نتیجه افزایش رشد اقتصادی و توسعه سرمایه‌گذاری می‌شود.
۳. بسیاری از هزینه‌های جانبی تولید نظیر هزینه‌های پوشش ریسک و نگهداری ذخایر احتیاطی را کاهش می‌دهد و با افزایش بازده بالقوه طرح‌های سرمایه‌گذاری، امکان توسعه سرمایه‌گذاری و ارتقای رشد اقتصادی را فراهم می‌کند.
۴. از طریق کاهش نااطمینانی نسبت به آینده، امکان تخصیص بهینه منابع را فراهم کرده و از این طریق رشد اقتصادی را تقویت می‌نماید.
۵. درصد تحقق برنامه‌ریزی‌های انجام شده در بخش تولید و سرمایه‌گذاری را بالا

برده و در نتیجه امکان افزایش سود بنگاه‌های اقتصادی و تولیدی فراهم می‌شود.
 ۶. عملکرد نهادهای مالی بهبود یافته و با کاهش ریسک تأمین منابع مالی، توان آن‌ها در تأمین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد و با افزایش آن، شرایط لازم برای افزایش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی فراهم می‌گردد.

۲-۴-۱ حوزه عدم اطمینان نسبت به آینده

افزایش نااطمینانی نسبت به آینده را شاید بتوان مهم‌ترین حوزه تأثیرگذاری ناامنی اقتصادی دانست. سایر حوزه‌های تأثیرگذاری امنیت اقتصادی نیز به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از درجه اطمینان‌پذیری نسبت به آینده در تصمیم‌های اقتصادی تأثیر می‌پذیرند. به‌طور مثال تصمیمات سرمایه‌گذاران، بستگی زیادی به درجه اطمینان آن‌ها از سطح متغیرهایی نظیر تورم، نرخ بهره، مالیات، فروش و سود در آینده دارد.

مطالعات تجربی و نظری انجام شده درباره نقش نااطمینانی در تصمیمات سرمایه‌گذاران، به‌طور عمده بر طبیعت برگشت‌ناپذیری سرمایه، عدم اطمینان از هزینه‌ها و درآمدهای آتی طرح‌های سرمایه‌گذاری و میزان انعطاف‌پذیری (زمانی) سرمایه‌گذاری به‌عنوان عوامل مؤثر بر رفتار سرمایه‌گذاران تأکید کرده‌اند (Chirinko, 1996). برگشت‌ناپذیری سرمایه به حالتی اشاره دارد که در آن تعدیل منفی (کاهش) موجودی سرمایه دشوارتر از تعدیل مثبت (افزایش) موجودی سرمایه می‌باشد. این حالت به‌ویژه در شرایط نبود بازارهای سرمایه سازمان‌یافته و کارآمد مشهودتر است.

در شرایط نااطمینانی نسبت به آینده، سرمایه‌گذاران ممکن است با انتظار و عدم اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری خود منفعت بیش‌تری ببرند. در واقع در این شرایط، تصمیم‌گیری درباره سرمایه‌گذاری، شبیه قرارداد اختیار خرید بوده و چشم‌پوشی از درآمدهای مورد انتظار (فعلی) از طرح سرمایه‌گذاری به مثابه قیمت اختیار خرید است که امکان دستیابی به موقعیتی بهتر در آینده را برای سرمایه‌گذار فراهم می‌کند (Asteriou and Price, 2000). نبود امنیت اقتصادی، شرایط نااطمینانی را برای سرمایه‌گذاران فراهم می‌کند و تا زمانی که آن‌ها از وجود امنیت اقتصادی اطمینان حاصل نکنند، طرح‌های سرمایه‌گذاری خود را اجرایی و عملیاتی نمی‌نمایند. به عبارت

دیگر آن‌ها با چشم‌پوشی از درآمدهای بالقوه طرح‌های خود و یا حتی به علت نگرانی از عدم تحقق اهداف این طرح‌ها به علت شرایط ناامن اقتصادی، منتظر بهبود شرایط می‌مانند. البته چنانچه دورنمای اوضاع اقتصادی حاکی از بهبود امنیت اقتصادی نبوده یا هزینه فرصت انتظار برای سرمایه‌گذار قابل توجیه نباشد، ناامنی اقتصادی به شکل فرار سرمایه‌ها جلوه‌گر می‌شود.

در مطالعه اثر نااطمینانی بر رشد اقتصادی نباید تنها بر سرمایه فیزیکی تمرکز کرد، بلکه شکل‌های نامشهود سرمایه مانند دانش، اطلاعات، اعتماد و حسن‌شهرت نیز بخشی از سرمایه بنگاه‌های اقتصادی به شمار می‌روند که در شرایط نااطمینانی و عدم وجود امنیت اقتصادی دچار نقصان می‌شوند. علاوه بر این، نااطمینانی، بنگاه‌های تولیدی را نیازمند برخی نهاده‌های جدید (مانند بیمه و نگهداری ذخایر) برای رفع اثر نااطمینانی می‌نماید که خود هزینه مضاعفی را بر فرایند تولید تحمیل کرده و از طریق کاهش بازدهی طرح‌های سرمایه‌گذاری، بر سطح سرمایه‌گذاری کل و رشد اقتصادی تأثیر منفی می‌گذارد (Asteriou and Price, 2000).

عدم اطمینان نسبت به آینده در سطحی بالاتر، بر تصمیمات همه عوامل اقتصادی به‌طور عام اثر گذاشته و افزایش نااطمینانی نسبت به آن سبب می‌شود همه عوامل اقتصادی اعم از سرمایه‌گذاران، تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان نیروی کار، خود را در شرایط ناامنی اقتصادی احساس کنند. از این دیدگاه، درجه اطمینان نسبت به وجوه درآمدی در آینده به‌عنوان شاخص امنیت اقتصادی مطرح می‌شود.

اُزبرگ و شارپ^۱ (۲۰۰۳) در بررسی خود به منظور تهیه و تدوین شاخص بهبود وضعیت اقتصادی، چهار محور اصلی را به شرح ذیل مدنظر قرار داده‌اند:

۱. مصرف سرانه مؤثر،

۲. خالص انباشت موجودی‌های مولد ثروت،

۳. توزیع درآمد،

۴. امنیت اقتصادی.

این برداشت از بهبود اوضاع اقتصادی، ناشی از مدل چهاروجهی جدول ذیل است:

جدول ۱-۳ روند بهبود وضعیت فرد و جامعه در حال و آینده

موضوع	حال	آینده
فرد	متوسط درآمد جاری	انباشت دارایی‌های مولد
جامعه	نابرابری درآمد و توزیع فقر	عدم امنیت درآمدها

چهار وجه این جدول عبارت از فرد، جامعه، حال و آینده بوده و روند بهبود وضعیت اقتصادی فرد و جامعه را در حال و آینده نشان می‌دهد. از نظر اُزبرگ و شارپ، درآمد جاری در زمان حال و انباشت دارایی‌های مولد در بلندمدت، عواملی هستند که فرد می‌تواند با استفاده از آن‌ها به استانداردهای بالاتر زندگی و کسب رضایتمندی بیش‌تر دست یابد. از نظر اجتماعی نیز توزیع درآمد و فقر در زمان حال و میزان ناامنی یا عدم اطمینان نسبت به (درآمدهای) آینده، عوامل مناسبی برای نشان دادن وضعیت اقتصادی جامعه محسوب می‌شوند.

اگر افراد از آینده اقتصادی خود اطمینان داشته باشند، سطح رفاه‌شان وابسته به درآمد حقیقی آن‌ها طی دوران زندگی است؛ چرا که علتی برای نگرانی نسبت به آینده وجود نخواهد داشت، ولی اطمینان نسبت به آینده - با وجود ابزارهای پوششی نظیر بیمه‌های شخصی و اجتماعی - به‌صورت کامل تحقق‌ناپذیر است و این امر وضعیت زندگی افراد ریسک‌گریز را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این‌رو امنیت اقتصادی به مفهوم درجه اعتمادپذیری جریان وجوه درآمدی در آینده، به‌عنوان محوری اصلی در شاخص وضعیت اقتصادی مطرح شده است.

مراجعه به نظرات عمومی این حقیقت را آشکار می‌کند که بسیاری از افراد خود را در شرایط ناامنی اقتصادی تصور کرده و این امر بر نگرش آن‌ها نسبت به اوضاع اقتصادی‌شان تأثیر منفی می‌گذارد. اگرچه توافق عمومی درباره تعریف ناامنی اقتصادی وجود ندارد، اما اُزبرگ (۱۹۹۸) ناامنی اقتصادی را چنین تعریف کرده است: «احساس نگرانی به دلیل کمبود امنیت اقتصادی، ناشی از عدم توانایی در جلب حمایت و تأمین در مقابل زیان‌های بالقوه اقتصادی مهم و در عین حال ذهنی».

براساس این تعریف، نکات ذیل از شرایط ناامنی اقتصادی برداشت می‌شود:

۱. احساس نگرانی نسبت به وقوع زیان اقتصادی وجود دارد.

۲. نگرانی ذهنی است.

۳. زیان اقتصادی محتمل است و نه حتمی.

۴. امکان تأمین و یا پوشش زیان وجود ندارد.

با توجه به نکات یاد شده، افرادی که دارای پوشش بیمه‌ای قابل اطمینان (در مقابل بیکاری) و پس‌انداز کافی (برای سپری کردن دوران بیماری و یا بیکاری) هستند، با وجود آنکه احتمال بیکار شدن آن‌ها وجود دارد، نه تنها در شرایط ناامنی اقتصادی قرار ندارند، بلکه در صورت دسترسی به آمار آنان، می‌توان آن را به‌عنوان شاخصی از امنیت اقتصادی محسوب کرد.

اُزبرگ و شارپ (۲۰۰۳) در مطالعه خود، شاخص امنیت اقتصادی را براساس چهار موضوع اصلی و تأکید شده در ماده (۲۵) منشور حقوق بشر سازمان ملل متحد^۱ (شامل بیکاری، بیماری، سالخوردگی و از دست دادن همسر) تعریف کرده‌اند. در این مطالعه، آمار افرادی که تحت تأثیر هر یک از این عوارض قرار دارند، به‌عنوان شاخص وضعیت امنیت اقتصادی لحاظ شده و پس از متعارف‌سازی شاخص‌ها، ترکیب وزنی آن‌ها به‌عنوان شاخص امنیت اقتصادی منظور شده است. در نهایت نیز شاخص امنیت اقتصادی، ۲۵ درصد از وزن شاخص نهایی بهبود وضع زندگی را به خود اختصاص داده است. آن‌ها با استفاده از این شاخص، وضعیت اقتصادی را در چند کشور پیشرفته به تصویر کشیده و نشان داده‌اند که این شاخص طی دهه‌های اخیر به‌طور مرتب در حال بهبود بوده است.

۳-۴-۱ هزینه‌های ناامنی اقتصادی

از نظر بروک^۲ (۲۰۰۴) ناامنی اقتصادی، شکل انباشته و غیرقابل سنجش ریسک است و از آنجا که عوامل متعددی باعث ایجاد ریسک می‌شوند، ناامنی اقتصادی نیز از منابع مختلفی

۱. هر فردی حق برخورداری از استانداردهای کافی زندگی برای سلامتی و مراقبت از خود و خانواده‌اش شامل غذا، لباس، مسکن و مراقبت‌های بهداشتی و خدمات اجتماعی ضروری و همچنین حق داشتن امنیت در مقابل بیکاری، بیماری، ناتوانی، از دست دادن همسر، سالخوردگی و سایر معضلات معیشتی که خارج از کنترل وی هستند را دارد.
2. Bruck

نشئت می‌گیرد. نیروهای بازار و اقتصاد از یک‌سو و طیف وسیعی از عوامل طبیعی، فنی، اجتماعی، سیاسی و جهانی شدن از سوی دیگر می‌توانند ناامنی اقتصادی را ایجاد نمایند. مخاطراتی که از طرف این عوامل به امنیت اقتصادی تحمیل می‌شود، دارای احتمال وقوع، مقیاس زیان‌رسانی، درجه نوسان‌پذیری و قابلیت بیمه‌ای متفاوت است.

ناامنی اقتصادی هزینه‌های مضاعفی را بر مردم تحمیل می‌کند. از نقطه نظر اقتصادی، عوامل (اقتصادی) دارای ترجیحات ریسک‌گریز، از ریسک ناامنی اقتصادی اجتناب کرده و حتی حاضرند برای پوشش ریسک ناامنی اقتصادی، حق بیمه هم بپردازند. از نظر بروک (۲۰۰۴)، به‌طور کلی می‌توان هزینه‌های ایجاد‌کننده ناامنی را به سه دسته تقسیم کرد:

۱. هزینه‌های مستقیم ناشی از وقوع عوامل ناامنی،
۲. هزینه‌های غیرمستقیم اولیه ناشی از واکنش افراد به تهدیدهای ناامنی،
۳. هزینه‌های غیرمستقیم ثانویه ناشی از اعمال سیاست‌های مقابله با عوامل ناامنی و واکنش افراد.

هزینه‌های مستقیم ناامنی اقتصادی شامل زیان‌هایی است که در دارایی‌ها، حقوق مالکیت، تولید، درآمد، سلامت و زندگی عوامل اقتصادی به علت بروز عوامل ناامنی حادث می‌شود. به‌طور نمونه، جنگ یک عامل مهم ناامنی اقتصادی شناخته شده و زیان‌های جانی و مالی آن، هزینه مستقیم ناامنی است. در مقیاس کوچک‌تر، وجوه از دست رفته سپرده‌گذاران یک مؤسسه مالی به علت ورشکستگی آن مؤسسه، هزینه مستقیم ناامنی اقتصادی محسوب می‌شود. هزینه‌های غیرمستقیم اولیه، هزینه‌هایی است که در نتیجه واکنش یا اقدامات پیشگیرانه عوامل اقتصادی در مواجهه با عوامل ناامن‌ساز اقتصادی بر جامعه یا افراد تحمیل می‌شود. به‌عنوان مثال می‌توان هزینه نگهداری ذخیره زیان و مطالبات مشکوک‌الوصول بانک‌ها را که برای مقابله با ریسک اعتباری وام‌گیرندگان منظور می‌شود، هزینه غیرمستقیم (اولیه) ریسک اعتباری و یک عامل ناامن‌ساز اقتصادی دانست. همچنین هزینه اجتماعی ناشی از خروج سرمایه از چرخه تولید و سرمایه‌گذاری مولد و ورود آن به فعالیت‌های واسطه‌گری غیرمولد به علت انتظارات عوامل اقتصادی نسبت به افزایش قیمت‌ها در آینده، نوع دیگری از هزینه‌های غیرمستقیم (اولیه) به شمار می‌رود. بخش دیگر این هزینه‌ها، هزینه‌هایی است که شرکت‌ها برای دستیابی به اطلاعات بازار و

پیش‌بینی وضعیت آینده آن و کل اقتصاد به منظور آمادگی برای مواجهه با عوامل احتمالی ناامنی اقتصادی در آینده متحمل می‌شوند.

هزینه‌های غیرمستقیم ثانویه، هزینه اعمال سیاست‌های اقتصادی مناسب برای مواجهه با عوامل ناامن‌ساز اقتصادی است. به‌طور مثال، کسری بودجه دولت و پیامد منفی آن (افزایش نرخ تورم) همواره به‌عنوان یک عامل ناامنی اقتصادی مطرح است. در این حالت اگر دولت‌ها برای مقابله با خطر افزایش نرخ تورم و به منظور کنترل حجم نقدینگی اقدام به انتشار اوراق قرضه کنند، هزینه‌های انتشار این اوراق برای دولت، هزینه‌های غیرمستقیم ثانویه محسوب می‌شود. همچنین هزینه‌های دولت برای کنترل و نظارت بر حسن عملکرد بازارهای مالی، نوع دیگری از این هزینه‌هاست.

اندازه‌گیری هزینه‌های غیرمستقیم ناشی از ناامنی دشوار است. با این وجود تلاش‌هایی برای اندازه‌گیری این هزینه‌ها به‌ویژه در خصوص عوامل ناامن‌ساز بزرگی مانند واقعه ۱۱ سپتامبر در آمریکا انجام شده است. به‌طور مثال، محاسبه لئونارد^۱ (۲۰۰۱) نشان می‌دهد هزینه دادوستدهای تجاری بعد از ۱۱ سپتامبر بین ۱ تا ۳ درصد افزایش یافته است. مطالعه والکنهورست و دایهل^۲ (۲۰۰۲) نیز که با استفاده از مدل تعادل عمومی در تجارت بین‌الملل انجام شده، نشان می‌دهد به دلیل افزایش موارد امنیتی در تراکنش‌های مالی و اقتصادی بین‌المللی پس از ۱۱ سپتامبر، حجم تجارت جهانی حدود ۷۵ میلیارد دلار در سال کاهش یافته است. مطالعه هوملس^۳ (۲۰۰۱)، هزینه‌های هر روز تأخیر در کنترل‌های مرزی بر روی کالاهای وارداتی را معادل ۰/۵ درصد ارزش آن کالاها برآورد کرده است. مطالعه رابی^۴ (۲۰۰۳) حاکی از آن است که افزایش ۱۰ درصدی در موجودی انبار شرکت‌های آمریکایی می‌تواند هزینه حق بیمه را تا ۲۰ درصد افزایش دهد که این رقم معادل ۰/۱ تا ۰/۳ درصد تولید ناخالص داخلی آمریکا است. مطالعه دیگری که توسط لیمائو و ونیبلس^۵ (۲۰۰۱) انجام شده، نشان می‌دهد هر یک درصد افزایش هزینه‌های

-
1. Leonard
 2. Walkenhorst and Dihel
 3. Hummels
 4. Raby
 5. Limao and Venables

حمل و نقل (به علت مسائل امنیتی) می‌تواند حجم تجارت را بین ۲ تا ۳/۵ درصد کاهش دهد (Bruck, 2004).

۱-۵ مروری بر مطالعات (تجربی) انجام شده

۱-۵-۱ امنیت اقتصادی در کشورهای در حال توسعه

مطالعات تجربی زیادی برای نشان دادن رابطه میان عملکرد اقتصادی با جنبه‌های مختلف امنیت اقتصادی انجام شده است. استرلی و لوین^۱ (۱۹۹۷) در مطالعه خود بر روی داده‌های مقطعی نشان داده‌اند که تقسیم‌بندی‌های نژادی، رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین مائورو^۲ (۱۹۹۵) در بررسی خود نشان داده که سرمایه‌گذاری تحت تأثیر فساد، نظام قضایی و موانع اداری قرار دارد. علاوه بر این، تحقیق دیگر وی حاکی از آن است که فساد علاوه بر سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی را نیز به‌طور مستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد (Poirson, 1998).

ناک و کیفر^۳ (۱۹۹۵) در مطالعه خود، نحوه اثرپذیری هر دو پدیده رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری را از شاخص کیفیت نهادی (به‌عنوان شاخص امنیت اقتصادی) نشان داده‌اند. شاخص کیفیت نهادی در واقع شاخص تجمیع شده‌ای از شاخص‌های فساد، حاکمیت قانون، کیفیت دیوان‌سالاری، ریسک انکار قراردادهای و ریسک مصادره اموال به‌وسیله دولت است. مطالعه این دو نشان می‌دهد که هیچ‌یک از شاخص‌های ناآرامی‌های داخلی، آزادی‌های مدنی و حقوق سیاسی تأثیر معناداری بر متغیرهای عملکرد اقتصادی (سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی) ندارند. فابریوس^۴ (۱۹۹۷) نیز در مطالعه خود بر بی‌اثر بودن حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و معنادار بودن تأثیر سایر عوامل امنیت اقتصادی تأکید کرده است. مطالعه بارو و سالا آی مارتین^۵ (۱۹۹۵) هم حاکی از آن است که از میان پنج متغیر به‌کار رفته

1. Easterly and Levine

2. Mauro

3. Knack and Keefer

4. Fabricius

5. Barro and Sala-I-Martin

در بررسی ناک و کیفر (۱۹۹۵)، زمانی که متغیرهای بیش‌تری در مدل وارد می‌شوند، تنها متغیر حاکمیت قانون اثر معناداری بر رشد اقتصادی دارد (Poirson, 1998).

در بررسی دیگری که برونٹی، کیسنکو و ودر^۱ (۱۹۹۶) انجام داده‌اند، تأثیرپذیری رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری از امنیت اقتصادی با استفاده از شاخص اعتمادپذیری اثبات گردیده است. شاخص مذکور ترکیبی از پنج شاخص؛ قابلیت پیش‌بینی وضع مقررات، ادراک ذهنی نسبت به عدم ثبات سیاسی، امنیت اشخاص و دارایی‌ها، قابلیت پیش‌بینی اجرای قوانین قضایی و فساد بوده است (Poirson, 1998).

در این میان برخی محققان نیز سعی کرده‌اند با استفاده از داده‌های تابلویی به اثبات وجود این رابطه بین امنیت اقتصادی از یک‌سو و سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی از سوی دیگر بپردازند. از آن جمله می‌توان به مطالعه السینا و همکارانش^۲ (۱۹۹۲) اشاره کرد که نشان می‌دهد ثبات سیاسی هم در طول زمان و هم در بین کشورهای مختلف، تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد. همچنین ژیما برمپونگ و تراینور^۳ (۱۹۹۶) تأثیر مثبت ثبات سیاسی را بر پس‌انداز و رشد اقتصادی در قاره آفریقا نشان داده‌اند. کماندر، داوودی و لی^۴ (۱۹۹۷) اثر شاخص کیفیت دیوان‌سالاری را بر رشد اقتصادی در طول زمان و در بین کشورهای مختلف تأیید کرده و در مطالعه دیگری، برونساید و دلار^۵ (۱۹۹۷) هم تأثیر شاخص کیفیت نهادی را بر همین منوال گزارش کرده‌اند (Poirson, 1998).

پویرسون^۶ (۱۹۹۸) امنیت اقتصادی را براساس تعریفی که کامدسسوس^۷ (۱۹۹۶) ارائه کرده، چارچوب نهادی می‌شناسد که در مورد امنیت فیزیکی اشخاص و امنیت قانونی تراکنش‌ها به پس‌اندازکنندگان، سرمایه‌گذاران و ضمانت‌کنندگان اطمینان می‌بخشد. او در مطالعه خود شواهد تجربی را در تأیید این دیدگاه که امنیت اقتصادی در تقویت سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی نقش دارد، ارائه کرده و از یک پایگاه اطلاعاتی به‌صورت

-
1. Brunetti, Kisunko and Weder
 2. Alesina, etal
 3. Gymah-Brempong and Traynor
 4. Commander, etal
 5. Burnside and Dollar
 6. Poirson
 7. Camdessus

داده‌های تابلویی^۱ درباره رتبه‌بندی اقتصادی ۵۳ کشور در حال توسعه طی دوره ۱۹۸۴-۱۹۹۵ استفاده کرده است. اطلاعات وی شامل دوازده متغیر کلیدی درباره شرایط محیط سیاسی و اقتصادی کشورها که در مجموع به‌عنوان امنیت اقتصادی بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی مؤثرند بوده و عبارت است از: قدرت رهبری دولت، ریسک درگیری‌های خارجی، فساد، حاکمیت قانون، کشمکش‌های قومی و نژادی، تروریسم (سیاسی)، خطر جنگ داخلی، کیفیت دیوان‌سالاری (شامل درجه استقلال از فشارهای سیاسی)، ریسک انکار قراردادهای، ریسک مصادره اموال به‌وسیله دولت، حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی.

پویرسون (۱۹۹۸) نتایج کلی مطالعه خود را به این شرح گزارش کرده است:

۱. بیش‌تر جنبه‌های امنیت اقتصادی در تقویت رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نقش دارند.

۲. سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بیش‌تر تحت تأثیر ریسک مصادره اموال، درجه آزادی‌های مدنی و کیفیت دیوان‌سالاری قرار دارد.

۳. کاهش ریسک مصادره اموال و تروریسم (سیاسی)، مهم‌ترین عوامل امنیتی تأثیرگذار بر رشد اقتصادی هستند. فساد و ریسک انکار قراردادهای، رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، ولی اثر آن در بلندمدت نمایان می‌شود.

نتایج تجربی این مطالعه حاکی از آن است که انجام اصلاحات در راستای ارتقای امنیت اقتصادی در برخی از کشورهای در حال توسعه می‌تواند در کوتاه‌مدت تا میان‌مدت، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را بین ۰/۵ تا ۱ درصد تولید ناخالص داخلی افزایش دهد و در بلندمدت نیز رشد اقتصادی را بین ۰/۵ تا ۱/۲۵ درصد بهبود بخشد. همچنین بررسی کشورهای مورد مطالعه برحسب مناطق جغرافیایی نشان می‌دهد که اولویت‌های امنیت اقتصادی در قاره آفریقا شامل موارد زیر است:

۱. کاهش ریسک مصادره اموال در راستای افزایش سرمایه‌گذاری و تخصیص بهینه منابع،

۲. کاهش فساد و ریسک لغو قراردادهای توسط دولت در راستای حمایت از رشد

بلندمدت اقتصادی،

۳. افزایش آزادی‌های مدنی و بهبود کیفیت بوروکراسی در جهت جلب اعتماد سرمایه‌گذاران بخش خصوصی.

اولویت‌های امنیت اقتصادی در آسیا عبارت است از:

۱. افزایش آزادی‌های مدنی در راستای جلب اعتماد سرمایه‌گذاران،

۲. کاهش فساد برای افزایش رشد بلندمدت اقتصادی.

اولویت‌های امنیت اقتصادی برای کشورهای در حال توسعه (نیم‌کره غربی) به قرار زیر است:

۱. بهبود کیفیت بوروکراسی در جهت حمایت از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی،

۲. کاهش فساد برای افزایش رشد بلندمدت اقتصادی.

برای کشورهای منطقه خاورمیانه^۱ و اروپای شرقی هم افزایش آزادی‌های مدنی برای تقویت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، به‌عنوان اولویت امنیت اقتصادی شناسایی شده است.

۲-۵-۱ امنیت اقتصادی، نااطمینانی و عدم ثبات سیاسی

برخی مطالعات تجربی با تأکید بر عامل نااطمینانی به‌عنوان نشانه نامنی اقتصادی، نقش آن را در روند رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری بررسی کرده‌اند. به‌عنوان مثال، کابالرو و پیندیک^۲ (۱۹۹۳) و پیندیک و سالیمانو^۳ (۱۹۹۳) بین سطح آستانه درآمد نهایی عامل سرمایه و واریانس آن (به‌عنوان یک شاخص از نااطمینانی) همبستگی مثبت یافته‌اند. به عبارت دیگر، هرچه درآمد نهایی عامل سرمایه پراکندگی (واریانس) بیشتر داشته باشد، سطح آستانه آن برای ورود سرمایه‌گذاران به آن فعالیت اقتصادی بالاتر خواهد بود. فردرر^۴ (۱۹۹۳) نیز اثر منفی نااطمینانی را بر سرمایه‌گذاری در مطالعه خود بررسی کرده است. همچنین سه مطالعه در انگلستان^۵ (با وجود تفاوت در چارچوب نظری و نحوه اندازه‌گیری

۱. شایان ذکر است که ۹ کشور منطقه خاورمیانه در این مطالعه قرار داشته که یکی از آن‌ها ایران بوده است.

2. Caballero and Pindyck

3. Pindyck and Solimano

4. Ferderer

5. Driver and Moreton, Price

نااطمینانی) نتایج یکسانی (حاکی از تأثیر منفی نااطمینانی بر سطح سرمایه‌گذاری) داشته‌اند (Asteriou and Price, 2000). علاوه بر این‌ها، آستریو و پرایس^۱ (۲۰۰۰) نیز در بررسی خود بین نااطمینانی سیاسی و رشد اقتصادی در انگلستان، وجود همبستگی منفی قوی را مشاهده کرده‌اند.

آلسینا و پروتی^۲ (۱۹۹۳) با استفاده از داده‌های تابلویی، اثر منفی عدم ثبات سیاسی (به‌عنوان عامل ناامن‌ساز اقتصادی) را بر سرمایه‌گذاری نشان دادند. برونٹی^۳ (۱۹۹۸) نیز با استفاده از داده‌های مقطعی کشورها، تأثیر منفی چندین شاخص مربوط به نوسانات سیاسی بر رشد اقتصادی را نشان داده است. مطالعات دیگری هم وجود دارد که در بعضی از آن‌ها علاوه بر رشد اقتصادی و سطح سرمایه‌گذاری، اثر منفی نااطمینانی اقتصادی و عدم ثبات سیاسی بر برخی متغیرهای کلان دیگر نظیر متغیرهای بازار مالی تصویر شده است (Asteriou and Price, 2000).

آستریو و پرایس (۲۰۰۰) معتقدند در مطالعات مربوط به رشد اقتصادی برخی از عوامل نادیده گرفته شده و یا مورد توجه کافی قرار نگرفته است، که یکی از مهم‌ترین آن‌ها عامل نااطمینانی می‌باشد. آن‌ها کوشیده‌اند از طریق مدل اطلاعات تابلویی، نقش آن را در رشد اقتصادی نشان داده و برای این منظور از رابطه ذیل که براساس تابع تولید استخراج شده است، استفاده کرده‌اند:

در این رابطه، متغیر h نشان‌دهنده نااطمینانی، ε جزء اخلال، اندیس i نشانه کشورها و اندیس t نشان‌دهنده سال‌های مورد مطالعه است. این محققان با استفاده از اطلاعات ۵۹ کشور صنعتی و در حال توسعه، مدل یاد شده را پیشنهاد کرده‌اند. از آمار تولید و سرمایه سرانه این کشورها طی سال‌های ۱۹۶۶ تا ۱۹۹۲ میلادی برای متغیرهای \hat{y} و \hat{k} استفاده شده و در خصوص متغیر h ، ابتدا برای متغیر تولید سرانه یک مدل «گارچ»^۴ (۱/۱) برآورد شده و سپس باقیمانده آن مدل به‌عنوان متغیر نااطمینانی در

1. Asteriou and Price
2. Alesina and Perotti
3. Brunetti
4. GARCH

مدل اصلی به کار گرفته شده است.

این دو محقق برای بررسی رابطه مورد نظر از مکانیسم تصحیح خطا در حالات مختلف استفاده کرده‌اند. نتایج این بررسی، حاکی از وجود اثر منفی نااطمینانی بر هر دو پدیده رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری بوده و براساس آن می‌توان کمبود امنیت اقتصادی را که یکی از عوامل اصلی نااطمینانی به شمار می‌رود، به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر (منفی) بر رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری لحاظ کرد.

۶-۱ جایگاه امنیت اقتصادی در شاخص‌های ریسک کشوری

مؤسسات بین‌المللی متعددی به‌طور منظم شاخص‌هایی را تحت عنوان رتبه ریسک کشوری محاسبه و اعلام می‌کنند. به‌طور مثال شاخص‌های امنیت اقتصادی که در مطالعه پوپرسون (۱۹۹۸) به کار گرفته شده شامل دوازده شاخص است که ده شاخص آن همه‌ساله از سوی مؤسسه راهنمای بین‌المللی ریسک کشوری^۱ محاسبه و اعلام می‌شود. هشت شاخص از این شاخص‌های ده‌گانه، از اجزای ریسک‌های مختلف سیاسی و دو شاخص آخر از اجزای ریسک‌های مالی ساخته شده است:

۱. **قدرت رهبری دولت:** در این شاخص دوازده درجه‌ای هرچه عدم ثبات بلندمدت حکومت به‌صورت بالقوه بیش‌تر باشد، کشور درجه پایین‌تری را به خود اختصاص می‌دهد. مؤسسه راهنمای بین‌المللی ریسک کشوری برای تولید این شاخص از متغیرهایی نظیر نظام غیردموکراتیک با رهبر غیرمنتخب، به قدرت رسیدن از طریق تقلب و یا دستکاری در نتایج انتخابات، نظام‌های تک‌حزبی، رهبری ضعیف و فاقد محبوبیت در جامعه، دولت‌های ائتلافی با احزاب غیرهمسو و نبود توفیق برنامه‌های دولت، به‌عنوان عوامل بی‌ثبات کننده حاکمیت استفاده می‌کند.

۲. **ریسک منازعات خارجی:** این شاخص ده درجه‌ای با توجه به موضوعاتی چون درگیری‌ها و تهدیدات مرزی، اختلافات ژئوپلیتیکی، گروه‌های مخالف در خارج از کشور و جنگ‌های تمام‌عیار، درجه ریسک منازعات را برای هر کشور نشان می‌دهد.

۳. **فساد:** از نظر مؤسسه یاد شده در کشورهایی که دارای حکومت‌های غیردموکراتیک بوده و دولت بیش از ده سال در قدرت باقی می‌ماند، احتمال فساد مدیران ارشد دولتی بیش‌تر است، و به‌طور معمول پرداخت‌های غیرقانونی مانند رشوه در جامعه به‌صورت امری متداول درمی‌آید. اما از آنجا که در این جوامع بیش‌تر موارد فساد مخفی می‌ماند، مؤسسه برای ساختن این شاخص شش درجه‌ای از دو متغیر درجه دموکراسی در نظام سیاسی و سال‌های حضور دولت در قدرت استفاده می‌کند.

۴. **حاکمیت قانون:** در مقیاس شش درجه‌ای این شاخص، درجات پایین‌تر به معنای آن است که استیفای حق در دعاوی حقوقی مردم در جامعه بیش‌تر از طریق قدرت فیزیکی و ابزارهای غیرقانونی انجام می‌شود. مؤسسه یاد شده برای تولید این شاخص از موضوعاتی نظیر شفافیت نهادهای سیاسی، قدرت نظام قضایی و اعمال نفوذ قدرت در انتصابات استفاده می‌کند.

۵. **کشمکش‌های نژادی:** این شاخص شش درجه‌ای نشانگر ریسک بالقوه کشمکش‌های نژادی، قومی و مذهبی بوده و درجات پایین‌تر آن به کشورهایی داده می‌شود که در آن‌ها گروه‌های مخالف کم‌تر یکدیگر را تحمل کرده و تمایلی برای سازش ندارند.

۶. **تروریسم سیاسی:** در این شاخص شش درجه‌ای درجات پایین‌تر به کشورهایی داده می‌شود که در آن‌ها فعالیت‌های تروریستی، امنیت و ثبات اجتماعی در معرض تهدید قرار داشته و یا خطر سقوط حکومت از این طریق وجود دارد.

۷. **خطر جنگ داخلی:** در مقیاس شش درجه‌ای این شاخص، درجات پایین‌تر به کشورهایی داده می‌شود که خطر تبدیل اعتراضات (به دولت و سیاست‌های آن) به درگیری‌های سخت داخلی وجود دارد.

۸. **کیفیت دیوان‌سالاری:** درجه استقلال امور دیوان‌سالاری اداری از فشارهای سیاسی و وجود چارچوب مشخص و قانونمند برای استخدام در ادارات دولتی، موضوعات مورد نظر در این شاخص بوده و هرچه این موارد ضعیف‌تر باشد، کشور درجه پایین‌تری را به خود اختصاص می‌دهد.

۹. **ریسک انکار قراردادهای توسط دولت:** در این شاخص ده درجه‌ای، عواملی نظیر کاهش درآمدهای دولت، کسری بودجه، کمبود نقدینگی، تغییر دولت و یا تغییر اولویت‌های

اجتماعی و اقتصادی دولت باعث افزایش این نوع ریسک می‌شود.

۱۰. ریسک مصادره اموال: درجات پایین‌تر این شاخص ده درجه‌ای به کشورهای داده می‌شود که در آن‌ها خطر مصادره اموال سرمایه‌گذاران بخش خصوصی به شکل توقیف اموال و یا ملی شدن صنایع وجود دارد.

دو شاخص دیگر، یعنی حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی نیز توسط مؤسسه فریدام هاوس^۱ به صورت سالانه تهیه و اعلام می‌شود. برای تولید این دو شاخص هفت درجه‌ای از عوامل متعددی که فهرست‌وار و همراه با جداول امتیازدهی تهیه شده است، استفاده می‌شود و درجه نهایی برحسب امتیازات جدول و تجزیه و تحلیل تیم کارشناسان مؤسسه از وضعیت آزادی‌های مدنی و حقوق سیاسی در کشورهای مورد بررسی، محاسبه و اعلام می‌گردد (Poirson, 1998).

علاوه بر مؤسسه راهنمای بین‌المللی ریسک کشوری، مؤسسه‌های معتبر بین‌المللی دیگر نیز به ارزیابی و رتبه‌بندی ریسک کشورها می‌پردازند. از آنجا که دیدگاه این‌گونه مؤسسات متکی بر نگرش سرمایه‌گذاری و ریسک‌های مورد انتظار سرمایه‌گذاران می‌باشد، بنابراین شناخت اجزا و ترکیب شاخص‌های رتبه‌بندی این مؤسسات می‌تواند در شناخت و دسته‌بندی عوامل امنیت اقتصادی مؤثر واقع شود. در ادامه، شاخص‌ها و نحوه رتبه‌بندی کشورها در دو مؤسسه کوفاس^۲ و ای.آی.یو^۳ مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۶-۱ روش مؤسسه کوفاس

در نظام رتبه‌بندی کوفاس، ریسک عدم پرداخت و مطالبات مالی کوتاه‌مدت (مرتبط با یک بنگاه اقتصادی) مورد توجه بوده و شاخص ریسک به دست آمده، نشانگر میزان تأثیرپذیری (نوسان پیش‌بینی نشده) در تحقق درآمدها ناشی از عوامل مالی، سیاسی و اقتصاد محلی است. این عوامل به‌طور مشخص در شکل تصمیم‌های سیاسی اثرگذار بر تجارت و ریسک‌های کمبود ارزی، عمل نکردن دولت محلی به تعهدات خارجی خویش،

1. Freedom House
2. Coface
3. Economist Intelligence Unit (EIU)

کاهش ارزش پول ملی ناشی از خروج یک سرمایه عظیم، بحران در نظام بانکی و بالاخره ریسک نوسانات تجاری و بحران بدهی‌های کوتاه مدت خود را نشان می‌دهد.

این رتبه‌بندی تحلیلی براساس یک پایگاه داده‌ای با حجم ۴۴ میلیون شرکت تجاری از ۱۴۴ کشور جهان انجام شده و متکی بر ۵۰ سال سابقه عملکرد مؤسسه کوفاس در این زمینه است. در این روش کشورها طبق تعاریف زیر رتبه‌بندی می‌شوند:

A₁: ثبات کامل اقتصادی و سیاسی و در نتیجه ریسک بسیار پایین در پرداخت‌ها.

A₂: ثبات بالای اقتصادی و سیاسی و در نتیجه ریسک پایین در پرداخت‌ها.

A₃: ثبات نسبی توأم با عوامل بالقوه ایجادکننده بی‌ثباتی و در نتیجه ریسک بالاتر نسبت به گروه‌های قبل.

A₄: ثبات نسبی با احتمال بروز نوسانات کوتاه‌مدت اقتصادی و سیاسی و در نتیجه ریسک بالاتر نسبت به گروه‌های قبل.

B: عدم ثبات اقتصادی و سیاسی و تمایل به افزایش ریسک عدم پرداخت‌ها.

C: بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی و سابقه ضعیف در پرداخت‌ها.

D: بی‌ثباتی بسیار بالای اقتصادی و سیاسی و سابقه بسیار بد در پرداخت‌ها.

۲-۶-۱ شاخص ترکیبی ریسک کشوری

اساس این روش متکی بر طراحی مجموعه‌ای از پرسش‌های کمی و کیفی و ارائه آن به متخصصان و صاحب‌نظران حوزه مورد نظر و در نهایت تحلیل آماری پایگاه داده‌ای به‌دست آمده می‌باشد. در این پایگاه داده‌ای، ریسک و نوسانات پیش‌بینی نشده ناشی از عوامل کلان سیاسی، سیاست‌گذاری اقتصادی، ساختار اقتصادی و وضعیت نقدینگی موجود به مقادیر متناظر کمی تبدیل شده و برای وزن‌دهی و استخراج شاخص‌های نهایی به‌کار گرفته می‌شود.

در این روش، دوگونه شاخص نهایی به شرح ذیل محاسبه می‌شود:

۱. شاخص ریسک کلی کشور،

۲. شاخص‌های ریسک اختصاصی مرتبط با فرایند سرمایه‌گذاری شامل ریسک‌های نرخ ارز،^۱ بدهی دولت^۲ و نظام بانکی.^۳

در این روش برای رتبه‌بندی کشورها ابتدا شاخص‌هایی برای هر کدام از گروه‌های ریسک مورد اشاره تعریف شده و سپس با ترکیب وزنی آن‌ها یک شاخص کلی و سه شاخص اختصاصی برای هر کشور به دست می‌آید. رتبه‌بندی در شاخص‌های تعریف شده در این دو گروه از کم‌ترین ریسک (رتبه A) تا بیش‌ترین ریسک (رتبه E) را دربرمی‌گیرد. این پنج رتبه درجات ریسک از صفر تا ۱۰۰ را پوشش می‌دهد، به گونه‌ای که درجات تحت بازه صفر تا ۲۰ در گروه A، ۲۱ تا ۴۰ در گروه B، ۴۱ تا ۶۰ در گروه C، ۶۱ تا ۸۰ در گروه D و بالاخره ۸۱ تا ۱۰۰ در گروه E جای می‌گیرد.

۱. کاهش ارزش پول ملی در برابر دلار آمریکا به میزانی بیش از ۲۰ درصد.
 ۲. میزان اطمینان‌پذیری دولت در راستای عمل به تعهدات مالی و ایفای بدهی‌های خارجی.
 ۳. میزان اطمینان‌پذیری به بانک‌های خصوصی و نهادهای مالی و اعتباری خصوصی در راستای عمل به تعهدات مالی و ایفای بدهی‌های خارجی.

فصل دوم

تحلیل رگرسیونی امنیت اقتصادی در ایران

۲-۱ تحلیل آثار متقابل امنیت اقتصادی و متغیرهای کلان اقتصادی

۲-۱-۱ چارچوب مدل‌سازی و تحلیل

بازشناسی تأثیرات متقابل امنیت اقتصادی و متغیرهای کلان اقتصادی نیازمند تعریف و چارچوبی مشخص برای امنیت اقتصادی است. در این فصل با استفاده از تعریف ارائه شده از امنیت اقتصادی در فصل اول، به دنبال یافتن شواهد تجربی برای تأیید ارتباط بین امنیت اقتصادی و سایر متغیرهای کلان اقتصادی هستیم. در حال حاضر امنیت اقتصادی فاقد یک شاخص محاسبه شده به صورت سری زمانی مشخص بوده و از طریق نشانه‌های آن در سه حوزه رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری و نااطمینانی نسبت به آینده رهگیری می‌شود. به عبارت دیگر، عدم تعادل و بی‌ثباتی ایجاد شده در روند رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری را می‌توان به‌عنوان شواهدی از بروز ناامنی اقتصادی در شکل جامع و تعریف شده آن دانست.

از سوی دیگر، متغیرهای کلان اقتصادی زیادی وجود دارد که تحت تأثیر امنیت اقتصادی قرار داشته و یا از آن تأثیر می‌پذیرند. برخی از این متغیرها دارای آمار مشخص بوده و بعضی دیگر فاقد آمار کامل‌اند. برخی از آن‌ها را نیز می‌توان به صورت شاخص‌هایی بر حسب سایر متغیرها تعریف کرد. بنابراین، شناسایی اثرات متقابل این دو نیازمند یک مدل مناسب اقتصادسنجی است تا بتوان از این طریق اثرات متقابل آن‌ها را به شکل یک نظام پویا مدل‌سازی کرد.

برای این منظور در اینجا از مدل خودرگرسیون برداری^۱ استفاده می‌شود. این نوع

1. Vector Auto Regressive

مدل‌سازی دارای ویژگی‌هایی است که استفاده از آن را مناسب می‌کند. برخی از این ویژگی‌ها عبارت است از:

۱. در این مدل نیازی به تعریف متغیرهای درونزا و برونزا نبوده و می‌توان تمامی متغیرها را به شکل درونزا در نظر گرفت.

۲. این مدل نیازمند مبنای نظری نیست. با توجه به اینکه مباحث امنیت اقتصادی دارای اصول نظری وسیع نبوده و ارتباط متقابل بسیاری از متغیرها در این حوزه از لحاظ نظری به شکل یک نظریه مشخص ارائه نشده است، مدل یاد شده می‌تواند این خلأ را تا حد زیادی پر کند.

۳. یکی از ابزارهای تحلیل در این مدل، توابع واکنش^۱ است. این ابزار، تغییرات ایجاد شده در متغیرهای حاضر در مدل را به علت ایجاد یک تکانه یا شوک در یکی از متغیرها طی دوره‌های زمانی مشخص نشان می‌دهد. در بحث امنیت اقتصادی نیز تکانه‌ها از اهمیت خاصی برخوردارند. به‌طور مثال اگر بخواهیم تأثیر ایجاد یک تکانه در نرخ تورم (به‌عنوان یک عامل ناامن‌ساز اقتصادی) را بر متغیرهای دیگر نظیر رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری، نرخ ارز و تقاضای پول بررسی کنیم، مدل یاد شده ابزار مورد نیاز را در اختیار ما قرار می‌دهد.

۴. یکی از ابزارهای دیگر این مدل، ابزار تجزیه واریانس^۲ می‌باشد که با استفاده از آن می‌توان دریافت که چند درصد از تغییرات یک متغیر ناشی از تغییر یک متغیر خاص است.

۲-۱-۲ روش‌شناسی مدل

رویکردهای ساختاری در مطالعه سری‌های زمانی برای مدل‌سازی روابط بین متغیرها از تئوری‌های اقتصادی استفاده می‌کنند، اما تئوری‌های اقتصادی اغلب آن‌قدر قوی نیستند که تصریحی پویا و دربرگیرنده تمامی روابط را شناسایی نمایند. علاوه بر این، هرگاه متغیرهای درونزا در دو سوی معادلات ظاهر شوند، تخمین و استنتاج آماری دچار مشکلات فراوانی می‌شود.

1. Impulse Response
2. Variance Decomposition

این معضلات محققان را به سمت یک روش غیرساختاری برای جایگزینی با روش‌های سنتی هدایت کرده که روش خودرگرسیون برداری نامیده می‌شود. این روش به‌طور معمول برای تخمین و پیش‌بینی سیستم‌هایی از سری‌های زمانی که در طول زمان به یکدیگر وابسته‌اند به‌کار می‌رود. همچنین برای مطالعه و تجزیه و تحلیل اثرات پویای توزیع‌های تصادفی درون سیستم برآورد شده به نحو وسیعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. فرض اساسی در مدل‌سازی خودرگرسیون برداری — که آن را از تئوری‌های اقتصادی بی‌نیاز می‌سازد — این است که هر متغیر درونزا تابعی از مقادیر با وقفه خود و سایر متغیرهای درونزای موجود در سیستم است. مدل خودرگرسیون برداری را به‌صورت کلی می‌توان به شکل زیر نشان داد:

$$y_t = A_1 y_{t-1} + \dots + A_p y_{t-p} + Bx_t + \varepsilon_t$$

در این سیستم، y برداری از متغیرهای درونزا، x برداری از متغیرهای برونزا، A و B ماتریس‌های ضرایب (که باید برآورد شود) و ε بردار اجزاء اخلال معادلات درون سیستم است که هم‌زمان می‌توانند وابسته باشند، ولی از وقفه‌های خود و عناصر سمت راست معادله‌ای که در آن حضور دارند مستقل‌اند. از آنجا که تنها متغیرهای باوقفه در سمت راست معادلات می‌آید، وابستگی همزمان اجزای اخلال، مشکلی ایجاد نمی‌کند و تخمین معادلات از طریق روش ا.ا.اس^۱ امکان‌پذیر است.

یکی از فروض اساسی در مدل‌سازی خودرگرسیون برداری، مانایی سیستم برآورد شده است. اگر k تعداد متغیرهای درونزا و p اندازه بزرگترین وقفه درون مدل باشد، آنگاه سیستم تخمین زده شده دارای $k \cdot p$ ریشه خواهد بود که برای مانایی سیستم باید این ریشه‌ها به کم‌تر از یک واحد برسند. پس اگر بعد از تخمین مدل مشاهده شود که برخی از ریشه‌ها خارج از دایره واحد قرار گرفته است، سیستم مانا نبوده و ضرایب برآورد شده و نتایج توابع واکنش نیز معتبر نخواهد بود.

برای رفع این مشکل دو رویکرد وجود دارد:

۱. ابتدا باید از مانایی سری‌های زمانی مورد استفاده در مدل مطمئن شد. برای این

1. Ordinary Least Squares (OLS)

منظور می‌توان از آزمون دیکی-فولر تعمیم یافته استفاده کرد و چنانچه بعضی از سری‌های زمانی نامانا بودند، از طریق تبدیل آن‌ها به اشکال اختلاف مرحله اول و یا مراحل بالاتر و یا تبدیل‌های لگاریتمی می‌توان به یک سری زمانی مانا رسید. هرگاه متغیرهای مورد استفاده همگی مانا باشند، سیستم برآورد شده نیز مانا خواهد بود.

۲. استفاده از الگوی تصحیح خطای برداری^۱ که براساس نظر انگل و گرنجر (۱۹۸۷) شکل گرفته است. به عقیده این دو هرگاه ترکیبی خطی از چند متغیر (سری زمانی) نامانا که درجه یکسانی از نامانایی دارند، مانا باشد، آنگاه ترکیب خطی یاد شده یک رابطه هم‌جمعی معتبر بوده و به‌عنوان رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرهای یاد شده لحاظ می‌شود. در روش خودرگرسیون برداری نیز هرگاه برخی از متغیرهای مورد استفاده مانا نبوده ولی یک رابطه هم‌جمعی بلندمدت بین آن‌ها موجود باشد، آنگاه سیستم برآورد شده با استفاده از الگوی تصحیح خطای برداری مانا می‌گردد.

۳-۱-۲ روش‌شناسی ابزارهای تشخیصی

قبل از تخمین یک سیستم خودرگرسیون برداری، نیاز به برخی ابزارها و یا آزمون‌های تشخیصی است. به‌طور اخص، تعیین مانایی متغیرها و یا تبدیل‌های آن‌ها و تعیین تعداد روابط هم‌جمعی نیازمند ابزارهای لازم است. در مرحله بعد از تخمین نیز برای اطمینان از صحت برآوردها و اعتبار سیستم، ابزارها و آزمون‌های تشخیصی به‌ویژه درباره عناصر باقیمانده معادلات مورد نیاز می‌باشد. با توجه به عمومیت این ابزارها و استفاده فراوانی که از آن‌ها در پژوهش‌های گوناگون می‌شود، در این قسمت به معرفی کوتاه آن‌ها می‌پردازیم:

۱. آزمون ریشه واحد دیکی-فولر تعمیم یافته: این آزمون برای تعیین مانایی و درجه هم‌انباشتگی متغیرها (سری‌های زمانی) به‌کار رفته و از طریق برآورد هریک از سه معادله زیر قابل انجام است:

$$\Delta y_t = \sigma y_{t-1} + \sum_{t=1}^p Y_p \Delta y_{t-p} + \varepsilon_t$$

$$\Delta y_t = \mu + \sigma y_{t-1} + \sum_{i=1}^p Y_p \Delta y_{t-p} + \varepsilon_t$$

$$\Delta y_t = \mu + \beta t + \sigma y_{t-1} + \sum_{i=1}^p Y_p \Delta y_{t-p} + \varepsilon_t$$

اگر در هریک از این موارد، آزمون معناداری ضریب که با استفاده از معادله دیکی-فولر انجام می‌شود، حاکی از مخالف صفر بودن این ضریب باشد، مانایی متغیر مربوطه تأیید می‌گردد.

۲. آزمون هم‌جمعی یوهانسن^۱: برای تأیید وجود رابطه هم‌جمعی بین متغیرهای ناماننا از آزمون هم‌جمعی یوهانسن در نرم‌افزار «ایو یوز»^۲ استفاده می‌شود. این آزمون با مبنا قرار دادن رابطه و پنج حالت زیر، رابطه هم‌جمعی را جستجو می‌کند:

$$\Pi y_{t-1} + Bx_t = \alpha \beta' y_{t-1}$$

$$\Pi y_{t-1} + Bx_t = \alpha (\beta' y_{t-1} + \rho_0)$$

$$\Pi y_{t-1} + Bx_t = \alpha (\beta' y_{t-1} + \rho_0) + \alpha \perp \gamma$$

$$\Pi y_{t-1} + Bx_t = \alpha (\beta' y_{t-1} + \rho_0 + \rho_1 t) + \alpha \perp \gamma$$

$$\Pi y_{t-1} + Bx_t = \alpha (\beta' y_{t-1} + \rho_0 + \rho_1 t) + \alpha \perp (\gamma_0 + \gamma_1 t)$$

$\alpha \perp$ علامت ضرایب خارج از معادله هم‌جمعی بوده و برای افزایش دقت به معادله اضافه می‌شود. برای تعیین رابطه مناسب از میان روابط فوق، از معیارهای اطلاعاتی آکائیک و معیار شوآرتز استفاده می‌گردد. پس از انتخاب مدل مناسب، با استفاده از دو آماره حداکثر ریشه مشخصه^۳ و ردیابی^۴ حداکثر تعداد، رابطه هم‌جمعی تعیین شده و در برازش الگوی تصحیح خطای برداری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۳. آزمون‌های تشخیصی برای عنصر باقیمانده معادلات: با توجه به اینکه برای ثبات سیستم خودرگرسیون برداری و وی.ای.سی^۵ و معتبر بودن ضرایب و تحلیل‌های واکنش،

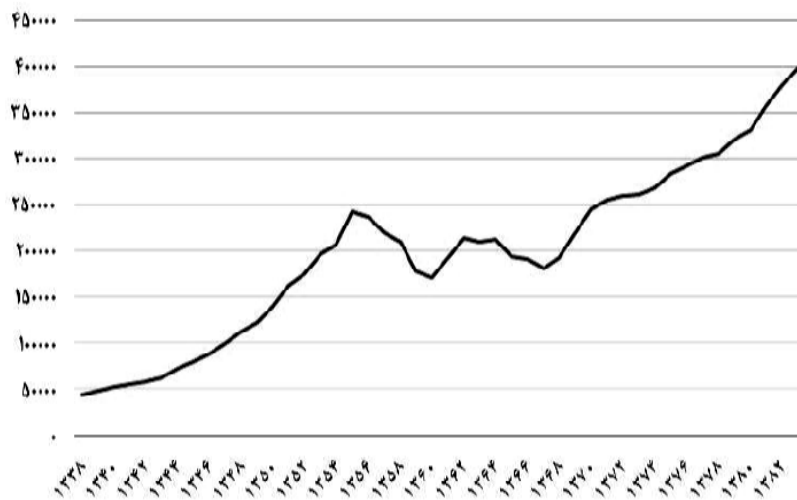
-
1. Johansen Cointegration Test
 2. Eviews
 3. Max-eigenvalue
 4. Trace Test
 5. Vector error-correction (VEC)

عنصر باقیمانده در معادلات تخمین زده شده باید مانا باشد، پس از برازش هر یک از این سیستم‌ها، از عناصر باقیمانده آن‌ها با استفاده از ابزارهای تشخیصی معمول نظیر آزمون ریشه واحد، نمودارهای همبستگی، آزمون خودهمبستگی ال.ام.^۱ و آزمون ناهمسانی واریانس وایت^۲ استفاده می‌شود.

۲-۱-۴ معرفی متغیرهای مورد مطالعه

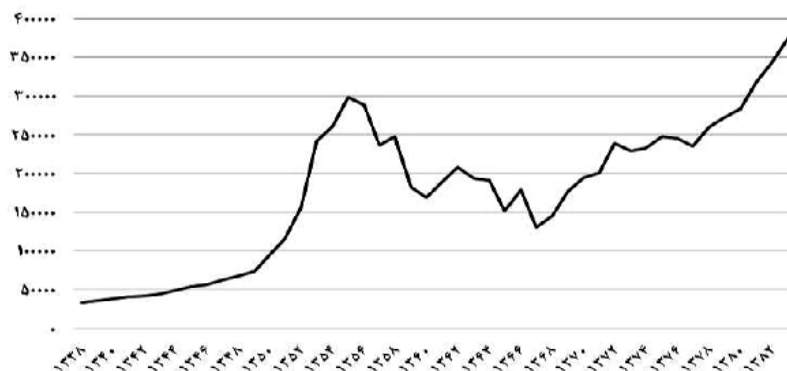
۲-۱-۴-۱ متغیرهای تولید

در بخش تولید، سه متغیر تولید ناخالص داخلی، درآمد ملی و پس‌انداز ناخالص ملی برای استفاده در مدل‌سازی خودرگرسیون برداری انتخاب شده است. نمودارهای زیر روند زمانی این سه متغیر را نشان می‌دهد. نرخ هر سه متغیر بر حسب میلیارد ریال می‌باشد.

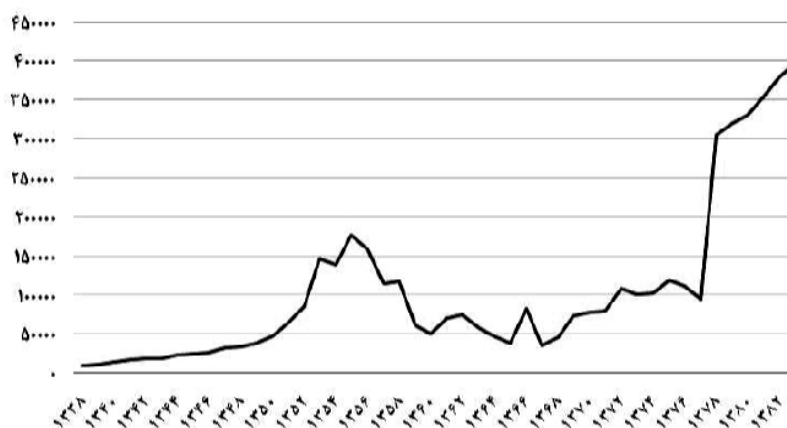


نمودار ۲-۱ تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت ۱۳۷۶

1. Lagrange Multiplier (LM)
2. White



نمودار ۲-۲ درآمد ملی به قیمت ثابت ۱۳۷۶



نمودار ۲-۳ پس انداز ناخالص ملی به قیمت ثابت ۱۳۷۶

همان طور که قبلاً بیان شد، قبل از برآورد سیستم خودرگرسیون برداری لازم است مانایی متغیرها و درجه انباشتگی آن‌ها تعیین شود. بررسی سه متغیر یاد شده با استفاده از آزمون دیکی-فولر تعمیم یافته حاکی از نامانایی در سطح پنج درصد و انباشته بودن از درجه یک است. با توجه به اینکه تفاضل مرتبه اول لگاریتم هر متغیر نشان‌دهنده نرخ

رشد آن متغیر است، در این جا ابتدا از متغیرهای مورد نظر لگاریتم گرفته و سپس تفاضل مرتبه اول آن به عنوان نرخ رشد اقتصادی متغیر مربوطه از لحاظ مانایی آزمون شده است. نتایج این آزمون ها در جدول ذیل منعکس شده است. همان گونه که ملاحظه می شود، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و درآمد ملی در سطح معناداری پنج درصد و نرخ رشد پس انداز ناخالص داخلی در سطح معناداری یک درصد فاقد ریشه واحد بوده و ماناست. بنابراین، استفاده از نرخ رشد سه متغیر مزبور از لحاظ مانایی سیستم تخمین زده شده اشکالی ایجاد نمی کند.

جدول ۱-۲ بررسی متغیرهای سه گانه تولید از طریق آزمون دیکی-فولر تعمیم یافته

ردیف	متغیر	نوع آزمون	مقدار بحرانی ۱ درصد	مقدار بحرانی ۵ درصد	آماره آزمون فرضیه صفر
۱	تولید ناخالص داخلی ^۱	ADF(C,T,3) ^۲	-۴/۱۸	-۳/۵۱	رد نمی شود -۲/۰۲
۲	درآمد ملی ^۳	ADF(C,T,3)	-۴/۱۸	-۳/۵۱	رد نمی شود -۲/۷۲
۳	پس انداز ناخالص ملی ^۴	ADF(C,T,3)	-۴/۱۸	-۳/۵۱	رد نمی شود -۲/۶۵
۴	لگاریتم تولید ناخالص داخلی	ADF(C,0,3)	-۳/۵۹	-۲/۹۳	رد نمی شود -۲/۱
۵	لگاریتم درآمد ملی	ADF(C,0,3)	-۳/۵۹	-۲/۹۳	رد نمی شود -۱/۸۱
۶	لگاریتم پس انداز ناخالص ملی	ADF(C,0,3)	-۳/۵۹	-۲/۹۳	رد نمی شود -۱/۷۹
۷	تفاضل اول لگاریتم تولید ناخالص داخلی	ADF(0,0,2)	-۲/۶۲	-۱/۹۵	رد می شود -۲/۲۴

1. Gross Domestic Product (GDP)

۲. ADF نشانه آزمون دیکی-فولر تعمیم یافته، C علامت وجود عرض از مبدأ در مدل، T نشانه وجود عنصر زمانی در مدل و عدد داخل پرانتز، تعداد وقفه های مدل را نشان می دهد.

3. National Income (NI)

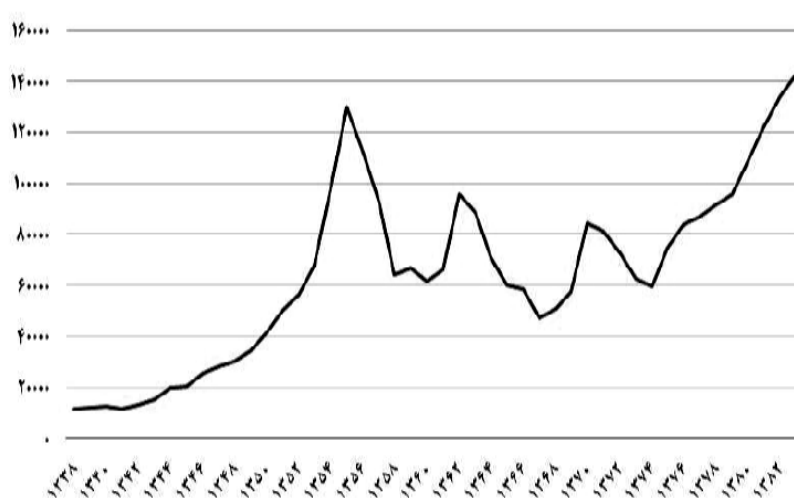
4. Gross National Saving (GNS)

جدول ۲-۱ بررسی متغیرهای سه‌گانه تولید از طریق آزمون دیکی-فولر تعمیم یافته

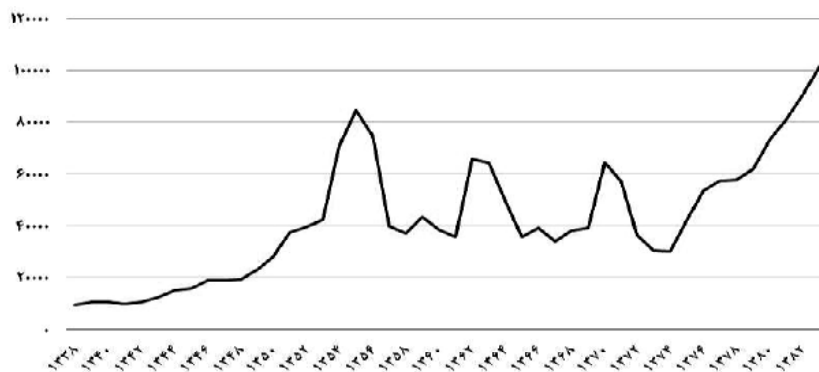
ردیف	متغیر	نوع آزمون	مقدار بحرانی ۱ درصد	مقدار بحرانی ۵ درصد	آماره آزمون	فرضیه صفر
۸	تفاضل اول لگاریتم درآمد ملی	ADF(0,0,2)	-۲/۶۲	-۱/۹۵	-۲/۰۷	رد می‌شود
۹	تفاضل اول لگاریتم پس‌انداز ناخالص ملی	ADF(0,0,2)	-۲/۶۲	-۱/۹۵	-۲/۸۳	رد می‌شود

۲-۱-۴-۲ متغیرهای سرمایه‌گذاری

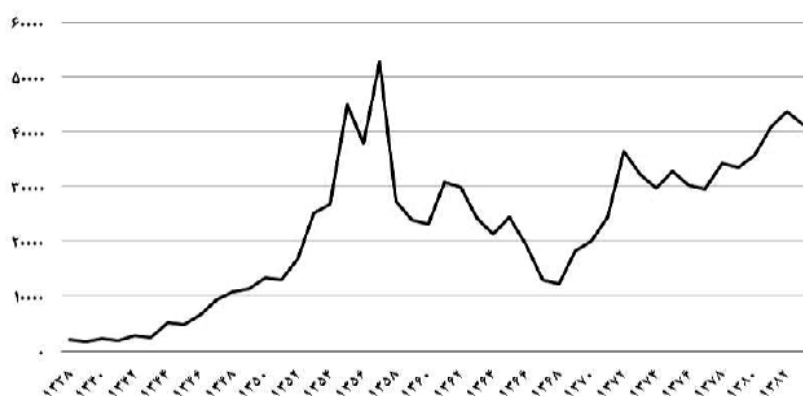
برای سرمایه‌گذاری، سه متغیر تشکیل سرمایه ثابت ناخالص، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بخش خصوصی و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بخش دولتی به قیمت پایه سال ۱۳۷۶، انتخاب شده است. نمودارهای زیر روند زمانی تغییرات این سه متغیر را نشان می‌دهد. نرخ متغیرها بر حسب میلیارد ریال می‌باشد.



نمودار ۲-۴ تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به قیمت پایه ۱۳۷۶



نمودار ۲-۵ تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بخش خصوصی به قیمت پایه ۱۳۷۶



نمودار ۲-۶ تشکیل سرمایه ثابت ناخالص بخش دولتی به قیمت پایه ۱۳۷۶

آزمون وجود ریشه واحد برای سه متغیر مورد نظر حاکی از وجود ریشه واحد است. پس از تبدیل متغیرها به تفاضل مرتبه اول لگاریتم متغیرها (که در واقع همان نرخ رشد آنهاست) این آزمون مجدداً انجام شده و نتایج آن حاکی از مانایی نرخ رشد هر سه متغیر در سطح معناداری یک درصد می‌باشد. نتایج این آزمون‌ها در جدول ذیل ارائه شده است.

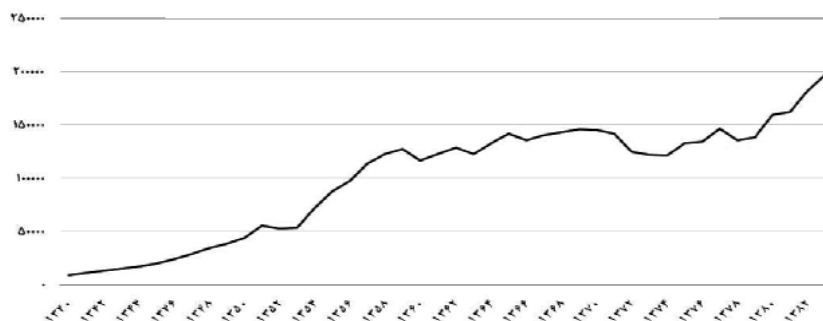
جدول ۲-۲ بررسی متغیرهای سه‌گانه سرمایه‌گذاری از طریق آزمون رشد واحد
دیکی-فولر

ردیف	متغیر	نوع آزمون	مقدار بحرانی ۱ درصد	مقدار بحرانی ۵ درصد	آماره آزمون	فرضیه صفر
۱	تشکیل سرمایه ^۱	ADF(C,T,3)	-۴/۱۸	-۳/۵۱	-۱/۷۸	رد نمی‌شود
۲	تشکیل سرمایه بخش خصوصی ^۲	ADF(C,T,3)	-۴/۱۸	-۳/۵۱	-۱/۹۱	رد نمی‌شود
۳	تشکیل سرمایه بخش دولتی ^۳	ADF(C,T,3)	-۴/۱۸	-۳/۵۱	-۲/۱۷	رد نمی‌شود
۴	لگاریتم تشکیل سرمایه	ADF(C,0,3)	-۳/۵۹	-۲/۹۳	-۲/۳۷	رد نمی‌شود
۵	لگاریتم تشکیل سرمایه بخش خصوصی	ADF(C,0,3)	-۳/۵۹	-۲/۹۳	-۱/۸	رد نمی‌شود
۶	لگاریتم تشکیل سرمایه بخش دولتی	ADF(C,0,3)	-۳/۵۹	-۲/۹۳	-۲/۸۳	رد نمی‌شود
۷	تفاضل اول لگاریتم تشکیل سرمایه	ADF(0,0,2)	-۲/۶۲	-۱/۹۵	-۳/۶۴	رد می‌شود
۸	تفاضل اول لگاریتم تشکیل سرمایه بخش خصوصی	ADF(0,0,2)	-۲/۶۲	-۱/۹۵	-۴/۱۶	رد می‌شود
۹	تفاضل اول لگاریتم تشکیل سرمایه بخش دولتی	ADF(0,0,2)	-۲/۶۲	-۱/۹۵	-۳/۰۲	رد می‌شود

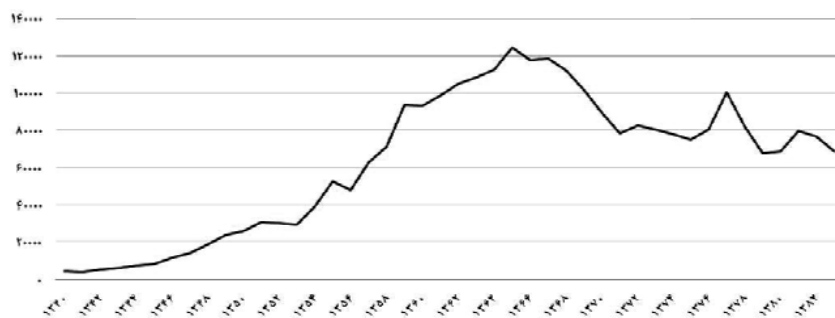
1. INV
2. INVP
3. INVG

۲-۱-۴-۳ متغیرهای پولی

در بخش پولی، چهار متغیر نقدینگی بخش خصوصی، سپرده‌های بخش غیردولتی نزد بانک‌ها، بدهی بخش دولتی و بدهی بخش غیردولتی به نظام بانکی برای بررسی در سیستم‌های خودرگرسیون برداری انتخاب شده است. با توجه به اینکه متغیرهای یاد شده بر حسب مقادیر اسمی بوده، با استفاده از شاخص تقلیل قیمت تولید ناخالص داخلی^۱ براساس قیمت‌های ثابت ۱۳۷۶، این متغیرها به مقادیر واقعی تبدیل شده است. روند زمانی تغییرات این متغیرها در نمودارهای ذیل آمده است. نرخ متغیرها بر حسب میلیارد ریال می‌باشد.

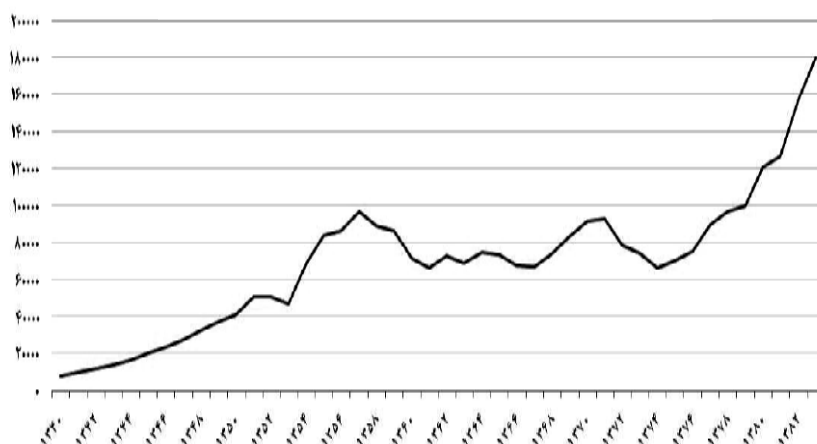


نمودار ۲-۷ نقدینگی بخش خصوصی به قیمت ثابت ۱۳۷۶

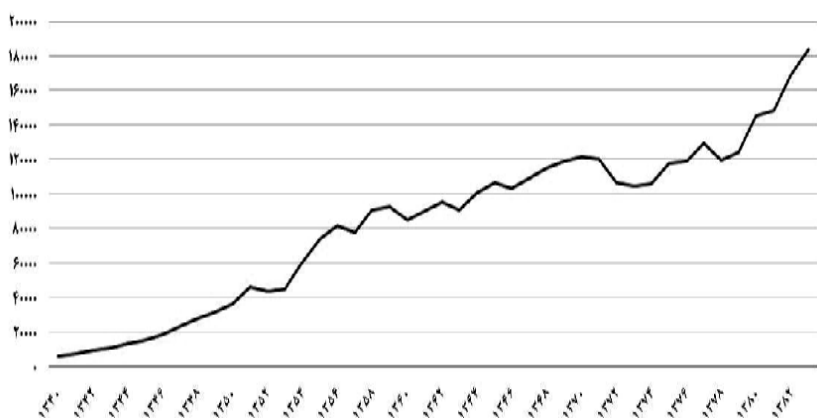


نمودار ۲-۸ بدهی بخش دولتی به نظام بانکی به قیمت ثابت ۱۳۷۶

1. GDP Deflator



نمودار ۲-۹: بدهی بخش غیردولتی به نظام بانکی به قیمت ثابت ۱۳۷۶



نمودار ۲-۱۰: سپرده‌های بخش غیردولتی نزد بانک‌های تجاری و تخصصی به قیمت ثابت ۱۳۷۶

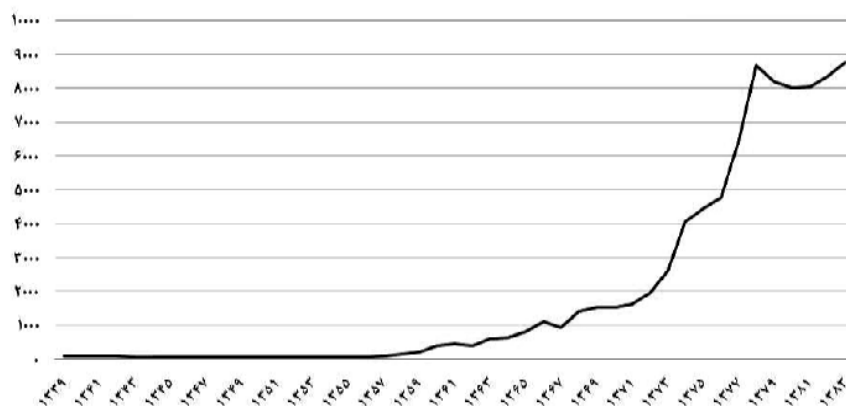
در ابتدا آزمون ریشه واحد برای چهار متغیر مورد نظر انجام شده که نتایج آن در جدول زیر آمده است. مجدداً تفاضل مرتبه اول لگاریتم متغیرها (نرخ رشد) در سطح معناداری پنج درصد فاقد ریشه واحد بوده و مانا تشخیص داده شده است.

جدول ۲-۳ بررسی متغیرهای چهارگانه پولی از طریق آزمون ریشه واحد دیکی-فولر

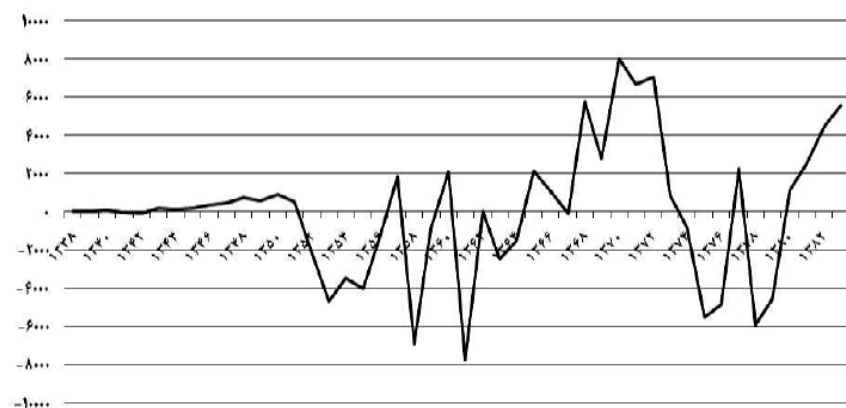
ردیف	متغیر	نوع آزمون	مقدار بحرانی ۱ درصد	مقدار بحرانی ۵ درصد	آماره آزمون	فرضیه صفر
۱	نقدینگی	ADF(C,T,3)	-۴/۲	-۳/۵۲	-۰/۶۴	رد نمی شود
۲	بدهی بخش خصوصی به نظام بانکی	ADF(C,T,3)	-۴/۲	-۳/۵۲	-۱/۴۶	رد نمی شود
۳	بدهی بخش دولتی به نظام بانکی	ADF(C,T,3)	-۴/۲	-۳/۵۲	-۰/۶۶	رد نمی شود
۴	سپرده‌های بخش خصوصی	ADF(C,T,3)	-۴/۲	-۳/۵۲	-۲/۱۲	رد نمی شود
۵	لگاریتم نقدینگی	ADF(C,0,3)	-۳/۶	-۲/۹۴	-۲/۵۴	رد نمی شود
۶	لگاریتم بدهی بخش خصوصی به نظام بانکی	ADF(C,0,3)	-۳/۶	-۲/۹۴	-۱/۶۴	رد نمی شود
۷	لگاریتم بدهی بخش دولتی به نظام بانکی	ADF(C,0,3)	-۳/۶	-۲/۹۴	-۳/۱۹	رد می شود
۸	لگاریتم سپرده‌های بخش خصوصی	ADF(C,0,3)	-۳/۶	-۲/۹۴	-۲/۸۷	رد نمی شود
۹	تفاضل اول لگاریتم نقدینگی	ADF(0,0,1)	-۲/۶۲	-۱/۹۵	-۲/۵۱	رد می شود
۱۰	تفاضل اول لگاریتم بدهی بخش خصوصی به نظام بانکی	ADF(0,0,1)	-۲/۶۲	-۱/۹۵	-۲/۵۵	رد می شود
۱۱	تفاضل اول لگاریتم بدهی بخش دولتی به نظام بانکی	ADF(0,0,1)	-۲/۶۲	-۱/۹۵	-۲/۷۵	رد می شود
۱۲	تفاضل اول لگاریتم سپرده‌های بخش خصوصی	ADF(0,0,1)	-۲/۶۲	-۱/۹۵	-۲/۶۳	رد می شود

۲-۱-۴-۴ متغیرهای تجارت خارجی

برای بخش تجارت خارجی، پنج متغیر نرخ برابری ارز در بازار آزاد، خالص حساب سرمایه، خالص حساب جاری، خالص موازنه ارزی و درآمد حاصل از فروش نفت و گاز انتخاب شده است. نمودارهای زیر روند تغییرات متغیرهای مزبور را نشان می‌دهد. نرخ ارز بر حسب ریال و نرخ چهار متغیر دیگر بر حسب میلیون دلار می‌باشد.



نمودار ۲-۱۱ نرخ برابری ارز در بازار آزاد



نمودار ۲-۱۲ خالص حساب سرمایه

مانند متغیرهای قبلی در اینجا نیز آزمون ریشه واحد برای متغیرهای تجارت خارجی انجام شده است. نتایج آزمون حاکی از آن است که سه متغیر خالص حساب سرمایه، خالص حساب جاری و خالص موازنه ارزی در سطح مانا قرار داشته و نیازی به تفاضل گیری وجود ندارد. دو متغیر دیگر هم با تبدیل به تفاضل مرتبه اول لگاریتمی در سطح معناداری پنج درصد مانا می شود. نتایج در جدول زیر ارائه شده است.

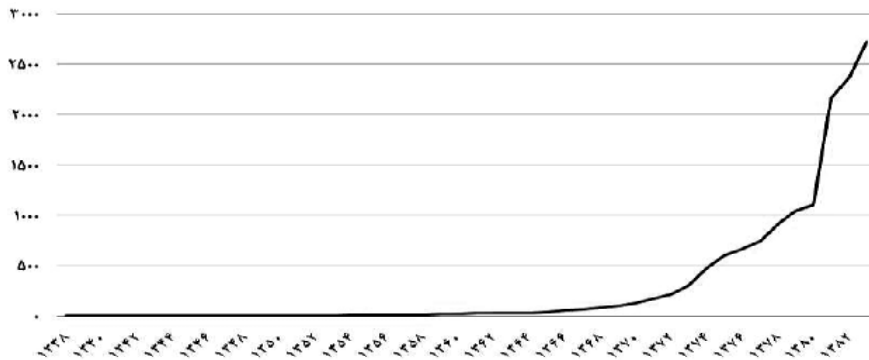
جدول ۴-۲ بررسی متغیرهای پنج گانه تجارت خارجی از طریق آزمون ریشه واحد

دیکی-فولر

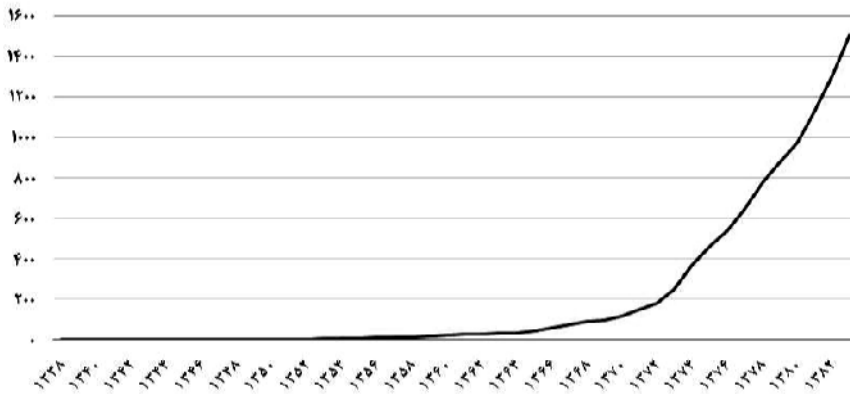
ردیف	متغیر	نوع آزمون	مقدار بحرانی ۱ درصد	مقدار بحرانی ۵ درصد	آماره آزمون	فرضیه صفر
۱	نرخ ارز	ADF(C,T,3)	-۴/۲	-۳/۵۲	-۰/۸۴	رد نمی شود
۲	حساب سرمایه	ADF(0,0,1)	-۲/۶۱	-۱/۹۵	-۲/۶۷	رد می شود
۳	حساب جاری	ADF(0,0,1)	-۲/۶۱	-۱/۹۵	-۳/۳۵	رد می شود
۴	موازنه ارزی	ADF(0,0,1)	-۲/۶۱	-۱/۹۵	-۳/۴	رد می شود
۵	درآمد نفت و گاز	ADF(C,T,3)	-۴/۲	-۳/۵۲	-۱/۶۹	رد نمی شود
۶	لگاریتم نرخ ارز	ADF(C,0,3)	-۳/۶	-۲/۹۴	۰/۱۸	رد نمی شود
۷	لگاریتم درآمد نفت و گاز	ADF(C,0,3)	-۳/۶	-۲/۹۴	-۱/۷۴	رد نمی شود
۸	تفاضل اول لگاریتم نرخ ارز	ADF(0,0,1)	-۲/۶۲	-۱/۹۵	-۲/۵	رد می شود
۹	تفاضل اول لگاریتم درآمد نفت و گاز	ADF(0,0,1)	-۲/۶۲	-۱/۹۵	-۳/۹۷	رد می شود

۲-۱-۴-۵ شاخص قیمت

برای شاخص قیمت از دو شاخص قیمت خرده فروشی و عمده فروشی استفاده شده است. نمودارهای ذیل روند تغییرات زمانی دو شاخص یاد شده را نشان می دهد.



نمودار ۲-۱۶ شاخص قیمت عمده‌فروشی



نمودار ۲-۱۷ شاخص قیمت خرده‌فروشی

جدول ذیل نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد را برای دو متغیر فوق نشان می‌دهد. همان طور که ملاحظه می‌شود تفاضل مرتبه اول لگاریتم شاخص قیمت عمده‌فروشی که در واقع همان نرخ تورم قیمت‌های عمده‌فروشی است، در سطح معناداری پنج درصد فاقد ریشه واحد بوده و ماناست، ولی تفاضل مرتبه اول لگاریتم شاخص قیمت خرده‌فروشی (نرخ تورم) همچنان نامانا بوده و با یک تفاضل‌گیری دیگر مانا می‌شود. بنابراین، با توجه به اینکه دو بار تفاضل‌گیری باعث از دست رفتن اطلاعات زیادی می‌شود و شاخص قیمت عمده‌فروشی از لحاظ نظری می‌تواند ارتباط بیش‌تری با موضوع

سرمایه‌گذاری داشته باشد، برای مدل‌سازی خودرگرسیون برداری از نرخ تورم (تفاضل مرتبه اول لگاریتم) این شاخص استفاده می‌گردد.

جدول ۲-۵ بررسی متغیرهای دوگانه شاخص قیمت از طریق آزمون ریشه واحد دیکی-فولر

ردیف	متغیر	نوع آزمون	مقدار بحرانی ۱ درصد	مقدار بحرانی ۵ درصد	آماره آزمون	فرضیه صفر
۱	قیمت خرده‌فروشی	ADF(C,T,2)	-۴/۱۸	-۳/۵۱	۳/۷	رد نمی‌شود
۲	قیمت عمده‌فروشی	ADF(C,T,2)	-۴/۲	-۳/۵۲	۵/۳	رد نمی‌شود
۳	لگاریتم قیمت خرده‌فروشی	ADF(C,0,2)	-۳/۵۹	-۲/۹۳	۱/۳۲	رد نمی‌شود
۴	لگاریتم قیمت عمده‌فروشی	ADF(C,0,2)	-۳/۵۹	-۲/۹۳	۲/۳۱	رد نمی‌شود
۵	تفاضل اول لگاریتم قیمت خرده‌فروشی	ADF(C,0,1)	-۳/۵۹	-۲/۹۳	-۲/۶	رد نمی‌شود
۶	تفاضل اول لگاریتم قیمت عمده‌فروشی	ADF(C,0,1)	-۳/۵۹	-۲/۹۳	-۳/۰۴	رد می‌شود
۷	تفاضل دوم لگاریتم قیمت خرده‌فروشی	ADF(0,0,1)	-۳/۵۹	-۲/۹۳	-۷/۳	رد می‌شود

۲-۱-۵ مدل‌سازی خودرگرسیون برداری

براساس روشی که در بالا ذکر شد، حالت‌های مختلفی از سیستم خودرگرسیون برداری برای تحلیل اثر ایجاد شوک در متغیرها بر دو متغیر اصلی نرخ رشد سرمایه‌گذاری و نرخ رشد اقتصادی برآورد شده و در برآورد هر مدل، از معیارهای اطلاعاتی آکائیک و شوآرتز برای انتخاب طول وقفه بهینه استفاده گردیده است.

۲-۱-۵-۱ تعریف متغیرها

متغیرهای مورد استفاده در مدل‌های خودرگرسیون برداری به شرح ذیل است:

۱. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی^۱
۲. نرخ رشد درآمد ملی^۲
۳. نرخ رشد پس‌انداز ناخالص^۳
۴. نرخ رشد سرمایه‌گذاری^۴
۵. نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی^۵
۶. نرخ رشد بدهی بخش دولتی به نظام بانکی^۶
۷. نرخ رشد سپرده‌های خصوصی^۷
۸. نرخ رشد قیمت ارز^۸
۹. نرخ رشد درآمدهای ارزی^۹
۱۰. تغییر خالص حساب جاری^{۱۰}
۱۱. نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش دولتی^{۱۱}
۱۲. نرخ رشد نقدینگی^{۱۲}
۱۳. نرخ رشد بدهی بخش خصوصی به نظام بانکی^{۱۳}
۱۴. تغییر خالص موازنه ارزی^{۱۴}
۱۵. تغییر خالص حساب سرمایه^{۱۵}
۱۶. نرخ رشد قیمت عمده‌فروشی^{۱۶}

-
1. GGDP
 2. GNI
 3. GNS
 4. GINV
 5. GINVP
 6. GGDEB
 7. GSAV
 8. GEX
 9. GOILR
 10. D(TB)
 11. GINVG
 12. GLIQ
 13. GPDEB
 14. D(EXB)
 15. D(CAP)
 16. GWPI

۲-۱-۵-۲ مدل‌های برآورد شده

از میان مدل‌های مختلفی که مورد برآزش و آزمون‌های تشخیصی مختلف قرار گرفته، مدل‌های زیر برای استفاده در تحلیل‌های تابع واکنش انتخاب شده است. به دلیل حجم زیاد معادلات و تعدد ضرایب، در این قسمت تنها متغیرهای به‌کار رفته در سیستم و تعداد وقفه‌ها ذکر شده و نتایج خروجی نرم‌افزار «ایویوز» که مقدار ضرایب، انحراف معیار و آزمون معناداری هر یک را نشان می‌دهد در ضمیمه کتاب آمده است. شایان ذکر است که در فصول بعدی کتاب به‌جای ذکر عنوان مدل‌ها، از شماره هر مدل که در جدول زیر تعیین شده، استفاده می‌گردد.

بردار باقیمانده‌های هر یک از سیستم معادلات فوق از نظر وجود ریشه واحد، خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس مورد آزمون قرار گرفته و نتایج، حاکی از عدم وجود مشکلات یاد شده می‌باشد. بنابراین، سیستم‌های برآورد شده پایدار و نتایج تحلیل توابع واکنش و تجزیه واریانس در مورد آن‌ها معتبر خواهد بود.

جدول ۲-۶ معرفی سیستم‌های خودرگرسیون برداری برآزش شده

شماره مدل	متغیرهای به‌کار رفته	طول وقفه	معیار آکائیک	معیار شوآرتز
۱	نرخ رشد سرمایه‌گذاری نرخ رشد تولید ناخالص داخلی نرخ رشد درآمد ملی نرخ رشد پس‌انداز ناخالص	۳	-۵/۷	-۳/۶
۲	نرخ رشد سرمایه‌گذاری نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش دولتی نرخ رشد قیمت عمده فروشی	۳	-۵/۴۷	-۳/۳۲
۳	نرخ رشد سرمایه‌گذاری نرخ رشد نقدینگی نرخ رشد بدهی بخش خصوصی به نظام بانکی نرخ رشد بدهی بخش دولتی به نظام بانکی نرخ رشد سپرده‌های بخش خصوصی	۴	-۷/۵۳	-۳/۰۵

جدول ۶-۲ معرفی سیستم‌های خودرگسیون برداری برازش شده

شماره مدل	متغیرهای به‌کار رفته	طول وقفه	معیار آکائیک	معیار شوآرتز
۴	نرخ رشد سرمایه‌گذاری نرخ رشد قیمت ارز نرخ رشد درآمدهای ارزی	۴	۰/۵	۲/۱۵
۵	نرخ رشد سرمایه‌گذاری تغییر خالص موازنه ارزی تغییر خالص حساب جاری تغییر خالص حساب سرمایه	۲	۵۶/۳	۵۷/۸
۶	نرخ رشد تولید ناخالص داخلی نرخ رشد درآمد ملی نرخ رشد پس‌انداز ناخالص نرخ رشد قیمت عمده‌فروشی	۴	-۵/۵۴	-۲/۷
۷	نرخ رشد تولید ناخالص داخلی نرخ رشد سرمایه‌گذاری نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش دولتی	۳	-۷	-۴/۸۴
۸	نرخ رشد تولید ناخالص داخلی نرخ رشد نقدینگی نرخ رشد بدهی بخش خصوصی به نظام بانکی نرخ رشد بدهی بخش دولتی به نظام بانکی نرخ رشد سپرده‌های بخش خصوصی	۳	-۱۰/۳۱	-۶/۹۴
۹	نرخ رشد تولید ناخالص داخلی نرخ رشد قیمت ارز نرخ رشد درآمدهای ارزی	۳	-۱/۷	-۰/۵۱

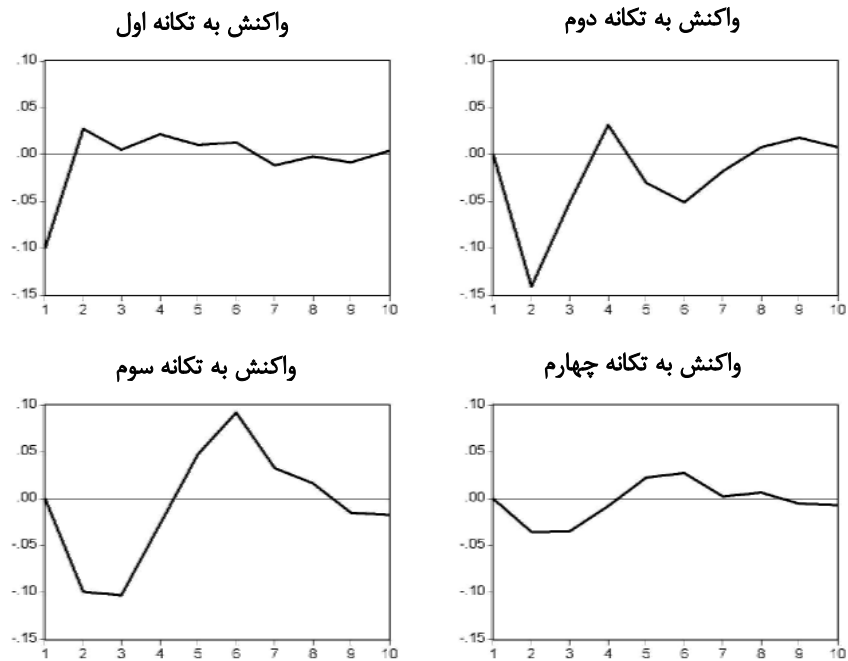
جدول ۶-۲ معرفی سیستم‌های خودرگرسیون برداری برازش شده

شماره مدل	متغیرهای به‌کار رفته	طول وقفه	معیار آکائیک	معیار شوآرتز
۱۰	نرخ رشد تولید ناخالص داخلی تغییر خالص موازنه ارزی تغییر خالص حساب جاری تغییر خالص حساب سرمایه	۲	۵۴/۳	۵۵/۸
۱۱	نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نرخ رشد تولید ناخالص داخلی نرخ رشد درآمد ملی نرخ رشد پس‌انداز ناخالص	۳	-۴/۹۷	-۲/۸۱
۱۲	نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نرخ رشد سرمایه‌گذاری نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش دولتی نرخ رشد قیمت عمده‌فروشی	۳	-۵/۴۷	-۳/۳۲
۱۳	نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نرخ رشد نقدینگی نرخ رشد بدهی بخش خصوصی به نظام بانکی نرخ رشد بدهی بخش دولتی به نظام بانکی نرخ رشد سپرده‌های بخش خصوصی	۳	-۸/۰۵	-۴/۶۸
۱۴	نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نرخ رشد قیمت ارز نرخ رشد درآمدهای ارزی	۳	۰/۸۵	۲/۱
۱۵	نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی تغییر خالص موازنه ارزی تغییر خالص حساب جاری تغییر خالص حساب سرمایه	۲	۵۶/۸	۵۸/۳

۲-۲ توابع واکنش و تجزیه واریانس

۲-۲-۱ سرمایه‌گذاری و متغیرهای تولید (مدل شماره ۱)

برای تحلیل توابع واکنش در سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۱)، چهار شوک (تکانه) در نظر گرفته شده که برای سه تکانه اول معادل یک کاهش ۰/۱ واحدی به ترتیب در نرخ رشد سرمایه‌گذاری، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و نرخ رشد درآمد ملی و برای تکانه چهارم معادل یک افزایش ۰/۱ واحدی در نرخ رشد پس‌انداز ناخالص داخلی تعریف شده است. باید توجه داشت که کاهش (یا افزایش) ۰/۱ واحدی در هر یک از متغیرهای مدل حاضر به معنی کاهش (یا افزایش) ده درصدی در نرخ رشد یاد شده است.



نمودار ۲-۱۸ واکنش نرخ رشد سرمایه‌گذاری به تکانه‌های تعریف شده

نمودارهای فوق نتیجه حاصل از بروز هر یک از تکانه‌های فوق را در افق زمانی ده دوره‌ای (ساله) به تصویر می‌کشد. براساس نمودار تکانه اول، بروز یک شوک در خود متغیر

نرخ رشد سرمایه‌گذاری، بیش‌ترین اثر منفی را در دوره اول داشته و از دوره دوم به بعد این اثر کوچک و نوسانی شده است. بروز شوک منفی در نرخ رشد تولید ناخالص داخلی نیز تا سه دوره اثر منفی قابل توجهی بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری دارد، ولی در دوره چهارم مثبت و در دوره‌های بعد دوباره منفی می‌شود. ایجاد تکانه منفی در نرخ رشد درآمد ملی نیز تا چهار دوره باعث کاهش نرخ رشد سرمایه‌گذاری می‌شود، ولی در دوره‌های پنجم و ششم به شکل قابل توجهی مثبت شده و سرانجام به سمت صفر متمایل می‌گردد. بروز تکانه مثبت در نرخ رشد پس‌انداز ناخالص داخلی هم در دوره‌های اولیه تأثیر منفی ولی کوچک بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری دارد. هر چهار تکانه ایجاد شده میرا بوده و تقریباً پس از ده دوره زمانی فاقد اثر می‌شوند (از ویژگی‌های سیستم‌های خودرگرسیون برداری پایدار و بدون ریشه واحد این است که تکانه‌ها پس از چند دوره از بین می‌روند).

با توجه به میرا بودن تکانه‌ها، بررسی اثر تجمعی تکانه‌های یاد شده نشان‌دهنده مجموع اثر هریک از آن‌ها بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری است (در سیستم‌های خودرگرسیون برداری پایدار، اثر تجمعی پس از چندین دوره زمانی، معادل یک مقدار ثابت خواهد بود). اثرات مزبور به شرح جدول ذیل است:

جدول ۷-۲ مقدار و اثر تجمعی تکانه‌ها

ردیف	موضوع	تکانه اول	تکانه دوم	تکانه سوم	تکانه چهارم
۱	مقدار تکانه	-۰/۱	-۰/۱	-۰/۱	۰/۱
۲	اثر تجمعی تکانه	-۰/۰۴	-۰/۲۱۵	-۰/۰۸۳	-۰/۰۳۱

در واقع اعداد جدول فوق را می‌توان این‌گونه تشریح کرد که به‌طور مثال یک کاهش ده درصدی در درآمد ملی به‌عنوان یک تکانه، باعث کاهش ۸/۳ درصدی نرخ رشد سرمایه‌گذاری به شکل تجمعی طی دوره‌های بعدی می‌شود. به عبارت دیگر، مجموع تأثیرگذاری‌های منفی این تکانه طی دوره‌های زمانی بعد بالغ بر ۸/۳ درصد نرخ رشد سرمایه‌گذاری خواهد بود. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این گروه بروز تکانه در

نرخ رشد تولید ناخالص داخلی بیش‌ترین تأثیر و ایجاد تکانه در نرخ رشد پس‌انداز داخلی کم‌ترین تأثیر را دارد. ضمن اینکه اثر تجمعی یک تکانه در نرخ رشد سرمایه‌گذاری کم‌تر از خود تکانه بوده و پویایی‌های سرمایه‌گذاری باعث می‌شود که در دوره‌های بعد، بخشی از اثرات تکانه منفی تعدیل و جبران گردد.

جدول زیر نتایج حاصل از تجزیه واریانس سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۱) را در مورد متغیر نرخ رشد سرمایه‌گذاری نشان می‌دهد.

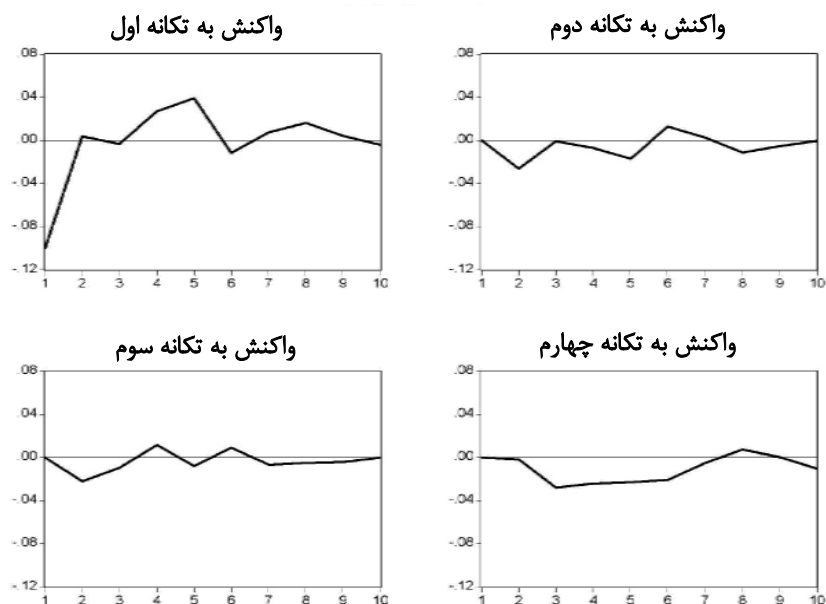
جدول ۸-۲ نتایج تجزیه واریانس سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۱)

ردیف	متغیر	درصد تغییرات
۱	نرخ رشد سرمایه‌گذاری	۴۶/۲
۲	نرخ رشد تولید ناخالص داخلی	۲۹/۱
۳	نرخ رشد درآمد ملی	۱۲/۷
۴	نرخ رشد پس‌انداز ناخالص	۱۱/۹

همان‌گونه که مشاهده می‌شود از ۱۰۰ درصد تغییرات توجیه شده نرخ رشد سرمایه‌گذاری در سیستم برآزش شده، حدود ۴۶ درصد توسط وقفه‌های خود متغیر و مابقی توسط تغییرات وقفه‌های سایر متغیرها توضیح داده شده است.

۲-۲-۲ سرمایه‌گذاری و متغیرهای درون‌بخشی (مدل شماره ۲)

برای تحلیل توابع واکنش در سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۲) که شامل چهار متغیر است، مجدداً چهار شوک (تکانه) در نظر گرفته شده که هر یک از تکانه‌های اول تا سوم معادل یک کاهش ۰/۱ واحدی (معادل کاهش ده واحد درصدی در نرخ رشد) به ترتیب در نرخ رشد سرمایه‌گذاری، نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش دولتی و تکانه چهارم معادل یک افزایش ۰/۱ واحدی در نرخ رشد شاخص قیمت عمده‌فروشی (یا افزایش ده درصدی نرخ تورم) تعریف شده است.



نمودار ۱۹-۲ واکنش نرخ رشد سرمایه‌گذاری به تکانه‌های تعریف شده

نمودارهای فوق نتیجه حاصل از بروز هر یک از تکانه‌های فوق را در افق زمانی ده دوره‌ای (ساله) به تصویر می‌کشد. براساس نمودار تکانه اول، بروز یک شوک در خود متغیر نرخ رشد سرمایه‌گذاری، بیش‌ترین اثر منفی را در دوره اول داشته و از دوره دوم به بعد این اثر مثبت و نوسانی شده است. بروز شوک منفی در نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش‌های خصوصی و دولتی نیز تا سه دوره اثر منفی بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری دارد، ولی از دوره سوم مثبت و دارای نوسان می‌شود. در این حالت، اثر تجمعی تکانه می‌تواند جهت غالب اثر تکانه را تعیین نماید. بروز تکانه مثبت در نرخ رشد شاخص قیمت عمده‌فروشی (افزایش تورم) نیز از دوره دوم تأثیرگذاری خود را آغاز کرده و به شکل قابل ملاحظه‌ای تا دوره هفتم همچنان تأثیر منفی خود را حفظ می‌کند. هر چهار تکانه ایجاد شده میرا بوده و تقریباً پس از ۲۰ دوره زمانی فاقد اثر می‌شوند (از ویژگی‌های سیستم‌های خودرگرسیون برداری پایدار و بدون ریشه واحد این است که تکانه‌ها پس از چند دوره از بین می‌روند).

با توجه به میرا بودن تکانه‌ها، بررسی اثر تجمعی تکانه‌های یاد شده نشان‌دهنده مجموع اثر هریک از آن‌ها بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری خواهد بود. اثرات مزبور به شرح جدول ذیل است:

جدول ۹-۲ مقدار و اثر تجمعی تکانه‌ها

ردیف	موضوع	تکانه اول	تکانه دوم	تکانه سوم	تکانه چهارم
۱	مقدار تکانه	-۰/۱	-۰/۱	-۰/۱	۰/۱
۲	اثر تجمعی تکانه	۰/۰۰۶۱	-۰/۰۶۹	-۰/۰۴۶	-۰/۱۳۸

در این گروه، بروز تکانه در نرخ تورم بیش‌ترین تأثیر و ایجاد تکانه در نرخ رشد سرمایه‌گذاری کم‌ترین تأثیر را دارد. ضمن آنکه اثر تجمعی یک تکانه در نرخ رشد سرمایه‌گذاری نهایتاً مثبت شده است، هرچند این عدد معنادار نمی‌باشد. در واقع با توجه به نتایج خروجی سیستم برآزش شده مشاهده می‌شود که هیچ‌یک از ضرایب ستون اول که مربوط به معادله نرخ رشد سرمایه‌گذاری است، معنادار نشده و R^2 آن در سطح پایین ۳۰ درصد می‌باشد. نتایج تابع واکنش تجمعی نیز حاکی از آن است که اثر تجمعی در مورد تکانه این معادله از ابتدا معنادار نمی‌باشد، درحالی‌که اثر تجمعی تکانه سایر معادلات حداقل تا ده دوره و بیش‌تر معنادار است.

همچنین مقایسه اثر دو متغیر نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش‌های دولتی و خصوصی حاکی از آن است که بروز یک تکانه در سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نسبت به سرمایه‌گذاری بخش دولتی اثر منفی بزرگ‌تری بر سرمایه‌گذاری کل دارد. جدول زیر نیز نتایج حاصل از تجزیه واریانس سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۲) را در مورد متغیر نرخ رشد سرمایه‌گذاری نشان می‌دهد.

جدول ۱۰-۲ نتایج تجزیه واریانس سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۲)

ردیف	متغیر	درصد تغییرات
۱	نرخ رشد سرمایه‌گذاری	۹۲/۸
۲	نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی	۳/۹

جدول ۱۰-۲ نتایج تجزیه واریانس سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۲)

ردیف	متغیر	درصد تغییرات
۳	نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش دولتی	۱/۰۴
۴	نرخ رشد قیمت عمده‌فروشی	۲/۱

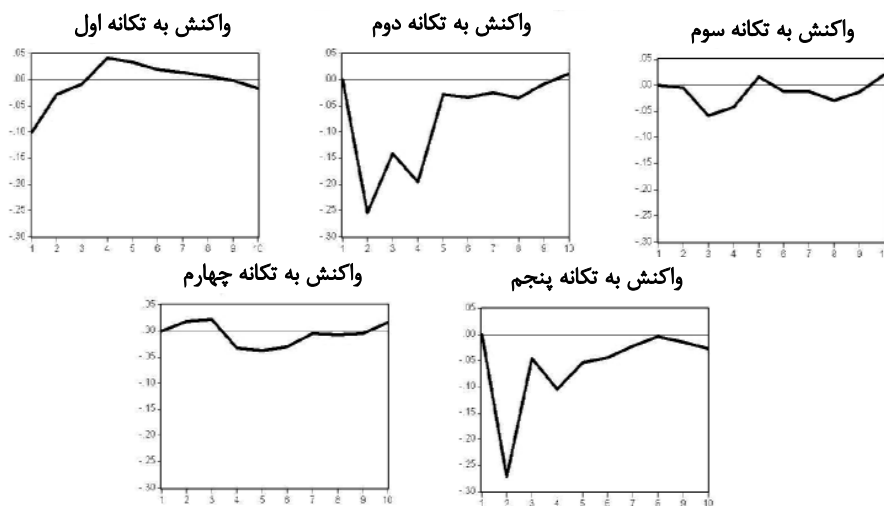
همان‌گونه که مشاهده می‌شود از ۱۰۰ درصد تغییرات توجیه شده نرخ رشد سرمایه‌گذاری در سیستم برآزش شده، حدود ۹۳ درصد توسط وقفه‌های خود متغیر و مابقی توسط تغییرات وقفه‌های سایر متغیرها توضیح داده شده است.

۲-۲-۳ سرمایه‌گذاری و متغیرهای پولی (مدل شماره ۳)

برای تحلیل توابع واکنش در سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۳) که شامل پنج متغیر است، پنج تکانه (شوک) در نظر گرفته شده که تکانه اول و تکانه‌های سوم تا پنجم معادل یک کاهش ۰/۱ واحدی (ده واحد درصدی) به ترتیب در نرخ رشد سرمایه‌گذاری، نرخ رشد بدهی بخش خصوصی به نظام بانکی، نرخ رشد بدهی بخش دولتی به نظام بانکی و نرخ رشد سپرده‌های بخش خصوصی نزد بانک‌ها و تکانه دوم معادل یک افزایش ۰/۱ واحدی (ده واحد درصدی) در نرخ رشد نقدینگی تعریف شده است.

نمودارهای زیر نتیجه حاصل از بروز هر یک از تکانه‌های فوق را در افق زمانی ده دوره‌ای (ساله) به تصویر می‌کشد. براساس نمودار تکانه اول، بروز یک شوک در خود متغیر نرخ رشد سرمایه‌گذاری مجدداً بیش‌ترین اثر منفی را در سه دوره اول داشته و از دوره سوم به بعد این اثر مثبت و نوسانی شده است. بروز شوک مثبت در نرخ رشد نقدینگی (افزایش نرخ رشد نقدینگی) تا نه دوره اثر منفی قابل توجهی بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری دارد. ایجاد تکانه منفی در نرخ رشد بدهی بخش خصوصی به نظام بانکی از دوره دوم تا پنجم و سپس از دوره ششم تا نهم سبب کاهش نرخ رشد سرمایه‌گذاری می‌شود، ولی بروز تکانه منفی در متغیر نرخ رشد بدهی بخش دولتی به نظام بانکی حداقل تا سه دوره اول تأثیر مثبتی بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری کل داشته و از دوره سوم به بعد تأثیرگذاری منفی آن آغاز می‌شود. بروز تکانه منفی در نرخ رشد سپرده‌گذاری نیز تأثیر منفی قابل

توجهی بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری کل دارد. هر پنج تکانه ایجاد شده میرا بوده و تقریباً پس از ۲۵ دوره زمانی فاقد اثر می‌شوند.



نمودار ۲۰-۲ واکنش نرخ رشد سرمایه‌گذاری به تکانه‌های تعریف شده

با توجه به میرا بودن تکانه‌ها، بررسی اثر تجمعی تکانه‌های یاد شده نشان‌دهنده مجموع اثر هریک از آن‌ها بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری خواهد بود. این اثرات به شرح جدول ذیل است:

جدول ۱۱-۲ مقدار و اثر تجمعی تکانه‌ها

ردیف	موضوع	تکانه اول	تکانه دوم	تکانه سوم	تکانه چهارم	تکانه پنجم
۱	مقدار تکانه	-۰/۱	۰/۱	-۰/۱	-۰/۱	-۰/۱
۲	اثر تجمعی تکانه	-۰/۰۲	-۰/۸۲	-۰/۱۸	-۰/۰۶۲	-۰/۶۵

در این گروه، بروز تکانه در نرخ رشد نقدینگی و نرخ رشد سپرده‌گذاری بیش‌ترین تأثیر و ایجاد تکانه در نرخ رشد سرمایه‌گذاری کم‌ترین تأثیر را دارد. ضمن آنکه مقایسه اثر دو متغیر نرخ رشد بدهی بخش‌های دولتی و خصوصی به نظام بانکی حاکی از آن

است که بروز یک تکانه در نرخ رشد بدهی بخش خصوصی نسبت به نرخ رشد بدهی بخش دولتی اثر منفی بزرگ‌تری بر سرمایه‌گذاری کل دارد. جدول ذیل نیز نتایج حاصل از تجزیه واریانس سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۳) را در مورد متغیر نرخ رشد سرمایه‌گذاری نشان می‌دهد.

جدول ۲-۱۲ نتایج تجزیه واریانس سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۳)

ردیف	متغیر	درصد تغییرات
۱	نرخ رشد سرمایه‌گذاری	۷۰
۲	نرخ رشد نقدینگی	۱۲/۴
۳	نرخ رشد بدهی بخش خصوصی به نظام بانکی	۳/۶
۴	نرخ رشد بدهی بخش دولتی به نظام بانکی	۵/۲
۵	نرخ رشد سپرده‌های بخش خصوصی	۸/۸

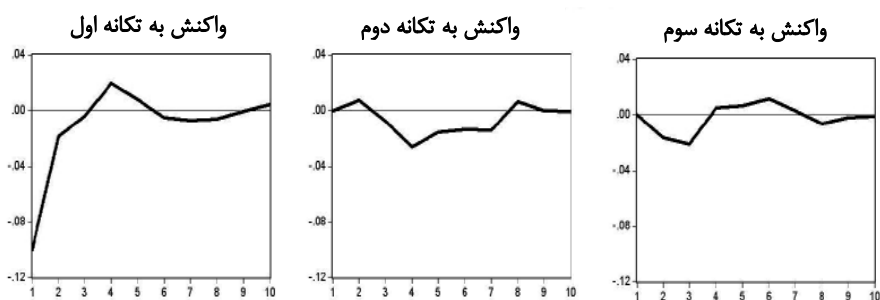
همان‌گونه که مشاهده می‌شود از ۱۰۰ درصد تغییرات توجیه شده نرخ رشد سرمایه‌گذاری در سیستم برآزش شده، ۷۰ درصد توسط وقفه‌های خود متغیر و مابقی توسط تغییرات وقفه‌های سایر متغیرها توضیح داده شده است.

۲-۲-۴ سرمایه‌گذاری، نرخ ارز و درآمدهای نفتی (مدل شماره ۴)

برای تحلیل توابع واکنش در سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۴) که شامل سه متغیر می‌باشد، سه شوک (تکانه) در نظر گرفته شده که تکانه اول و تکانه سوم معادل یک کاهش ۰/۱ واحدی (ده واحد درصدی) به ترتیب در نرخ رشد سرمایه‌گذاری و نرخ رشد درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت و گاز و تکانه دوم معادل یک افزایش ۰/۱ واحدی (ده واحد درصدی) در نرخ رشد قیمت ارز تعریف شده است.

نمودارهای زیر نتیجه حاصل از بروز هر یک از تکانه‌های فوق را در افق زمانی ده دوره‌ای (ساله) به تصویر می‌کشد. براساس نمودار تکانه اول، بروز یک شوک در خود متغیر نرخ رشد سرمایه‌گذاری تا سه دوره تأثیر منفی داشته و از دوره سوم به بعد تا حدی تعدیل می‌شود. بروز شوک مثبت در نرخ رشد قیمت ارز (سرعت گرفتن روند

کاهش ارزش پول ملی) تا سه دوره اول اثر مثبت کوچکی بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری دارد، ولی از دوره سوم به بعد این اثر به نحو قابل توجهی منفی می‌گردد. ایجاد تکانه منفی در نرخ رشد درآمدهای ارزی هم اثری منفی ولی همراه با نوسان بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری دارد. هر سه تکانه ایجاد شده میرا بوده و تقریباً پس از ۱۵ دوره زمانی فاقد اثر می‌شوند.



نمودار ۲۱-۲ واکنش نرخ رشد سرمایه‌گذاری به تکانه‌های تعریف شده

با توجه به میرا بودن تکانه‌ها، بررسی اثر تجمعی تکانه‌های یاد شده نشان‌دهنده مجموع اثر هر یک از آن‌ها بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری خواهد بود. اثرات مزبور به شرح جدول ذیل است:

جدول ۱۳-۲ مقدار و اثر تجمعی تکانه‌ها

ردیف	موضوع	تکانه اول	تکانه دوم	تکانه سوم
۱	مقدار تکانه	-۰/۱	۰/۱	-۰/۱
۲	اثر تجمعی تکانه	-۰/۱۱	-۰/۰۶۶	-۰/۰۱۸

در این گروه، بروز تکانه در نرخ رشد سرمایه‌گذاری بیش‌ترین تأثیر و ایجاد تکانه در نرخ رشد درآمدهای ارزی کم‌ترین تأثیر را دارد. جدول زیر نتایج حاصل از تجزیه واریانس سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۴) را در مورد متغیر نرخ رشد سرمایه‌گذاری نشان می‌دهد.

جدول ۱۴-۲ نتایج تجزیه واریانس سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۴)

ردیف	متغیر	درصد تغییرات
۱	نرخ رشد سرمایه‌گذاری	۶۰/۲
۲	نرخ رشد قیمت ارز	۶/۷
۳	نرخ رشد درآمدهای ارزی	۳۳/۱

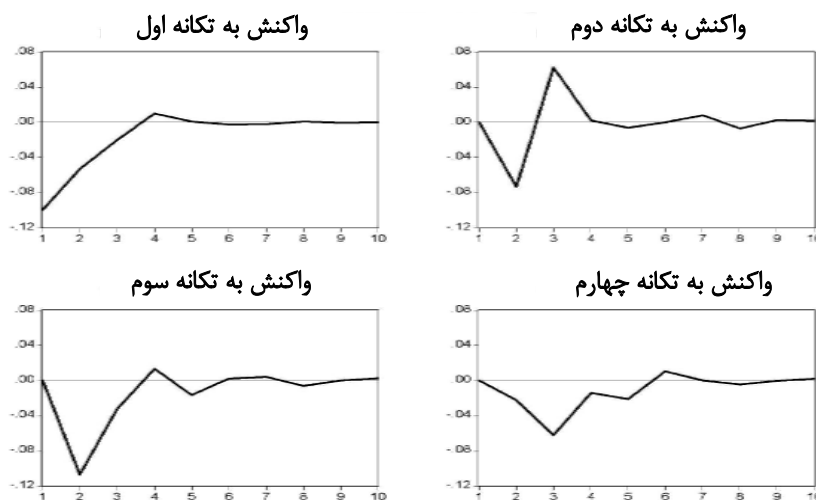
همان‌گونه که ملاحظه می‌شود از ۱۰۰ درصد تغییرات توجیه شده نرخ رشد سرمایه‌گذاری در سیستم برآزش شده، حدود ۶۰ درصد توسط وقفه‌های خود متغیر و مابقی توسط تغییرات وقفه‌های سایر متغیرها توضیح داده شده است.

۲-۲-۵ سرمایه‌گذاری و تعادل در تجارت خارجی (مدل شماره ۵)

با توجه به ماهیت متفاوت متغیرهای موجود در این معادله که یکی بر حسب نرخ رشد و سه متغیر دیگر بر حسب تفاضل مرتبه اول بیان شده است، عملاً معادلات برآزش شده ضرایب R^2 پایینی داشته و معیارهای آکائیک و شوآرتز هم در سطح بالا و نامطلوبی قرار دارد. بررسی حالات مختلف نشان می‌دهد که امکان سیستمی با استفاده از این متغیرها و با معیارهای بهتر وجود ندارد. بنابراین، ضمن استفاده از این مدل تأکید می‌شود که نتایج تحلیلی آن از اعتبار کم‌تری برخوردار بوده و باید با احتیاط بیش‌تری با آن روبه‌رو شد. برای تحلیل توابع واکنش در سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۵) که شامل چهار متغیر می‌باشد، مجدداً چهار شوک (تکانه) در نظر گرفته شده که تکانه اول معادل یک کاهش ۰/۱ واحدی (ده واحد درصدی) در نرخ رشد سرمایه‌گذاری کل، تکانه دوم معادل یک افزایش پنج میلیارد دلاری در تفاضل مرتبه اول خالص موازنه ارزی و تکانه‌های سوم و چهارم نیز به ترتیب معادل یک کاهش پنج میلیارد دلاری در تفاضل‌های مرتبه اول تراز بازرگانی و خالص حساب سرمایه تعریف شده است.

نمودارهای ذیل نتیجه حاصل از بروز هر یک از تکانه‌های یاد شده را در افق زمانی ده دوره‌ای (ساله) به تصویر می‌کشد. براساس نمودار تکانه اول، بروز یک شوک در خود متغیر نرخ رشد سرمایه‌گذاری، بیش‌ترین اثر منفی را در دوره‌های اول تا چهارم داشته و از دوره چهارم به بعد این اثر به سمت صفر میل می‌کند. بروز شوک مثبت در خالص

موازنه ارزی اثری نوسانی و نامشخص بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری داشته و بروز تکانه منفی در تفاضل‌های تراز بازرگانی و خالص حساب سرمایه نیز آثار منفی قابل توجهی بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری دارد. هر چهار تکانه ایجاد شده میرا بوده و تقریباً پس از ده دوره زمانی فاقد اثر می‌شوند.



نمودار ۲۲-۲ واکنش نرخ رشد سرمایه‌گذاری به تکانه‌های تعریف شده

با توجه به میرا بودن تکانه‌ها، بررسی اثر تجمعی تکانه‌ها نشان‌دهنده مجموع اثر هریک از آن‌ها بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری خواهد بود. اثرات مزبور به شرح جدول زیر است:

جدول ۱۵-۲ مقدار و اثر تجمعی تکانه‌ها

ردیف	موضوع	تکانه اول	تکانه دوم	تکانه سوم	تکانه چهارم
۱	مقدار تکانه	-۰/۱	۵۰۰۰	-۵۰۰۰	-۵۰۰۰
۲	اثر تجمعی تکانه	-۰/۱۶۸	-۰/۰۱۲	-۰/۱۴۲	-۰/۱۱۴

در این گروه، بروز تکانه در نرخ رشد سرمایه‌گذاری بیش‌ترین تأثیر و ایجاد تکانه در تفاضل خالص موازنه ارزی کم‌ترین تأثیر را دارد. جدول ذیل نتایج تجزیه واریانس سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۵) را در مورد متغیر نرخ رشد سرمایه‌گذاری نشان می‌دهد.

جدول ۱۶-۲ نتایج تجزیه واریانس سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۵)

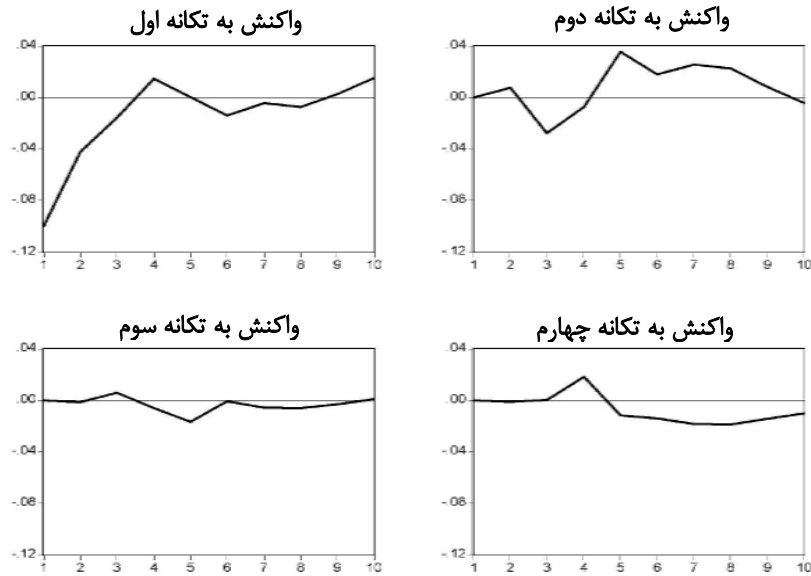
ردیف	متغیر	درصد تغییرات
۱	نرخ رشد سرمایه‌گذاری	۸۰/۱
۲	تغییر خالص موازنه ارزی	۹/۸
۳	تغییر خالص حساب جاری	۸/۳
۴	تغییر خالص حساب سرمایه	۱/۸

همان‌طور که ملاحظه می‌شود از ۱۰۰ درصد تغییرات توجیه شده نرخ رشد سرمایه‌گذاری در سیستم برآزش شده، حدود هشتاد درصد توسط وقفه‌های خود متغیر و مابقی توسط تغییرات وقفه‌های سایر متغیرها توضیح داده شده است.

۲-۲-۶ رشد اقتصادی و متغیرهای درون‌بخشی (مدل شماره ۶)

برای تحلیل توابع واکنش در سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۶)، چهار شوک (تکانه) در نظر گرفته شده که تکانه‌های اول تا سوم معادل یک کاهش ۰/۱ واحدی به ترتیب در نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، نرخ رشد درآمد ملی و نرخ رشد پس‌انداز ناخالص داخلی و تکانه چهارم معادل یک افزایش ۰/۱ واحدی در نرخ رشد شاخص قیمت تعریف شده است.

نمودارهای ذیل نتیجه حاصل از بروز هر یک از تکانه‌های فوق را در افق زمانی ده دوره‌ای (ساله) به تصویر می‌کشد. براساس نمودار تکانه اول، بروز یک شوک در خود متغیر نرخ رشد اقتصادی، بیش‌ترین اثر منفی را در سه دوره اول داشته و از دوره سوم به بعد این اثر کوچک و نوسانی شده است. بروز شوک منفی در نرخ رشد درآمد ملی باعث تغییرات متناوب مثبت و منفی در نرخ رشد اقتصادی شده و اثر تجمعی، نحوه تأثیرگذاری این شوک را بهتر نشان می‌دهد. ایجاد تکانه منفی در نرخ رشد پس‌انداز ناخالص داخلی اثر مثبت کوچکی را در دوره دوم نشان داده و طی دوره‌های بعدی منفی می‌شود. بروز تکانه مثبت در نرخ رشد شاخص قیمت (تورم) نیز تنها در دوره چهارم اثر مثبت کوچکی را نشان داده و سپس به‌صورت اثر منفی ادامه می‌یابد. هر چهار تکانه ایجاد شده میرا هستند و تقریباً پس از ۳۰ دوره زمانی فاقد اثر می‌شوند.



نمودار ۲۳-۲ واکنش نرخ رشد اقتصادی به تکانه‌های تعریف شده

با توجه به میرا بودن تکانه‌ها، بررسی اثر تجمعی تکانه‌های یاد شده نشان‌دهنده مجموع اثر هر یک از آن‌ها بر نرخ رشد اقتصادی خواهد بود. اثرات مزبور به شرح جدول ذیل است:

جدول ۱۷-۲ مقدار و اثر تجمعی تکانه‌ها

ردیف	موضوع	تکانه اول	تکانه دوم	تکانه سوم	تکانه چهارم
۱	مقدار تکانه	-۰/۱	-۰/۱	-۰/۱	۰/۱
۲	اثر تجمعی تکانه	-۰/۰۷	-۰/۰۲۶	-۰/۰۰۲	-۰/۱۳

در این گروه، بروز تکانه مثبت در نرخ تورم بیش‌ترین تأثیر و ایجاد تکانه در نرخ رشد پس‌انداز داخلی کم‌ترین تأثیر را دارد. جدول ذیل نتایج تجزیه واریانس سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۶) را در مورد متغیر نرخ رشد سرمایه‌گذاری نشان می‌دهد.

جدول ۱۸-۲ نتایج تجزیه واریانس سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۶)

ردیف	متغیر	درصد تغییرات
۱	نرخ رشد تولید ناخالص داخلی	۵۹/۴
۲	نرخ رشد درآمد ملی	۲۳/۴
۳	نرخ رشد پس‌انداز ناخالص	۸/۱۸
۴	نرخ رشد قیمت عمده‌فروشی	۹/۰۲

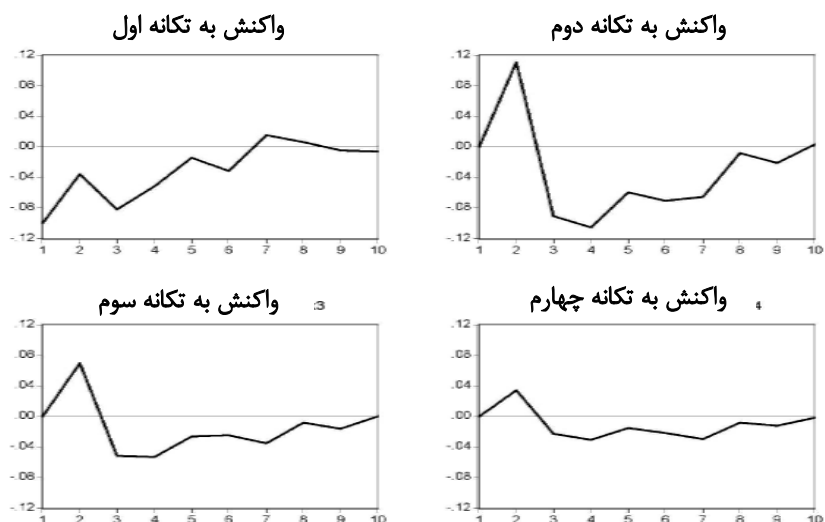
همان‌گونه که مشاهده می‌شود از ۱۰۰ درصد تغییرات توجیه شده نرخ رشد اقتصادی در سیستم برآزش شده، حدود ۵۹ درصد توسط وقفه‌های خود متغیر و مابقی توسط تغییرات وقفه‌های سایر متغیرها توضیح داده شده است.

۷-۲-۲ رشد اقتصادی و متغیرهای سرمایه‌گذاری (مدل شماره ۷)

برای تحلیل توابع واکنش در سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۷) که شامل چهار متغیر می‌باشد، مجدداً چهار تکانه (شوک) در نظر گرفته شده که تکانه‌های اول، سوم و چهارم معادل یک کاهش ۰/۱ واحدی (ده واحد درصدی) به ترتیب در نرخ رشد اقتصادی، نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش دولتی و تکانه دوم معادل افزایش ۰/۱ واحدی (ده واحد درصدی) در نرخ رشد سرمایه‌گذاری تعریف شده است.

نمودارهای ذیل نتیجه حاصل از بروز هر یک از تکانه‌های فوق را در افق زمانی ده دوره‌ای (ساله) به تصویر می‌کشد. براساس نمودار تکانه اول، بروز یک شوک در خود متغیر نرخ رشد اقتصادی، بیش‌ترین اثر منفی را در دوره اول داشته و به مرور از شدت این اثر کاسته می‌شود. بروز شوک منفی در نرخ‌های رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و دولتی نیز هرچند در ابتدا یک اثر مثبت نشان می‌دهد، ولی با وارد شدن وقفه‌های بعدی مدل در دوره‌های بعد، اثر منفی کاهش نرخ رشد این دو متغیر بر نرخ رشد اقتصادی ظاهر می‌شود. بروز تکانه مثبت در نرخ رشد سرمایه‌گذاری کل، تأثیری خلاف انتظار داشته است؛ درحالی‌که انتظار می‌رود افزایش نرخ رشد سرمایه‌گذاری، نرخ رشد اقتصادی را به‌نحو فزاینده‌ای تحت تأثیر مثبت قرار دهد، ولی این تأثیر تنها در دوره دوم دیده شده و

در دوره‌های بعدی اثر مزبور منفی می‌گردد. هر چهار تکانه ایجاد شده میرا بوده و تقریباً پس از ۲۵ دوره زمانی فاقد اثر می‌شوند.



نمودار ۲۴-۲ واکنش نرخ رشد اقتصادی به تکانه‌های تعریف شده

با توجه به میرا بودن تکانه‌ها، بررسی اثر تجمعی تکانه‌های یاد شده نشان‌دهنده مجموع اثر هریک از آن‌ها بر نرخ رشد اقتصادی خواهد بود. اثرات مزبور به شرح جدول زیر است:

جدول ۱۹-۲ مقدار و اثر تجمعی تکانه‌ها

ردیف	موضوع	تکانه اول	تکانه دوم	تکانه سوم	تکانه چهارم
۱	مقدار تکانه	-۰/۱	۰/۱	-۰/۱	-۰/۱
۲	اثر تجمعی تکانه	-۰/۳۵	-۰/۴۲	-۰/۲	-۰/۱۴

در این گروه، بروز تکانه در نرخ رشد سرمایه‌گذاری کل بیش‌ترین تأثیر و ایجاد تکانه در نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش دولتی کم‌ترین تأثیر را دارد. جدول ذیل نیز نتایج حاصل از تجزیه واریانس سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۷) را در مورد

متغیر نرخ رشد سرمایه‌گذاری نشان می‌دهد.

جدول ۲۰-۲ نتایج تجزیه واریانس سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۷)

ردیف	متغیر	درصد تغییرات
۱	نرخ رشد تولید ناخالص داخلی	۴۷/۱
۲	نرخ رشد سرمایه‌گذاری	۱۷/۹
۳	نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی	۱۲/۲
۴	نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش دولتی	۲۲/۸

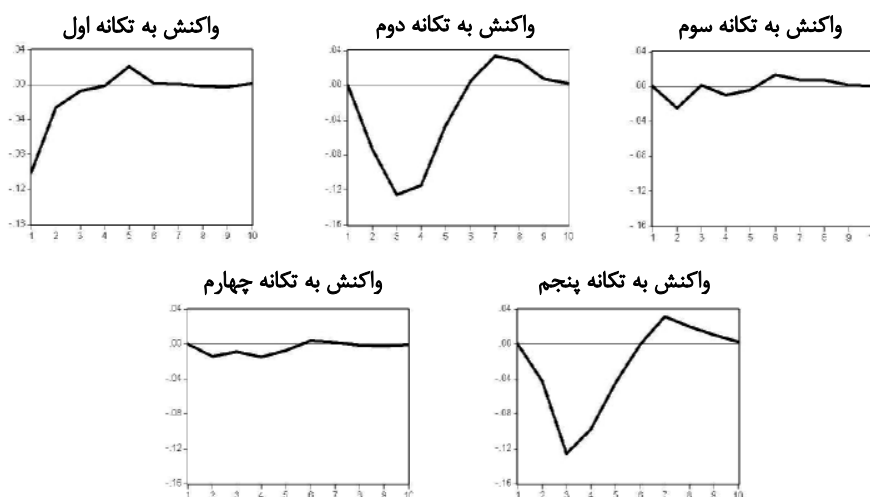
ملاحظه می‌شود از ۱۰۰ درصد تغییرات توجیه شده نرخ رشد اقتصادی در سیستم برازش شده، حدود ۴۷ درصد توسط وقفه‌های خود متغیر و مابقی توسط تغییرات وقفه‌های سایر متغیرها توضیح داده شده است.

۲-۲-۸ رشد اقتصادی و متغیرهای پولی (مدل شماره ۸)

برای تحلیل توابع واکنش در سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۸) که شامل پنج متغیر می‌باشد، پنج شوک (تکانه) در نظر گرفته شده که تکانه اول و تکانه‌های سوم تا پنجم معادل یک کاهش ۰/۱ واحدی (ده واحد درصدی) به ترتیب در نرخ رشد اقتصادی، نرخ رشد بدهی بخش خصوصی به نظام بانکی، نرخ رشد بدهی بخش دولتی به نظام بانکی و نرخ رشد سپرده‌های بخش خصوصی نزد بانک‌ها و تکانه دوم معادل یک افزایش ۰/۱ واحدی (ده واحد درصدی) در نرخ رشد نقدینگی تعریف شده است.

نمودارهای ذیل نتیجه حاصل از بروز هر یک از تکانه‌های فوق را در افق زمانی ده دوره‌ای (ساله) به تصویر می‌کشد. براساس نمودار تکانه اول، بروز یک شوک در خود متغیر نرخ رشد اقتصادی مجدداً بیش‌ترین اثر منفی را در سه دوره اول داشته و از دوره سوم به بعد این اثر مثبت و نوسانی شده است. بروز شوک مثبت در نرخ رشد نقدینگی (افزایش نرخ رشد نقدینگی) تا شش دوره، اثر منفی قابل توجهی بر نرخ رشد اقتصادی دارد. ایجاد تکانه منفی در نرخ رشد بدهی بخش خصوصی به نظام بانکی و همچنین نرخ رشد بدهی بخش دولتی به نظام بانکی هم اثرات کوچک ولی منفی بر رشد اقتصادی دارد. بروز تکانه

منفی در نرخ رشد سپرده‌گذاری نیز تأثیر منفی قابل توجهی بر نرخ رشد اقتصادی دارد. هر پنج تکانه ایجاد شده میرا بوده و تقریباً پس از ۱۵ دوره زمانی فاقد اثر می‌شوند.



نمودار ۲۵-۲ واکنش نرخ رشد اقتصادی به تکانه‌های تعریف شده

با توجه به میرا بودن تکانه‌ها، بررسی اثر تجمعی تکانه‌های یاد شده نشان‌دهنده مجموع اثر هریک از آن‌ها بر نرخ رشد اقتصادی خواهد بود. اثرات مزبور به شرح جدول زیر است:

جدول ۲۱-۲ مقدار و اثر تجمعی تکانه‌ها

ردیف	موضوع	تکانه اول	تکانه دوم	تکانه سوم	تکانه چهارم	تکانه پنجم
۱	مقدار تکانه	-۰/۱	۰/۱	-۰/۱	-۰/۱	-۰/۱
۲	اثر تجمعی تکانه	-۰/۱۲	-۰/۳	-۰/۰۱۱	-۰/۰۴	-۰/۲۶

در این گروه، بروز تکانه در نرخ رشد نقدینگی و نرخ رشد سپرده‌گذاری بیش‌ترین تأثیر و ایجاد تکانه در نرخ رشد بدهی بخش خصوصی به نظام بانکی کم‌ترین تأثیر را دارد. ضمن اینکه مقایسه اثر دو متغیر نرخ رشد بدهی دو بخش دولتی و خصوصی به نظام بانکی حاکی از آن است که بروز یک تکانه در نرخ رشد بدهی بخش دولتی نسبت به نرخ رشد بدهی بخش

خصوصی اثر منفی بزرگ‌تری بر رشد اقتصادی دارد. جدول ذیل نتایج حاصل از تجزیه واریانس سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۸) را در مورد متغیر نرخ رشد اقتصادی نشان می‌دهد.

جدول ۲۲-۲ نتایج تجزیه واریانس سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۸)

ردیف	متغیر	درصد تغییرات
۱	نرخ رشد تولید ناخالص داخلی	۶۱/۸
۲	نرخ رشد نقدینگی	۲/۱
۳	نرخ رشد بدهی بخش خصوصی به نظام بانکی	۲/۳
۴	نرخ رشد بدهی بخش دولتی به نظام بانکی	۵/۱
۵	نرخ رشد سپرده‌های بخش خصوصی	۲۸/۷

همان‌گونه که مشاهده می‌شود از ۱۰۰ درصد تغییرات توجیه شده نرخ رشد اقتصادی در سیستم برازش شده، ۶۲ درصد توسط وقفه‌های خود متغیر و مابقی توسط تغییرات وقفه‌های سایر متغیرها توضیح داده شده است.

۲-۲-۹ رشد اقتصادی، نرخ ارز و درآمدهای نفتی (مدل شماره ۹)

برای تحلیل توابع واکنش در سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۹) که شامل سه متغیر می‌باشد، سه شوک (تکانه) در نظر گرفته شده که تکانه‌های اول و سوم معادل یک کاهش ۰/۱ واحدی (ده واحد درصدی) به ترتیب در نرخ رشد اقتصادی و نرخ رشد درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت و گاز و تکانه دوم معادل یک افزایش ۰/۱ واحدی (ده واحد درصدی) در نرخ رشد قیمت ارز تعریف شده است.

نمودارهای ذیل نتیجه حاصل از بروز هر یک از تکانه‌ها را در افق زمانی ده دوره‌ای (ساله) به تصویر می‌کشد. براساس نمودار تکانه اول، بروز یک شوک در خود متغیر نرخ رشد اقتصادی تا سه دوره تأثیر منفی داشته و از دوره سوم به بعد این تأثیرگذاری منفی تا حدی تعدیل می‌شود. بروز شوک مثبت در نرخ رشد قیمت ارز (سرعت گرفتن کاهش ارزش پول ملی) از دوره دوم تا ششم، تأثیر منفی بر رشد اقتصادی داشته و ایجاد تکانه

منفی در نرخ رشد درآمدهای ارزی نیز تا چهار دوره اثر منفی بر نرخ رشد اقتصادی دارد. هر سه تکانه ایجاد شده میرا بوده و تقریباً پس از هشت دوره زمانی فاقد اثر می‌شوند.



نمودار ۲۶-۲ واکنش نرخ رشد اقتصادی به تکانه‌های تعریف شده

با توجه به میرا بودن تکانه‌ها، بررسی اثر تجمعی تکانه‌های یاد شده نشان‌دهنده مجموع اثر هریک از آن‌ها بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری خواهد بود. اثرات مزبور به شرح جدول ذیل است:

جدول ۲۳-۲ مقدار و اثر تجمعی تکانه‌ها

ردیف	موضوع	تکانه اول	تکانه دوم	تکانه سوم
۱	مقدار تکانه	-۰/۱	۰/۱	-۰/۱
۲	اثر تجمعی تکانه	-۰/۱۵	-۰/۰۲	-۰/۰۰۸

در این گروه، بروز تکانه در نرخ رشد اقتصادی بیش‌ترین اثر و ایجاد تکانه در نرخ رشد درآمدهای ارزی کم‌ترین اثر را دارد. جدول ذیل نتایج تجزیه واریانس سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۹) را در مورد متغیر نرخ رشد سرمایه‌گذاری نشان می‌دهد.

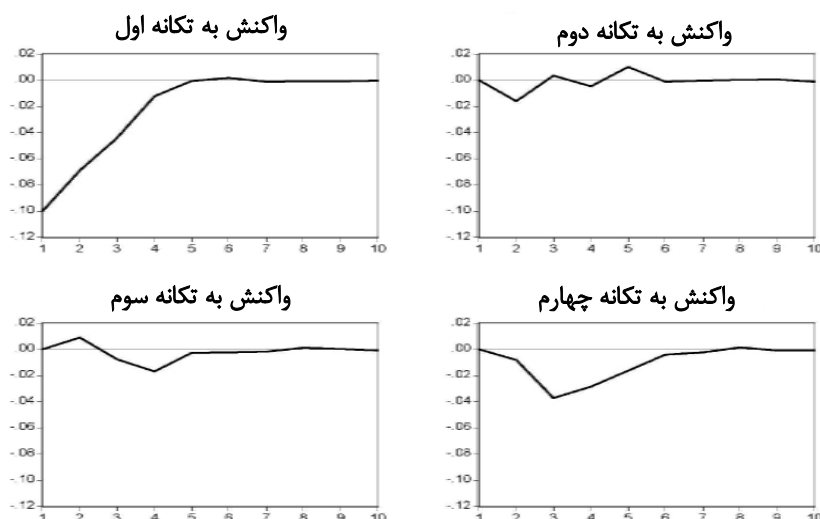
جدول ۲۴-۲ نتایج تجزیه واریانس سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۹)

ردیف	متغیر	درصد تغییرات
۱	نرخ رشد تولید ناخالص داخلی	۹۰/۵
۲	نرخ رشد قیمت ارز	۳/۵
۳	نرخ رشد درآمدهای ارزی	۶

ملاحظه می‌شود از ۱۰۰ درصد تغییرات توجیه شده نرخ رشد سرمایه‌گذاری در سیستم برآزش شده، حدود ۹۰ درصد توسط وقفه‌های خود متغیر و مابقی توسط تغییرات وقفه‌های سایر متغیرها توضیح داده شده است.

۲-۲-۱۰ رشد اقتصادی و تعادل در تجارت خارجی (مدل شماره ۱۰)

برای تحلیل توابع واکنش در سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۱۰) که شامل چهار متغیر می‌باشد، مجدداً چهار شوک (تکانه) در نظر گرفته شده که تکانه اول معادل یک کاهش ۰/۱ واحدی (ده واحد درصدی) در نرخ رشد اقتصادی و تکانه دوم معادل یک افزایش پنج میلیارد دلاری در تفاضل مرتبه اول خالص موازنه ارزی و تکانه‌های سوم و چهارم نیز به ترتیب معادل یک کاهش پنج میلیارد دلاری در تفاضل‌های مرتبه اول تراز بازرگانی و خالص حساب سرمایه تعریف شده است.



نمودار ۲-۲۷ واکنش نرخ رشد اقتصادی به تکانه‌های تعریف شده

نمودارهای فوق نتیجه حاصل از بروز هر یک از تکانه‌های فوق را در افق زمانی ده دوره‌ای (ساله) به تصویر می‌کشد. براساس نمودار تکانه اول، بروز یک شوک در خود متغیر

نرخ رشد اقتصادی، بیشترین اثر منفی را در دوره‌های اول تا چهارم داشته و از دوره چهارم به بعد این اثر به سمت صفر میل می‌کند. بروز شوک مثبت در خالص موازنه ارزی، اثری نوسانی و نامشخص بر نرخ رشد اقتصادی داشته و بروز تکانه منفی در تفاضل‌های تراز بازرگانی و خالص حساب سرمایه نیز آثار منفی بر نرخ رشد اقتصادی دارد. هر چهار تکانه ایجاد شده میرا بوده و تقریباً پس از ده دوره زمانی فاقد اثر می‌شوند.

با توجه به میرا بودن تکانه‌ها، بررسی اثر تجمعی تکانه‌های یاد شده نشان‌دهنده مجموع اثر هریک از آن‌ها بر نرخ رشد اقتصادی خواهد بود. اثرات مزبور به شرح جدول زیر است:

جدول ۲-۲۵ مقدار و اثر تجمعی تکانه‌ها

ردیف	موضوع	تکانه اول	تکانه دوم	تکانه سوم	تکانه چهارم
۱	مقدار تکانه	-۰/۱	۵۰۰۰	-۵۰۰۰	-۵۰۰۰
۲	اثر تجمعی تکانه	-۰/۲۳	-۰/۰۰۷	-۰/۰۲۱	-۰/۰۹۷

در این گروه، بروز تکانه در نرخ رشد اقتصادی بیشترین تأثیر و ایجاد تکانه در تفاضل خالص موازنه ارزی کمترین تأثیر را دارد. جدول زیر نیز نتایج حاصل از تجزیه واریانس سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۱۰) را در مورد متغیر نرخ رشد اقتصادی نشان می‌دهد.

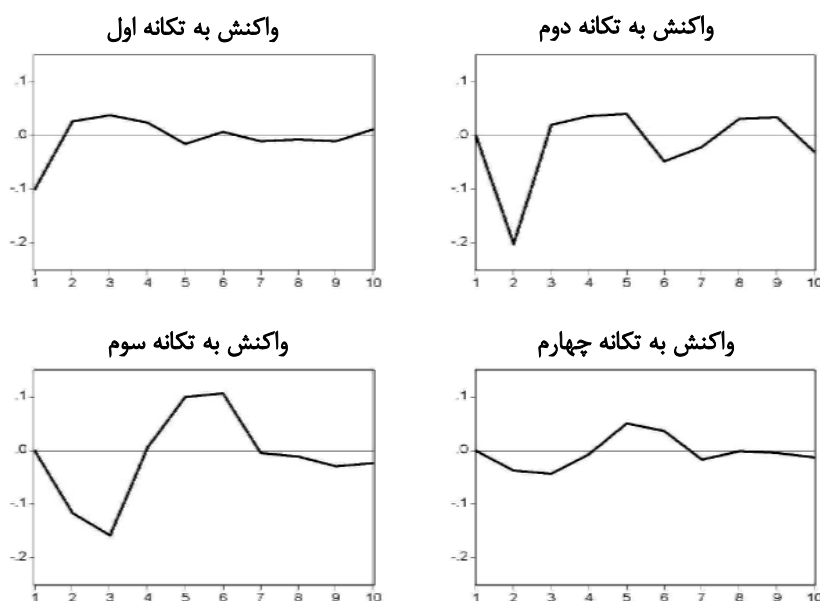
جدول ۲-۲۶ نتایج تجزیه واریانس سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۱۰)

ردیف	متغیر	درصد تغییرات
۱	نرخ رشد تولید ناخالص داخلی	۸۵/۸
۲	تغییر خالص موازنه ارزی	۴/۷
۳	تغییر خالص حساب جاری	۴/۳
۴	تغییر خالص حساب سرمایه	۵/۲

همان‌گونه که مشاهده می‌شود از مجموع تغییرات توجیه شده نرخ رشد اقتصادی در سیستم برازش شده، ۸۶ درصد توسط وقفه‌های خود متغیر و مابقی توسط تغییرات وقفه‌های سایر متغیرها توضیح داده شده است.

۲-۲-۱۱ سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و متغیرهای تولید (مدل شماره ۱۱)

برای تحلیل توابع واکنش در سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۱۱)، چهار شوک (تکانه) در نظر گرفته شده که هر یک از سه تکانه اول معادل یک کاهش ۰/۱ واحدی به ترتیب در نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و نرخ رشد درآمد ملی و تکانه چهارم معادل یک افزایش ۰/۱ واحدی در نرخ رشد پس‌انداز ناخالص داخلی تعریف شده است.



نمودار ۲-۲۸ واکنش نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به تکانه‌های تعریف شده

نمودارهای فوق نتیجه حاصل از بروز هر یک از تکانه‌های فوق را در افق زمانی ده دوره‌ای (ساله) به تصویر می‌کشد. براساس نمودار تکانه اول، بروز یک شوک در خود متغیر نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در دوره اول اثر منفی، طی دوره‌های دوم تا چهارم اثر مثبت و از آن به بعد مجدداً اثر منفی دارد. بروز شوک منفی در متغیرهای نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و درآمد ملی نیز باعث تغییرات متناوب مثبت و منفی در

نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌شود. از این رو اثر تجمعی، نحوه تأثیرگذاری این شوک‌ها را بهتر نشان می‌دهد. ایجاد تکانه مثبت در نرخ رشد پس‌انداز ناخالص داخلی نیز اثر نوسانی از خود بروز می‌دهد. هر چهار تکانه ایجاد شده میرا بوده و تقریباً پس از ۲۰ دوره زمانی فاقد اثر می‌شوند.

با توجه به میرا بودن تکانه‌ها، بررسی اثر تجمعی این تکانه‌ها نشان‌دهنده مجموع اثر هریک از آن‌ها بر نرخ رشد اقتصادی خواهد بود. اثرات مزبور به شرح جدول زیر است:

جدول ۲۷-۲ مقدار و اثر تجمعی تکانه‌ها

ردیف	موضوع	تکانه اول	تکانه دوم	تکانه سوم	تکانه چهارم
۱	مقدار تکانه	-۰/۱	-۰/۱	-۰/۱	۰/۱
۲	اثر تجمعی تکانه	-۰/۰۳۳	-۰/۱۳	-۰/۱۲	-۰/۰۲۹

در این گروه، بروز تکانه منفی در نرخ رشد اقتصادی بیش‌ترین تأثیر و ایجاد تکانه در نرخ رشد پس‌انداز داخلی کم‌ترین تأثیر را دارد. جدول ذیل نتایج حاصل از تجزیه واریانس سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۱۱) را در مورد متغیر نرخ رشد سرمایه‌گذاری نشان می‌دهد.

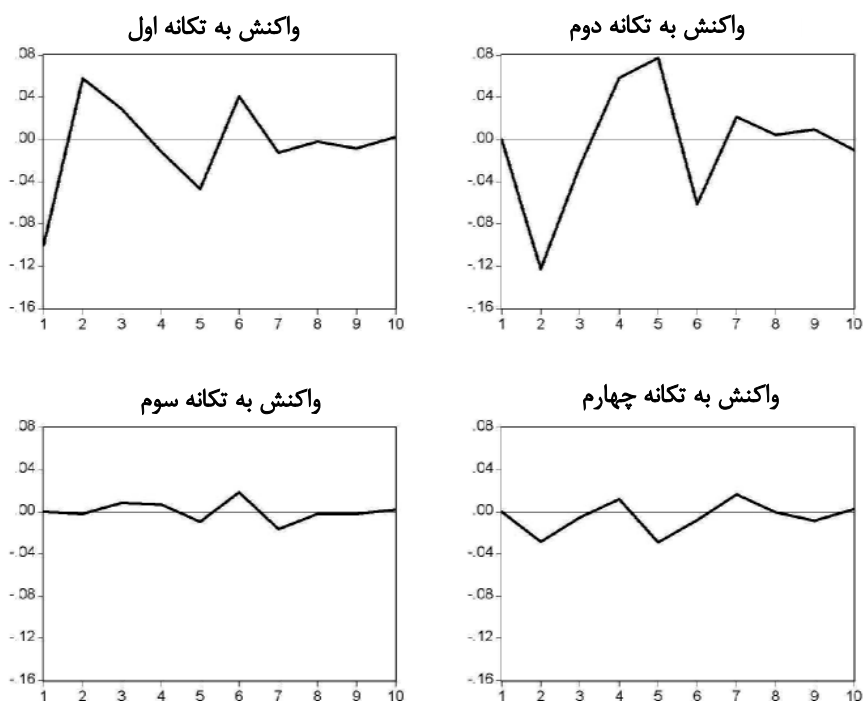
جدول ۲۸-۲ نتایج تجزیه واریانس سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۱۱)

ردیف	متغیر	درصد تغییرات
۱	نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی	۴۵/۶
۲	نرخ رشد تولید ناخالص داخلی	۳۲/۱
۳	نرخ رشد درآمد ملی	۱۱/۷
۴	نرخ رشد پس‌انداز ناخالص	۱۰/۶

همان‌طور که مشاهده می‌شود از مجموع تغییرات توجیه شده نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در سیستم برازش شده، حدود ۴۶ درصد توسط وقفه‌های خود متغیر و مابقی توسط تغییرات وقفه‌های سایر متغیرها توضیح داده شده است.

۲-۲-۱۲ سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و متغیرهای درون‌بخشی (مدل شماره ۱۲)

برای تحلیل توابع واکنش در سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۱۲) که شامل چهار متغیر می‌باشد، مجدداً چهار تکانه (شوک) در نظر گرفته شده که تکانه‌های اول تا سوم معادل یک کاهش ۰/۱ واحدی (ده واحد درصدی) به ترتیب در نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، نرخ رشد سرمایه‌گذاری کل و نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش دولتی و تکانه چهارم معادل افزایش ۰/۱ واحدی در نرخ رشد شاخص قیمت عمده فروشی (افزایش ده درصدی نرخ تورم) تعریف شده است.



نمودار ۲-۲۹ واکنش نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به تکانه‌های تعریف شده

نمودارهای فوق نتیجه حاصل از بروز هر یک از تکانه‌های فوق را در افق زمانی ده دوره‌ای (ساله) به تصویر می‌کشد. براساس نمودار تکانه اول، بروز یک شوک در خود متغیر

نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، بیش‌ترین اثر منفی را در دوره اول داشته و بعد از آن آثار نوسانی با دامنه کاهنده ادامه یافته است. بروز شوک منفی در نرخ‌های رشد سرمایه‌گذاری کل و سرمایه‌گذاری بخش دولتی آثار نوسانی بروز می‌دهد. از این‌رو بررسی اثر تجمعی آن‌ها گویاتر خواهد بود. بروز تکانه مثبت در نرخ تورم نیز مشابه سه متغیر دیگر اثرات نوسانی (منفی بزرگ‌تر) بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی دارد. هر چهار تکانه ایجاد شده میرا بوده و تقریباً پس از ۱۵ دوره زمانی فاقد اثر می‌شوند. با توجه به میرا بودن تکانه‌ها، بررسی اثر تجمعی تکانه‌های یاد شده نشان‌دهنده مجموع اثر هریک از آن‌ها بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری خواهد بود. اثرات مزبور به شرح جدول ذیل است:

جدول ۲۹-۲ مقدار و اثر تجمعی تکانه‌ها

ردیف	موضوع	تکانه اول	تکانه دوم	تکانه سوم	تکانه چهارم
۱	مقدار تکانه	-۰/۱	-۰/۱	-۰/۱	۰/۱
۲	اثر تجمعی تکانه	-۰/۰۶	-۰/۰۳۵	-۰/۰۰۲	-۰/۰۵۸

در این گروه، بروز تکانه در نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بیش‌ترین تأثیر و ایجاد تکانه در نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش دولتی کم‌ترین تأثیر را دارد. جدول ذیل نیز نتایج حاصل از تجزیه واریانس سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۱۲) را در مورد متغیر نرخ رشد سرمایه‌گذاری نشان می‌دهد.

جدول ۳۰-۲ نتایج تجزیه واریانس سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۱۲)

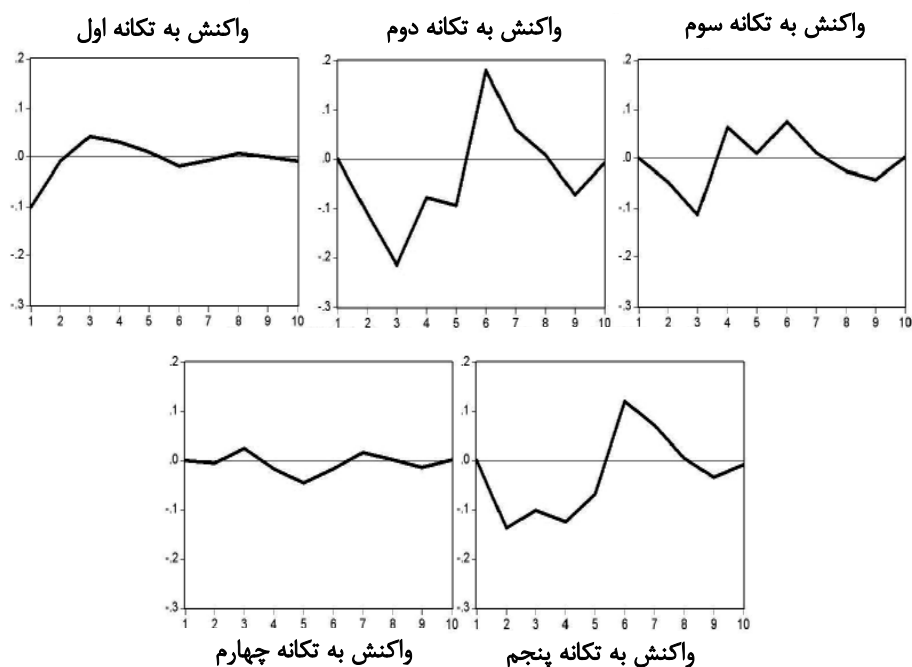
ردیف	متغیر	درصد تغییرات
۱	نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی	۷۳/۱
۲	نرخ رشد سرمایه‌گذاری	۲۲/۶
۳	نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش دولتی	۰/۵
۴	نرخ رشد قیمت عمده‌فروشی	۳/۸

همان‌گونه که مشاهده می‌شود از ۱۰۰ درصد تغییرات توجیه شده نرخ رشد اقتصادی در سیستم برآزش شده، حدود ۷۳ درصد توسط وقفه‌های خود متغیر و مابقی

توسط تغییرات وقفه‌های سایر متغیرها توضیح داده شده است.

۱۳-۲-۲ سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و متغیرهای پولی (مدل شماره ۱۳)

برای تحلیل توابع واکنش در سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۱۳) که شامل پنج متغیر می‌باشد، پنج تکانه (شوک) در نظر گرفته شده که تکانه‌های اول و سوم تا پنجم معادل یک کاهش ۰/۱ واحدی (ده واحد درصدی) به ترتیب در نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، نرخ رشد بدهی بخش خصوصی به نظام بانکی، نرخ رشد بدهی بخش دولتی به نظام بانکی و نرخ رشد سپرده‌های بخش خصوصی نزد بانک‌ها و تکانه دوم معادل یک افزایش ۰/۱ واحدی در نرخ رشد نقدینگی تعریف شده است.



نمودار ۲-۳۰ واکنش نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به تکانه‌های تعریف شده

نمودارهای فوق نتیجه حاصل از بروز هر یک از تکانه‌های فوق را در افق زمانی ده دوره‌ای (ساله) به تصویر می‌کشد. براساس نمودار تکانه اول، بروز یک شوک در خود

متغیر نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، بیش‌ترین اثر منفی را در دوره اول داشته و از دوره دوم به بعد این اثر کوچک و نوسانی شده است. بروز شوک مثبت در نرخ رشد نقدینگی (افزایش نرخ رشد نقدینگی) تا شش دوره اثر منفی قابل توجهی بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی داشته و ایجاد تکانه منفی در نرخ رشد بدهی بخش خصوصی به نظام بانکی و همچنین نرخ رشد بدهی بخش دولتی به نظام بانکی هم اثرات نوسانی بر رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی دارد. از این‌رو بررسی اثر تجمعی آن‌ها گویاتر خواهد بود. بروز تکانه منفی در نرخ رشد سپرده‌گذاری نیز تأثیر منفی قابل توجهی بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری کل دارد. هر پنج تکانه ایجاد شده میرا بوده و تقریباً پس از ۲۰ دوره زمانی فاقد اثر می‌شوند.

با توجه به میرا بودن تکانه‌ها، بررسی اثر تجمعی تکانه‌های یاد شده نشان‌دهنده مجموع اثر هریک از آن‌ها بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی خواهد بود. اثرات مزبور به شرح جدول زیر است:

جدول ۳۱-۲ مقدار و اثر تجمعی تکانه‌ها

ردیف	موضوع	تکانه اول	تکانه دوم	تکانه سوم	تکانه چهارم	تکانه پنجم
۱	مقدار تکانه	-۰/۱	۰/۱	-۰/۱	-۰/۱	-۰/۱
۲	اثر تجمعی تکانه	-۰/۰۴۳	-۰/۳۷	-۰/۰۷	-۰/۰۴۴	-۰/۳۳

در این گروه، بروز تکانه در نرخ رشد نقدینگی و نرخ رشد سپرده‌گذاری بیش‌ترین تأثیر و ایجاد تکانه در نرخ رشد بدهی بخش دولتی به نظام بانکی کم‌ترین تأثیر را دارد. ضمن آنکه مقایسه اثر دو متغیر نرخ رشد بدهی دو بخش دولتی و خصوصی بر نظام بانکی نیز حاکی از آن است که بروز یک تکانه (شوک) در نرخ رشد بدهی بخش خصوصی نسبت به نرخ رشد بدهی بخش دولتی اثر منفی بزرگ‌تری بر رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی دارد.

جدول زیر نتایج حاصل از تجزیه واریانس سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۱۳) را در مورد متغیر نرخ رشد سرمایه‌گذاری نشان می‌دهد.

جدول ۲-۳۲ نتایج تجزیه واریانس سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۱۳)

ردیف	متغیر	درصد تغییرات
۱	نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی	۷۹
۲	نرخ رشد نقدینگی	۵/۹
۳	نرخ رشد بدهی بخش خصوصی به نظام بانکی	۷
۴	نرخ رشد بدهی بخش دولتی به نظام بانکی	۳/۱
۵	نرخ رشد سپرده‌های بخش خصوصی	۵

همان‌طور که مشاهده می‌شود از ۱۰۰ درصد تغییرات توجیه شده نرخ رشد اقتصادی در سیستم برآزش شده، ۷۹ درصد توسط وقفه‌های خود متغیر و مابقی توسط تغییرات وقفه‌های سایر متغیرها توضیح داده شده است.

۲-۲-۱۴ سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، نرخ ارز و درآمدهای نفتی (مدل شماره ۱۴)

برای تحلیل توابع واکنش در سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۱۴) که شامل سه متغیر می‌باشد، سه شوک (تکانه) در نظر گرفته شده که تکانه‌های اول و سوم معادل یک کاهش ۰/۱ واحدی (ده واحد درصدی) به ترتیب در نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و نرخ رشد درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت و گاز تکانه دوم معادل یک افزایش ۰/۱ واحدی (ده واحد درصدی) در نرخ رشد قیمت ارز تعریف شده است.

نمودارهای ذیل نتیجه حاصل از بروز هر یک از تکانه‌های یاد شده را در افق زمانی ده دوره‌ای (ساله) به تصویر می‌کشد. براساس نمودار تکانه اول، بروز شوک در خود متغیر نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی مجدداً در دوره اول تأثیر منفی داشته و از دوره دوم به بعد این تأثیرگذاری نوسانی می‌شود. بروز شوک مثبت در نرخ رشد قیمت ارز (سرعت گرفتن کاهش ارزش پول ملی) از دوره سوم تا پنجم، تأثیر منفی بر رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی داشته و ایجاد تکانه منفی در نرخ رشد درآمدهای ارزی نیز تا سه دوره اثر منفی بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی دارد. هر سه تکانه ایجاد شده میرا بوده و تقریباً پس از ۱۲ دوره زمانی فاقد اثر می‌شوند.



نمودار ۳۱-۲ واکنش نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به تکانه‌های تعریف شده

با توجه به میرا بودن تکانه‌ها، بررسی اثر تجمعی تکانه‌های یاد شده نشان‌دهنده مجموع اثر هریک از آن‌ها بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی خواهد بود. اثرات مزبور به شرح جدول ذیل است:

جدول ۳۳-۲ مقدار و اثر تجمعی تکانه‌ها

ردیف	موضوع	تکانه اول	تکانه دوم	تکانه سوم
۱	مقدار تکانه	-۰/۱	۰/۱	-۰/۱
۲	اثر تجمعی تکانه	-۰/۰۸	-۰/۰۱۷	-۰/۰۳

در این گروه، بروز تکانه در نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بیش‌ترین تأثیر و ایجاد تکانه در نرخ رشد قیمت ارز کم‌ترین تأثیر را دارد. جدول زیر نیز نتایج حاصل از تجزیه واریانس سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۱۴) را در مورد متغیر نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نشان می‌دهد.

جدول ۳۴-۲ نتایج تجزیه واریانس سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۱۴)

ردیف	متغیر	درصد تغییرات
۱	نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی	۶۰/۳

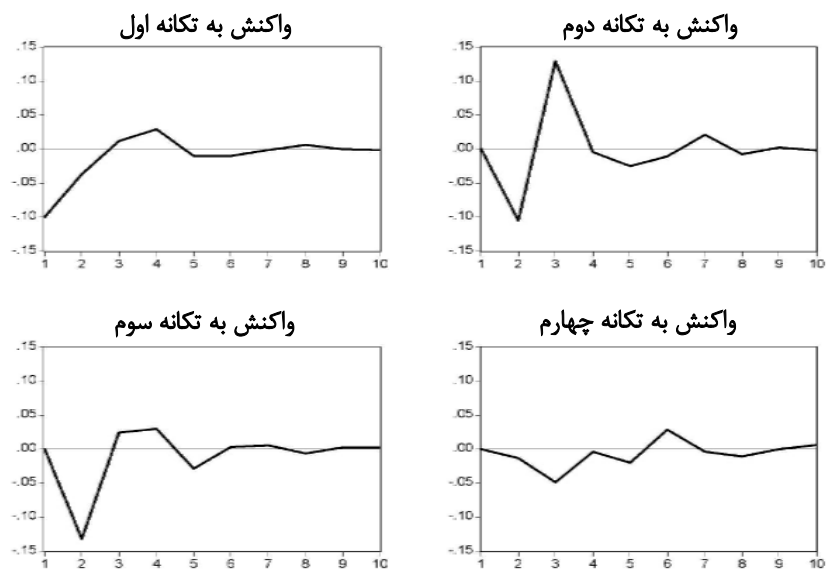
جدول ۲-۳۴ نتایج تجزیه واریانس سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۱۴)

ردیف	متغیر	درصد تغییرات
۲	نرخ رشد قیمت ارز	۲/۲
۳	نرخ رشد درآمدهای ارزی	۳۷/۵

همان‌گونه که مشاهده می‌شود از ۱۰۰ درصد تغییرات توجیه شده نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در سیستم برآش شده، حدود ۶۰ درصد توسط وقفه‌های خود متغیر و مابقی توسط تغییرات وقفه‌های سایر متغیرها توضیح داده شده است.

۲-۲-۱۵ سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و تعادل در تجارت خارجی (مدل شماره ۱۵)

برای تحلیل توابع واکنش در سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۱۵) که شامل چهار متغیر می‌باشد، مجدداً چهار شوک (تکانه) در نظر گرفته شده که تکانه اول معادل یک کاهش ۰/۱ واحدی (ده واحد درصدی) در نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، تکانه دوم معادل یک افزایش پنج میلیارد دلاری در تفاضل مرتبه اول خالص موازنه ارزی و تکانه‌های سوم و چهارم نیز به ترتیب معادل یک کاهش پنج میلیارد دلاری در تفاضل‌های مرتبه اول تراز بازرگانی و خالص حساب سرمایه تعریف شده است. نمودارهای فوق نتیجه حاصل از بروز هر یک از تکانه‌های موردنظر را در افق زمانی ده دوره‌ای (ساله) به تصویر می‌کشد. براساس نمودار تکانه اول، بروز یک شوک در خود متغیر نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، بیش‌ترین اثر منفی را در دوره‌های اول تا سوم داشته و از دوره چهارم به بعد این اثر به سمت صفر میل می‌کند. بروز شوک مثبت در خالص موازنه ارزی، اثری نوسانی و نامشخص بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی داشته و بروز تکانه منفی در تفاضل‌های تراز بازرگانی و خالص حساب سرمایه نیز اثر منفی بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی دارد. هر چهار تکانه ایجاد شده میرا بوده و تقریباً پس از ده دوره زمانی فاقد اثر می‌شوند.



نمودار ۲-۳۲ واکنش نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به تکانه‌های تعریف شده

با توجه به میرا بودن تکانه‌ها، بررسی اثر تجمعی تکانه‌های یاد شده نشان‌دهنده مجموع اثر هریک از آن‌ها بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی خواهد بود. اثرات مزبور به شرح جدول ذیل است:

جدول ۲-۳۵ مقدار و اثر تجمعی تکانه‌ها

ردیف	موضوع	تکانه اول	تکانه دوم	تکانه سوم	تکانه چهارم
۱	مقدار تکانه	-۰/۱	۵۰۰۰	-۵۰۰۰	-۵۰۰۰
۲	اثر تجمعی تکانه	-۰/۱۱	-۰/۰۰۲	-۰/۱	-۰/۰۶۶

در این گروه، بروز تکانه در نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بیش‌ترین تأثیر و ایجاد تکانه در تفاضل خالص موازنه ارزی کم‌ترین تأثیر را دارد. جدول زیر نیز نتایج حاصل از تجزیه واریانس سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۱۵) را در مورد متغیر نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نشان می‌دهد.

جدول ۲-۳۶ نتایج تجزیه واریانس سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۱۵)

ردیف	متغیر	درصد تغییرات
۱	نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی	۸۳/۳
۲	تغییر خالص موازنه ارزی	۵/۷
۳	تغییر خالص حساب جاری	۱۰/۳
۴	تغییر خالص حساب سرمایه	۰/۷

همان‌طور که مشاهده می‌شود از ۱۰۰ درصد تغییرات توجیه شده نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در سیستم برآزش شده، حدود ۳۸ درصد توسط وقفه‌های خود متغیر و مابقی آن توسط تغییرات وقفه‌های سایر متغیرها توضیح داده شده است.

۲-۳ شاخص‌سازی برای امنیت اقتصادی

۲-۳-۱ ساخت شاخص

ساخت شاخص برای امنیت اقتصادی می‌تواند اطلاعات ارزنده‌ای را (حاکمی از آنکه در هر زمان برابند عوامل اقتصادی و اجتماعی، سطح امنیت اقتصادی را در چه جایگاهی قرار داده و وضعیت آن نسبت به دوره‌های قبل چگونه است) در اختیار قرار دهد. به‌عنوان مثال، تحلیل سیستم خودرگرسیون برداری و توابع واکنش آن (که در قسمت قبل ارائه شد) حاوی تعداد زیادی متغیر می‌باشد که تغییرات هر یک از آن‌ها در هر سال ممکن است اثر مثبت یا منفی بر سطح امنیت اقتصادی بگذارد. بنابراین، بررسی وضعیت کلی امنیت اقتصادی نیازمند بررسی همه این متغیرهاست. درحالی‌که اگر شاخصی ترکیبی از این متغیرها ساخته و محاسبه شود، می‌توان تغییرات سطح کلی امنیت اقتصادی را در هر سال با سادگی بیش‌تری بیان کرد.

روش‌های گوناگونی برای ساخت شاخص‌های اقتصادی وجود دارد، ولی به‌طور کلی اکثر آن‌ها ترکیبات وزنی از چند متغیر دیگرند. همچنین در برخی کشورها، مؤسسات خصوصی یا غیرانتفاعی وجود دارد که به‌طور مرتب اقدام به ساخت و انتشار شاخص‌هایی درباره مواردی نظیر آزادی اقتصادی، درجه باز بودن اقتصاد، ریسک کشوری و نظایر آن‌ها می‌کنند که در فصل یک به برخی از آن‌ها اشاره شد. این مؤسسات معمولاً لیستی از

متغیرهای اقتصادی (که برخی از آنها کیفی‌اند) را تهیه کرده و توسط کارشناسان مؤسسه به آنها مقادیر عددی منتسب می‌شود.

در این قسمت با تکیه بر نتایج حاصل از تحلیل تکانه و توابع واکنش سیستم‌های خودرگرسیون برداری، یک شاخص عددی برای امنیت اقتصادی محاسبه و ارائه می‌شود.

۲-۳-۲ ضرایب و استانداردسازی متغیرها

با توجه به اینکه در قسمت قبل سیستم‌های خودرگرسیون برداری براساس سه متغیر اصلی نرخ رشد اقتصادی، نرخ رشد سرمایه‌گذاری کل و نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی برآورد گردید، در این بخش نیز سه شاخص براساس معادلات مربوط به هریک از این متغیرها ساخته می‌شود. ساخت شاخص در سه مرحله انجام می‌گیرد: در مرحله اول تمام متغیرها استانداردسازی می‌شود، به نحوی که دامنه تغییرات آنها ما بین صفر و یک قرار گیرد. سپس براساس شاخص اهمیت هریک از متغیرها در تجزیه واریانس سیستم مربوطه، یک ضریب اهمیت‌بخشی به هر متغیر داده شده و مقدار شاخص برای هر بخش محاسبه می‌گردد. در مرحله آخر براساس ضرایب R^2 معادلات مربوطه در هر سیستم برآورد شده، ضریب اهمیتی به شاخص هر بخش داده شده و ترکیب وزنی حاصل از مجموع بخش‌ها به‌عنوان یکی از شاخص‌های سه‌گانه امنیت اقتصادی منظور می‌گردد.

متغیرهای مورد استفاده برای ساخت شاخص، همان ۱۶ متغیری است که در قسمت ۱-۵-۲ آمده و در برآورد سیستم‌های خودرگرسیون برداری مورد استفاده قرار گرفته است. برای استانداردسازی هریک از متغیرها از رابطه زیر استفاده شده است:

$$\frac{X_t - \text{Min}(X_t)}{\text{Max}(X_t) - \text{Min}(X_t)}$$

تفاضل مقدار متغیر در هر سال از کم‌ترین مقدار آن متغیر طی دوره مورد بررسی در صورت کسر، و تفاضل بیش‌ترین و کم‌ترین مقدار متغیر طی دوره مورد بررسی در مخرج کسر قرار دارد. ضرایب اهمیت هریک از متغیرها در بخش مربوطه نیز براساس تجزیه واریانس معادله مربوطه استخراج شده است. به‌طور نمونه، نحوه محاسبه ضرایب اهمیت برای بخش

متغیرهای پولی در سیستم خودرگرسیون برداری شماره (۱۳) که برای متغیر نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی تخمین زده شده بود ارائه می‌شود و برای محاسبه ضرایب اهمیت سایر متغیرها در هر بخش و برای هر یک از متغیرهای سه گانه هم از روشی مشابه استفاده می‌شود. متغیرهای پولی شامل چهار متغیر نرخ رشد نقدینگی، نرخ‌های رشد بدهی بخش‌های دولتی و خصوصی به نظام بانکی و نرخ رشد سپرده‌های بخش خصوصی نزد بانک‌هاست، که نتیجه تجزیه واریانس آن‌ها در معادله نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به صورت ذیل است:

جدول ۳۷-۲ نتایج تجزیه واریانس متغیرهای چهارگانه پولی در معادله نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی

ردیف	متغیر	درصد تغییرات
۱	نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی	۷۹
۲	نرخ رشد نقدینگی	۵/۹
۳	نرخ رشد بدهی بخش خصوصی به نظام بانکی	۷
۴	نرخ رشد بدهی بخش دولتی به نظام بانکی	۳/۱
۵	نرخ رشد سپرده‌های بخش خصوصی	۵

در اینجا با توجه به اینکه نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، متغیر هدف است، با ضریب واریانس آن در ساخت شاخص وارد نمی‌شود و چهار ضریب دیگر با استفاده از تناسب عددی به صورت زیر با مجموع ۱۰۰ درصد محاسبه می‌شود.

جدول ۳۸-۲ درصد اهمیت متغیرهای چهارگانه پولی در نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی

ردیف	متغیر	درصد تغییرات
۱	نرخ رشد نقدینگی	۲۸/۱
۲	نرخ رشد بدهی بخش خصوصی به نظام بانکی	۳۳/۳
۳	نرخ رشد بدهی بخش دولتی به نظام بانکی	۱۴/۸
۴	نرخ رشد سپرده‌های بخش خصوصی	۲۳/۸

حال باید هریک از این ضرایب در مقدار استاندارد شده متغیر مربوطه ضرب شود. نکته دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد این است که نحوه تأثیرگذاری این متغیرها بر امنیت اقتصادی در یک جهت نیست. به عبارت دیگر، از تحلیل توابع واکنش و اثر تجمعی تکانه در این بخش مشاهده شد که دو متغیر نرخ رشد نقدینگی و نرخ رشد سپرده‌ها اثر منفی و دو متغیر دیگر اثر مثبت دارند. بنابراین، نحوه تأثیرگذاری هریک از متغیرها و نحوه لحاظ آن‌ها در شاخص بخشی، متفاوت و به این صورت خواهد بود:

۱. در صورتی که اثر در جهت مثبت باشد، ضریب اهمیت به‌طور مستقیم در مقدار استاندارد شده متغیر ضرب می‌شود.

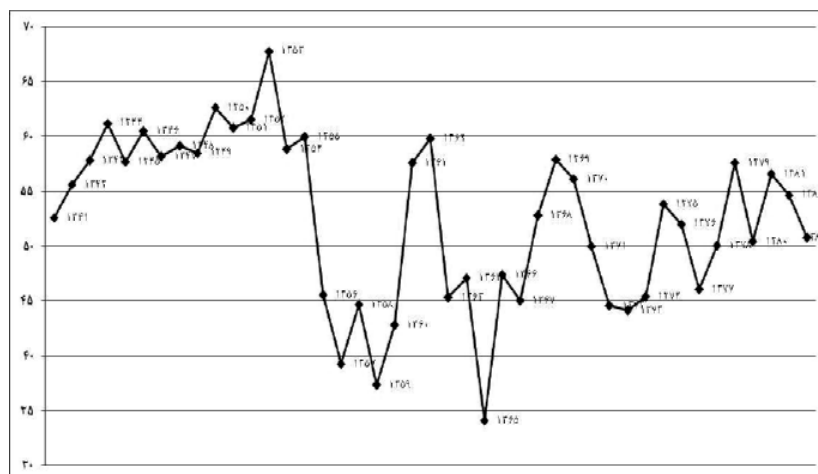
۲. در صورتی که اثر در جهت منفی باشد، ابتدا ضریب اهمیت در مقدار استاندارد شده ضرب می‌شود و سپس نتیجه به‌دست آمده برای هر سال از مقدار عددی ضریب اهمیت کم شده و حاصل آن به‌عنوان نتیجه نهایی لحاظ می‌شود. به این ترتیب نتایج به دست آمده برای همه متغیرها در یک جهت بوده و حاصل جمع آن‌ها نیز در دامنه صفر تا صد درصد خواهد بود.

در مرحله سوم و نهایی ساخت شاخص نیز مقادیر به دست آمده برای هر بخش با ضریب وزنی که براساس مقدار R^2 معادلات مربوطه به دست آمده، تعدیل و تجمیع می‌شود تا شاخص نهایی به دست آید. به‌طور نمونه، برای محاسبه شاخص امنیت اقتصادی بر حسب نرخ رشد سرمایه‌گذاری کل با توجه به پنج سیستم برآورد شده (سیستم‌های شماره یک تا پنج)، برای بخش‌های تولید، سرمایه‌گذاری، پول، درآمدهای نفتی و تجارت خارجی، در ابتدا پنج شاخص بخشی به دست آمده و با مراجعه به سیستم‌های یاد شده، ضرایب R^2 هریک از آن‌ها محاسبه می‌شود. ضمن آنکه با استفاده از تناسب عددی، ضرایب R^2 به ضرایب وزنی تبدیل می‌گردد.

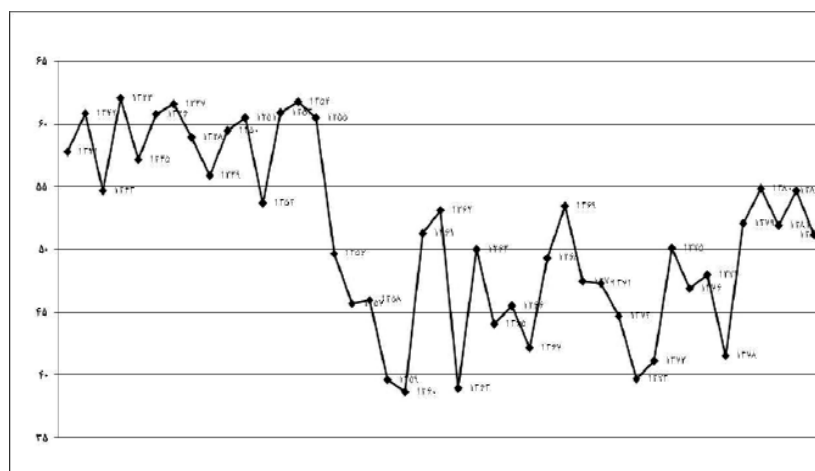
جدول ۳۹-۲ ضرایب R^2 و اهمیت بخش‌های پنج‌گانه

بخش	تولید	سرمایه‌گذاری	پول	درآمد نفتی	تجارت
ضریب R^2	۰/۶۳	۰/۳	۰/۵۴	۰/۵۳	۰/۳۷
ضریب اهمیت (درصد)	۲۶	۱۳	۲۳	۲۲	۱۶

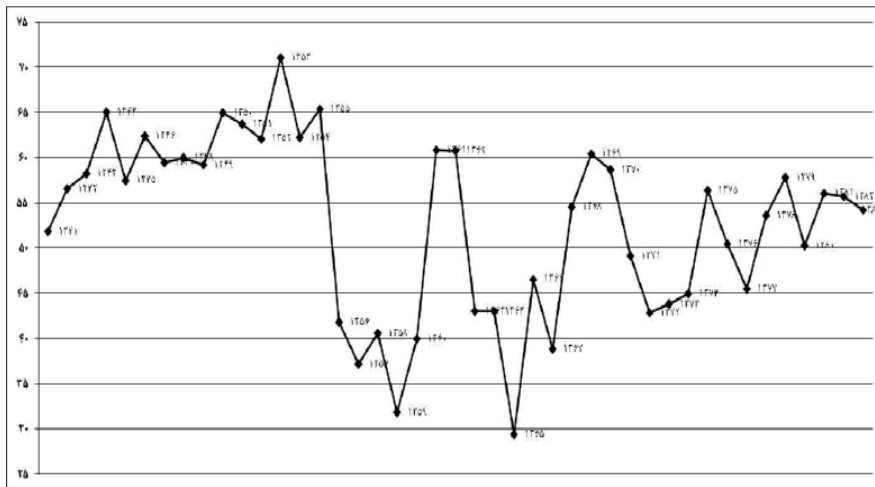
ضرایب اهمیت بخشی برای دو متغیر دیگر یعنی نرخ رشد اقتصادی و نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نیز به همین ترتیب محاسبه شده و شاخص نهایی به دست می‌آید. نمودار هریک از سه شاخص نهایی به صورت ذیل است:



نمودار ۲-۳۳ شاخص شماره (۱): امنیت اقتصادی برای سرمایه‌گذاری کل



نمودار ۲-۳۴ شاخص شماره (۲): امنیت اقتصادی برای رشد اقتصادی



نمودار ۲-۳۵ شاخص شماره (۳): امنیت اقتصادی برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی

۲-۴ تحلیل شاخص (تأثیر امنیت اقتصادی بر متغیرها)

ضریب همبستگی میان شاخص‌های محاسبه شده و هریک از سه متغیر اصلی (نرخ‌های رشد سرمایه‌گذاری کل، تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی) از یک سو درجه تأثیرپذیری این متغیرها از امنیت اقتصادی را مشخص می‌کند و از سوی دیگر، نشان می‌دهد که هرچه ضرایب همبستگی بالاتر باشد، شاخص محاسبه شده تقریباً بهتری از وضع امنیت اقتصادی در جامعه است.

جدول ۲-۴۰ ضرایب همبستگی بین شاخص‌های محاسبه شده و متغیرهای سه‌گانه اصلی

ردیف	موضوع	شاخص شماره (۱)	شاخص شماره (۲)	شاخص شماره (۳)	نرخ رشد سرمایه‌گذاری	نرخ رشد تولید ناخالص داخلی	نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی
۱	شاخص شماره (۱)	۱	۰/۸۳	۰/۸۱	۰/۷۷	۰/۶۰	۰/۴۲
۲	شاخص شماره (۲)		۱	۰/۹۸	۰/۹۱	۰/۷۵	۰/۶۱
۳	شاخص شماره (۳)			۱	۰/۹۳	۰/۷۹	۰/۶۱

جدول ۴-۲ ضرایب همبستگی بین شاخص‌های محاسبه شده و متغیرهای سه‌گانه اصلی

ردیف	موضوع	شاخص شماره (۱)	شاخص شماره (۲)	شاخص شماره (۳)	نرخ رشد سرمایه‌گذاری	نرخ رشد تولید ناخالص داخلی	نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی
۴	نرخ رشد سرمایه‌گذاری				۱	۰/۶۹	۰/۵۰
۵	نرخ رشد تولید ناخالص داخلی					۱	۰/۸۳
۶	نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی						۱

براساس جدول فوق، در مورد شاخص شماره (۱) که براساس سیستم‌های خودرگرسیون برداری مربوط به متغیر نرخ رشد سرمایه‌گذاری کل ساخته شده، ضریب همبستگی با خود متغیر نرخ رشد سرمایه‌گذاری کل ۷۷ درصد و با نرخ‌های رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به ترتیب ۶۰ و ۴۲ درصد می‌باشد. شاخص شماره (۲) که براساس سیستم‌های خودرگرسیون برداری مربوط به نرخ رشد اقتصادی ساخته شده، نتایج بهتری را نسبت به شاخص اول منعکس می‌کند. همبستگی این شاخص با نرخ‌های رشد سرمایه‌گذاری کل، تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به ترتیب ۹۱، ۷۵ و ۶۱ درصد است. شاخص سوم هم که براساس سیستم‌های خودرگرسیون برداری مربوط به نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی ساخته شده، نسبت به دو شاخص مذکور، نتایج بهتری ارائه می‌کند. ضریب همبستگی این شاخص با نرخ‌های رشد سرمایه‌گذاری کل، تولید ناخالص داخلی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به ترتیب ۹۳، ۷۹ و ۶۱ درصد می‌باشد.

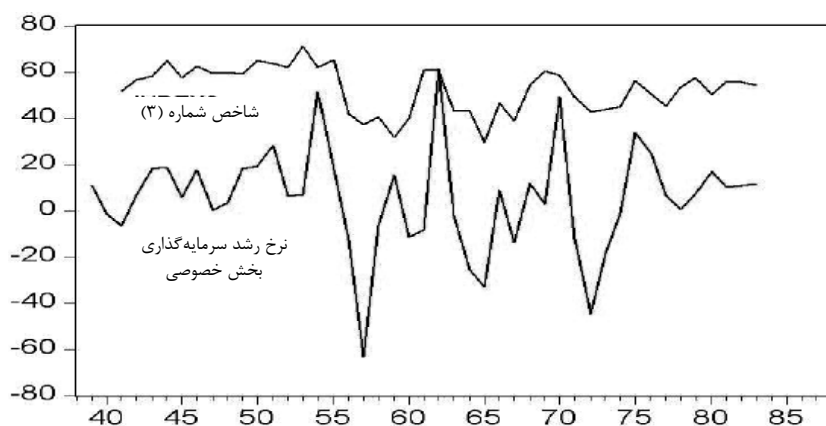
نمودارهای ذیل روند تغییرات زمانی شاخص شماره (۳) را در برابر هریک از متغیرهای سه‌گانه نشان می‌دهند.



نمودار ۲-۳۶ شاخص شماره (۳) و نرخ رشد سرمایه‌گذاری کل



نمودار ۲-۳۷ شاخص شماره (۳) و نرخ رشد تولید ناخالص داخلی



نمودار ۲-۳۸ شاخص شماره (۳) و نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی

همان‌طور که مشاهده می‌شود ضرایب همبستگی در سطوح قابل قبولی قرار داشته و روند تغییرات شاخص با روند تغییرات متغیرهای سه‌گانه هماهنگی زیادی دارد. هرچند ضریب همبستگی نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی با شاخص ساخته شده، پایین‌تر از دو متغیر دیگر است، ولی روند تغییرات هم‌نواپی زیادی با شاخص محاسبه شده دارد. از سوی دیگر، با توجه به اینکه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی تأثیرپذیری و حساسیت بیشتری نسبت به وضعیت امنیت اقتصادی دارد، تغییرات آن نیز با دامنه تغییرپذیری و نوسانات بزرگ‌تری همراه می‌باشد که در نمودار بالا به وضوح قابل تشخیص است. به‌رحال می‌توان شاخص شماره (۳) را به‌عنوان شاخصی نسبتاً مناسب که می‌تواند سطح امنیت اقتصادی را به شکلی ساده بازگو نماید معرفی کرد.

فصل سوم

بررسی دیدگاه‌های

صاحب نظران

۳-۱ جمع‌آوری داده‌ها

امنیت اقتصادی مفهومی کیفی و تا حد زیادی ذهنی بوده و برای شناسایی ابعاد مختلف آن تنها استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده ملی کافی نیست. علاوه بر این، نمی‌توان ارتباط برخی متغیرهای قانونی، قضایی و اداری با موضوع امنیت اقتصادی را از طریق کندوکاو در آمارهای کلی بررسی کرد. در این‌گونه موارد، استفاده از اطلاعات پرسش‌نامه‌ای منبع مناسبی برای تحلیل وضعیت امنیت اقتصادی و ارائه راهکارهایی برای بهبود آن محسوب می‌شود. به همین منظور از طریق طراحی و تکمیل یک پرسش‌نامه کوشش شده تا نظر افراد متخصص و صاحب‌نظر در این زمینه جمع‌آوری شده و مورد تحلیل قرار گیرد.

برای تکمیل پرسش‌نامه، افرادی از گروه‌های زیر انتخاب شدند:

۱. مدیران بخش دولتی (شامل وزارتخانه‌ها و سازمان‌های اقتصادی دولت)،
۲. نمایندگان مجلس شورای اسلامی،
۳. مدیران بخش خصوصی،
۴. اساتید دانشگاه (صاحب‌نظر در موضوع)،
۵. مدیران قوه قضائیه و وزارت دادگستری،
۶. کارشناسان صاحب‌نظر در مراکز پژوهشی و اجرایی.

از هر یک از گروه‌های یاد شده حدود بیست نفر انتخاب شده و پرسش‌نامه‌ها در اختیار آن‌ها قرار گرفت. حدود نیمی از افراد مذکور پرسش‌نامه‌ها را تکمیل کرده و عودت دادند. پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها، نتایج آن استخراج شده و مورد تحلیل قرار گرفت که نتایج نهایی در بخش ۲-۴ آمده است.

۳-۲ هدف و چارچوب پرسش‌نامه

هدف از استفاده از سازوکار طراحی پرسش‌نامه در بررسی حاضر، اخذ دیدگاه صاحب‌نظران و فعالان اقتصادی در مورد امنیت اقتصادی و به طور اخص، عوامل تأثیرگذار و تأثیرپذیر از آن بوده است. در واقع پس از اینکه با مینا قرار دادن تعریف ارائه شده از امنیت اقتصادی و براساس بررسی مطالعات گذشته طیف وسیعی از متغیرهای تأثیرگذار و تأثیرپذیر از امنیت اقتصادی مشخص شد، اکنون این سؤال مطرح می‌شود که از میان این عوامل در شرایط فعلی کشور و با توجه به ساختارهای اقتصادی و اجتماعی آن، کدامیک از این عوامل از اهمیت بیش‌تری برخوردار است. از سوی دیگر، از آنجا که نتایج این بررسی باید بتواند مبنای درستی در این زمینه به دست دهد، لازم است یک دسته‌بندی و اولویت‌بندی کلی از عوامل معرفی شده در این بررسی صورت گیرد. بنابراین، هدف کلی از طراحی پرسش‌نامه، تعیین اولویت و درجه اهمیت هریک از عوامل مختلف تأثیرگذار و تأثیر پذیر از امنیت اقتصادی بوده است.

برای طراحی پرسش‌نامه ابتدا براساس مباحث نظری، فهرستی از متغیرهای مهم تأثیرگذار و تأثیرپذیر از امنیت اقتصادی تهیه شد. در تعیین این متغیرها از نظرات کارشناسی تعدادی از صاحب‌نظران استفاده شده است. در مرحله بعد، هریک از این متغیرها در قالب یک پرسش (در مورد نحوه تأثیرگذاری یا تأثیرپذیری از امنیت اقتصادی) مطرح شده و مجموعه این پرسش‌ها به صورت منظم و دسته‌بندی شده در قالب یک پرسش‌نامه طراحی گردید. برای اطلاع از شکل و محتوای پرسش‌نامه و پرسش‌های آن، نمونه خام پرسش‌نامه در پیوست کتاب آمده است.

پرسش‌های این پرسش‌نامه به سه دسته اصلی تقسیم شده است:

۱. پرسش‌های مربوط به متغیرهای تأثیرگذار بر امنیت اقتصادی که خود به چهار گروه متغیرهای کلان اقتصادی، متغیرهای مالی، متغیرهای قضایی و متغیرهای قانونی و اداری تقسیم شده است.

۲. پرسش‌های مربوط به متغیرهای تأثیرپذیر از امنیت اقتصادی که خود به دو گروه متغیرهای با تأثیرپذیری مثبت و متغیرهای با تأثیرپذیری منفی تقسیم شده است.

۳. پرسش‌های مربوط به حوزه قوانین و مقررات که خود به دو گروه تقسیم شده است:

- پرسش‌هایی درباره درجه تناسب و کارآمدی قوانین موجود در تأمین و افزایش امنیت اقتصادی،

- پرسش‌هایی در مورد ضعف‌های موجود در قوانین از حیث محتوا یا نحوه اجرا. برای پاسخ هریک از پرسش‌های پرسش‌نامه (به استثنای پرسش‌های مربوط به ضعف قانون در دسته سوم)، شش گزینه خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، خیلی کم و نظری ندارم، شدت ارتباط بین متغیرها با امنیت اقتصادی را از نگاه پاسخ‌گویان نشان می‌دهد. پس از تکمیل پرسش‌نامه‌ها و بررسی آماری آن‌ها می‌توان تقریبی از درجه اهمیت هریک از متغیرهای مورد پرسش در ارتباط با امنیت اقتصادی را از نظر پاسخ‌گویان به دست آورد.

۳-۳ نتایج حاصل از پرسش‌نامه‌ها

نتایج حاصل از پرسش‌نامه‌ها براساس درصد پاسخ‌های ارائه شده به گزینه‌ها در جدول‌های ذیل آمده است:

جدول ۳-۱ فراوانی پاسخ‌های ارائه شده درباره تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر

امنیت اقتصادی

ردیف	پرسش‌ها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	نظری ندارم
۱	افزایش نرخ تورم تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۲۱/۲	۵۱/۵	۲۷/۳	۰	۰	۰
۲	نوسانات زیاد نرخ تورم تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۳۰/۳	۳۹/۴	۳۰/۳	۰	۰	۰
۳	افزایش نرخ بیکاری تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۱۲/۱	۲۴/۲	۵۱/۵	۹/۱	۰	۳/۰
۴	افزایش کسری بودجه دولت تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۱۵/۲	۳۰/۳	۳۹/۴	۱۵/۲	۰	۰

جدول ۳-۱ فراوانی پاسخ‌های ارائه شده درباره تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر امنیت اقتصادی

ردیف	پرسش‌ها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	نظری ندارم
۵	تشدید کسری تراز پرداخت‌ها تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۲۴/۲	۲۷/۳	۳۹/۴	۶/۱	۰	۳/۰
۶	شوک‌های نفتی به شکل کاهش قیمت نفت خام تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۹/۱	۳۶/۴	۲۷/۳	۲۴/۲	۰	۳/۰
۷	کاهش ارزش پول ملی (ریال) تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۱۸/۲	۳۳/۳	۴۲/۴	۶/۱	۰	۰
۸	نرخ‌های بالای مالیات تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۳/۰	۲۴/۲	۴۲/۴	۲۱/۲	۶/۱	۳/۰
۹	افزایش افرادی که زیر خط فقر قرار دارند تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۱۸/۲	۳۳/۳	۳۰/۳	۱۲/۱	۳/۰	۳/۰
۱۰	تشدید اختلاف نرخ سود رسمی و غیررسمی تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۹/۱	۴۸/۵	۳۶/۴	۶/۱	۰	۰
۱۱	افزایش بدهی‌های خارجی دولت تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۱۵/۲	۳۰/۳	۵۱/۵	۳/۰	۰	۰
۱۲	افزایش سطح درآمد ملی تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۲۱/۲	۵۴/۵	۱۵/۲	۹/۱	۰	۰
۱۳	ثبات درآمدی دولت تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۲۱/۲	۴۲/۴	۳۳/۳	۳/۰	۰	۰

جدول ۳-۱ فراوانی پاسخ‌های ارائه شده درباره تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر امنیت اقتصادی

ردیف	پرسش‌ها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	نظری ندارم
۱۴	شوک‌های نفتی به شکل افزایش قیمت نفت خام تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۶/۱	۲۷/۳	۳۹/۴	۲۴/۲	۳/۰	۰
۱۵	کاهش نرخ سود بانکی تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۳/۰	۳۹/۴	۳۶/۴	۱۵/۲	۳/۰	۳/۰
۱۶	افزایش صادرات غیرنفتی تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۲۷/۳	۴۵/۵	۲۱/۲	۳/۰	۰	۳/۰
۱۷	افزایش دارایی‌های بانک مرکزی تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۱۸/۲	۵۱/۵	۱۵/۲	۳/۰	۳/۰	۹/۱

جدول ۳-۲ فراوانی پاسخ‌های ارائه شده درباره تأثیر متغیرهای مالی بر امنیت اقتصادی

ردیف	پرسش‌ها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	نظری ندارم
۱	توسعه بازاری پول و اعتبارات تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۲۲/۹	۴۲/۹	۲۵/۷	۲/۹	۰	۵/۷
۲	توسعه بازار سرمایه تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۲۰/۰	۴۸/۶	۱۷/۱	۵/۷	۰	۸/۶
۳	گسترش پوشش صنعت بیمه تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۳۱/۴	۲۰/۰	۴۲/۹	۲/۹	۲/۹	۰
۴	توسعه ضمانت‌نامه‌های صادراتی تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۲۰/۰	۳۴/۳	۲۸/۶	۱۴/۳	۰	۲/۹

جدول ۲-۳ فراوانی پاسخ‌های ارائه شده درباره تأثیر متغیرهای مالی بر امنیت اقتصادی

ردیف	پرسش‌ها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	نظری ندارم
۵	تأمین مالی صادرات تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۱۱/۴	۳۴/۳	۴۰/۰	۲/۹	۲/۹	۸/۶
۶	افزایش کیفیت سرمایه بانک‌ها و مؤسسات مالی تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۱۱/۴	۴۰/۰	۲۲/۹	۱۱/۴	۲/۹	۱۱/۴

جدول ۳-۳ فراوانی پاسخ‌های ارائه شده درباره تأثیر متغیرهای قضایی بر امنیت اقتصادی

ردیف	پرسش‌ها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	نظری ندارم
۱	مصادره و توقیف اموال تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۴۲/۹	۳۱/۴	۱۷/۱	۵/۷	۰	۲/۹
۲	ملی شدن سرمایه‌گذاری‌ها تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۴۵/۷	۳۴/۳	۸/۶	۲/۹	۵/۷	۲/۹
۳	سوءاستفاده از ابزارهای پرداخت نظیر چک تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۳۴/۳	۳۱/۴	۲۵/۷	۰	۰	۸/۶
۴	مفاسد اقتصادی نظیر ارتشاء، رانت خواری و اختلاس تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۳۴/۳	۴۲/۹	۱۱/۴	۸/۶	۲/۹	۰
۵	شدت برخورد دستگاه قضایی با مفاسد اقتصادی تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۳۱/۴	۳۴/۳	۲۰	۸/۶	۰	۵/۷

جدول ۳-۳ فراوانی پاسخ‌های ارائه شده درباره تأثیر متغیرهای قضایی بر امنیت اقتصادی

ردیف	پرسش‌ها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	نظری ندارم
۶	افزایش نظارت سازمان بازرسی کشور بر دستگاه‌های اجرایی تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۲۵/۷	۳۷/۱	۲۲/۹	۸/۶	۲/۹	۲/۹
۷	افزایش سرعت رسیدگی به دعاوی تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۲۲/۹	۳۴/۳	۲۵/۷	۱۴/۳	۰	۲/۹
۸	رعایت قانون و عدالت در دستگاه قضایی تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۲۵/۷	۴۰	۲۲/۹	۵/۷	۲/۹	۲/۹
۹	شدت مجازات مفسدان اقتصادی و محکومان مالی تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۲۵/۷	۲۸/۶	۲۲/۹	۱۴/۳	۲/۹	۵/۷
۱۰	قاطعیت دستگاه قضایی در اجرای احکام تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۲۲/۹	۳۷/۱	۲۵/۷	۸/۶	۲/۹	۲/۹

جدول ۳-۴ فراوانی پاسخ‌های ارائه شده در مورد تأثیر متغیرهای قانونی و اداری بر امنیت اقتصادی

ردیف	پرسش‌ها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	نظری ندارم
۱	شفافیت قوانین و مقررات تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۴۸/۶	۳۷/۱	۸/۶	۵/۷	۰	۰
۲	تصویب و اجرای قوانین حمایت از مالکیت‌های مادی و معنوی تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۴۲/۹	۳۷/۱	۱۴/۳	۵/۷	۰	۰

جدول ۳-۴ فراوانی پاسخ‌های ارائه شده در مورد تأثیر متغیرهای قانونی و اداری بر امنیت اقتصادی

ردیف	پرسش‌ها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	نظری ندارم
۳	افزایش ابطال موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای تجاری توسط دولت تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۴۲/۹	۳۱/۴	۱۷/۱	۸/۶	۰	۰
۴	افزایش اعمال تغییرات یک طرفه در موافقت‌نامه‌های تجاری توسط دولت تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۴۲/۹	۳۴/۳	۲۰	۲/۹	۰	۰
۵	افزایش بوروکراسی اداری تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۲۵/۷	۵۱/۴	۲۰	۲/۹	۰	۰
۶	فساد اداری در بخش دولتی (ارتشاء، اعمال نفوذ و ...) تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۳۴/۳	۳۷/۱	۲۰	۸/۶	۰	۰
۷	تغییرات سریع و غیرمنتظره در قوانین و مقررات تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۲۲/۹	۴۸/۶	۲۰	۵/۷	۰	۲/۹
۸	تغییرات متعدد نظام ارزی کشور تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۲۰	۵۱/۴	۱۱/۴	۸/۶	۵/۷	۲/۹
۹	عدم ثبات نرخ‌های مالیات در طی دوره سرمایه‌گذاری تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۸/۶	۵۷/۱	۲۰	۸/۶	۲/۹	۲/۹

جدول ۳-۵ فراوانی پاسخ‌های ارائه شده در مورد تأثیر امنیت اقتصادی بر متغیرهای اقتصادی (تأثیرگذاری مثبت)

ردیف	پرسش‌ها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	نظری ندارم
۱	افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه باعث افزایش رشد اقتصادی می‌شود؟	۴۵/۷	۴۰	۱۴/۳	۰	۰	۰
۲	افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه باعث افزایش پایداری رشد اقتصادی می‌شود؟	۴۰	۴۲/۹	۱۷/۱	۰	۰	۰
۳	افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه باعث افزایش رشد سرمایه‌گذاری می‌شود؟	۵۱/۴	۳۷/۱	۸/۶	۲/۹	۰	۰
۴	افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه باعث افزایش حجم تأمین مالی انجام شده توسط بانک‌ها می‌شود؟	۱۷/۱	۵۴/۳	۱۴/۳	۱۱/۴	۲/۹	۰
۵	افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه باعث افزایش حجم تأمین سرمایه در بورس اوراق بهادار می‌شود؟	۲۵/۷	۴۵/۷	۲۵/۷	۰	۰	۲/۹
۶	افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه باعث افزایش بهره‌وری عامل سرمایه می‌شود؟	۲۰	۴۰	۲۵/۷	۸/۶	۰	۵/۷
۷	افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه باعث افزایش بهره‌وری عامل کار می‌شود؟	۱۴/۳	۵۱/۴	۱۴/۳	۱۱/۴	۰	۸/۶

جدول ۳-۶ فراوانی پاسخ‌های ارائه شده در مورد تأثیر امنیت اقتصادی بر متغیرهای اقتصادی (تأثیرگذاری منفی)

ردیف	پرسش‌ها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	نظری ندارم
۱	افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه باعث کاهش نوسانات سرمایه‌گذاری می‌شود؟	۱۷/۱	۶۰	۸/۶	۵/۷	۵/۷	۲/۹
۲	افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه باعث کاهش عدم اطمینان نسبت به آینده می‌شود؟	۲۵/۷	۵۱/۴	۸/۶	۵/۷	۵/۷	۲/۹
۳	افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه باعث کاهش ریسک‌های ورشکستگی و عدم ایفای تعهدات می‌شود؟	۱۷/۱	۵۷/۱	۲۰	۰	۲/۹	۲/۹
۴	افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه باعث کاهش میزان حق بیمه فعالیت‌های مختلف اقتصادی می‌شود؟	۱۱/۴	۲۲/۹	۴۲/۹	۱/۴	۲/۹	۸/۶
۵	افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه باعث کاهش حجم ذخایر انبار بنگاه‌های تولیدی می‌شود؟	۲۲/۹	۳۴/۳	۲۵/۷	۸/۶	۲/۹	۵/۷
۶	افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه باعث کاهش حجم ذخایر احتیاطی بخش مالی می‌شود؟	۱۴/۳	۳۴/۳	۳۷/۱	۲/۹	۵/۷	۵/۷

جدول ۳-۷ فراوانی پاسخ‌های ارائه شده در مورد درجه تناسب و کارآمدی قوانین و مقررات در تأمین و افزایش امنیت اقتصادی

ردیف	پرسش: درجه تناسب و کارآمدی هر یک از قوانین و مقررات ذیل را در تأمین و افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	نظری ندارم
۱	درجه تناسب و کارآمدی قانون کار را در تأمین و افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟	۸/۸	۱۷/۶	۲۳/۵	۲۶/۵	۱۱/۸	۱۱/۸
۲	درجه تناسب و کارآمدی قوانین تأمین اجتماعی را در تأمین و افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟	۵/۹	۲۶/۵	۳۲/۴	۲۰/۶	۵/۹	۸/۸
۳	درجه تناسب و کارآمدی قانون بیمه بیکاری را در تأمین و افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟	۲/۹	۲۹/۴	۳۲/۴	۲۰/۶	۸/۸	۵/۹
۴	درجه تناسب و کارآمدی قوانین تجارت را در تأمین و افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟	۱۷/۶	۲۰/۶	۴۴/۱	۵/۹	۸/۸	۲/۹
۵	درجه تناسب و کارآمدی قوانین تجارت خارجی را در تأمین و افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟	۱۷/۶	۲۹/۴	۲۳/۵	۲۶/۵	۲/۹	۰
۶	درجه تناسب و کارآمدی مقررات صادرات و واردات را در تأمین و افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟	۱۱/۸	۳۸/۲	۲۳/۵	۲۰/۶	۵/۹	۰

جدول ۳-۷ فراوانی پاسخ‌های ارائه شده در مورد درجه تناسب و کارآمدی قوانین و مقررات در تأمین و افزایش امنیت اقتصادی

ردیف	پرسش: درجه تناسب و کارآمدی هر یک از قوانین و مقررات ذیل را در تأمین و افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	نظری ندارم
۷	درجه تناسب و کارآمدی مقررات مبادله ارز خارجی را در تأمین و افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟	۸/۸	۲۹/۴	۲۹/۴	۱۷/۶	۵/۹	۸/۸
۸	درجه تناسب و کارآمدی مقررات گمرکی را در تأمین و افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟	۸/۸	۲۶/۵	۳۲/۴	۱۴/۷	۱۱/۸	۵/۹
۹	درجه تناسب و کارآمدی مقررات ایمنی و استاندارد کالا را در تأمین و افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟	۸/۸	۲۹/۴	۲۶/۵	۲۳/۵	۸/۸	۲/۹
۱۰	درجه تناسب و کارآمدی قوانین حمایت از تولید و سرمایه‌گذاری را در تأمین و افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟	۲۰/۶	۲۶/۵	۲۶/۵	۱۱/۸	۸/۸	۵/۹
۱۱	درجه تناسب و کارآمدی قوانین حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی را در تأمین و افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟	۲۶/۵	۲۶/۵	۲۰/۶	۲/۹	۱۷/۶	۵/۹
۱۲	درجه تناسب و کارآمدی قوانین و مقررات مالیاتی را در تأمین و افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟	۲/۹	۲۹/۴	۲۶/۵	۱۴/۷	۲۰/۶	۵/۹

جدول ۳-۸ فراوانی پاسخ‌های ارائه شده در مورد ضعف‌های موجود در حوزه قوانین و مقررات

ردیف	پرسش: ضعف‌های احتمالی هر یک از قوانین مقابل در زمینه تأمین امنیت اقتصادی را در کدام حوزه می‌دانید؟	محتوای قانون	نحوه اجرا	هر دو	سایر	نظری ندارم
۱	ضعف‌های قانون کار را در کدام حوزه می‌دانید؟	۳۴/۵	۱۳/۸	۲۴/۱	۰	۲۷/۶
۲	ضعف‌های قوانین تأمین اجتماعی را در کدام حوزه می‌دانید؟	۲۲/۲	۴۴/۴	۱۴/۸	۰	۱۸/۵
۳	ضعف‌های قانون بیمه بیکاری را در کدام حوزه می‌دانید؟	۳۳/۳	۱۸/۵	۲۲/۲	۳/۷	۲۲/۲
۴	ضعف‌های قوانین تجارت را در کدام حوزه می‌دانید؟	۴۴/۴	۳۷/۰	۱۴/۸	۳/۷	۰
۵	ضعف‌های قوانین تجارت خارجی را در کدام حوزه می‌دانید؟	۴۲/۳	۲۳/۱	۲۳/۱	۰	۱۱/۵
۶	ضعف‌های مقررات صادرات و واردات را در کدام حوزه می‌دانید؟	۴۴/۴	۴۰/۷	۱۱/۱	۰	۳/۷
۷	ضعف‌های مقررات مبادله ارز خارجی را در کدام حوزه می‌دانید؟	۲۳/۱	۲۳/۱	۲۳/۱	۱۱/۵	۱۹/۲
۸	ضعف‌های مقررات گمرکی را در کدام حوزه می‌دانید؟	۱۸/۵	۴۰/۷	۲۹/۶	۰	۱۱/۱
۹	ضعف‌های مقررات ایمنی و استاندارد کالا را در کدام حوزه می‌دانید؟	۲۲/۲	۵۱/۹	۱۸/۵	۰	۷/۴
۱۰	ضعف‌های قوانین حمایت از تولید و سرمایه‌گذاری را در کدام حوزه می‌دانید؟	۳۷/۰	۲۲/۲	۲۹/۶	۰	۱۱/۱

جدول ۳-۸ فراوانی پاسخ‌های ارائه شده در مورد ضعف‌های موجود در حوزه قوانین و مقررات

ردیف	پرسش: ضعف‌های احتمالی هریک از قوانین مقابل در زمینه تأمین امنیت اقتصادی را در کدام حوزه می‌دانید؟	محتوای قانون	نحوه اجرا	هر دو	سایر	نظری ندارم
۱۱	ضعف‌های قوانین حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی را در کدام حوزه می‌دانید؟	۳۸/۵	۳۴/۶	۱۵/۴	۰	۱۱/۵
۱۲	ضعف‌های قوانین و مقررات مالیاتی را در کدام حوزه می‌دانید؟	۷/۱	۵۰	۲۸/۶	۰	۱۴/۳

هریک از این جدول‌ها، فراوانی پاسخ‌های ارائه شده به هر پرسش را در مورد هر گزینه نشان داده و درجه اهمیت هریک از پرسش‌ها (متغیرها) را در رابطه با امنیت اقتصادی بیان می‌کند. در واقع هدف این است که نتایج به نحوی بیان شود که بتوان درجه اهمیت هر متغیر را با امنیت اقتصادی تشخیص داد. برای این منظور از روش نمره‌دهی برای رتبه‌بندی متغیرها در هر دسته استفاده شده است. برای هفت گروه اول که پاسخ‌ها به شکل گزینه‌های خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، خیلی کم و نظری ندارم تعیین شده، امتیاز صفر برای گزینه‌های نظری ندارم، امتیاز یک برای گزینه خیلی کم، امتیاز دو برای گزینه کم، امتیاز سه برای گزینه متوسط، امتیاز چهار برای گزینه زیاد و امتیاز پنج برای گزینه خیلی زیاد در نظر گرفته شده است. سپس این امتیازات به‌عنوان وزن هریک از درصدهای فراوانی مربوطه لحاظ شده و پس از به دست آمدن میانگین وزنی برای هر پرسش، این میانگین به‌عنوان امتیاز آن متغیر لحاظ شده است. در مرحله بعد متغیرها (پرسش‌ها)ی هر دسته بر حسب امتیازهای حاصل رتبه‌بندی شده که نتایج آن در جداول ذیل منعکس گردیده است.

جدول ۹-۳ رتبه‌بندی اهمیت متغیرهای کلان اقتصادی در امنیت اقتصادی

رتبه	پرسش‌ها	امتیاز
۱	نوسانات زیاد نرخ تورم تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۸۰/۰
۲	افزایش نرخ تورم تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۷۸/۸
۳	افزایش سطح درآمد ملی تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۷۷/۶
۴	افزایش صادرات غیرنفتی تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۷۷/۶
۵	ثبات درآمدی دولت تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۷۶/۴
۶	کاهش ارزش پول ملی (ریال) تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۷۲/۷
۷	تشدید کسری ترازپرداخت‌ها تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۷۲/۱
۸	تشدید اختلاف نرخ سود رسمی و غیررسمی تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۷۲/۱
۹	افزایش بدهی‌های خارجی دولت تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۷۱/۵
۱۰	افزایش دارایی‌های بانک مرکزی تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۷۰/۳
۱۱	افزایش کسری بودجه دولت تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۶۹/۱
۱۲	افزایش افرادی که زیر خط فقر قرار دارند تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۶۸/۵
۱۳	افزایش نرخ بیکاری تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۶۶/۱
۱۴	شوک‌های نفتی به شکل کاهش قیمت نفت خام تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۶۴/۲
۱۵	کاهش نرخ سود بانکی تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۶۳/۰
۱۶	شوک‌های نفتی به شکل افزایش قیمت نفت خام تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۶۱/۸
۱۷	نرخ‌های بالای مالیات تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۵۷/۶

نتایج جدول بالا حاکی از آن است که به عقیده پاسخ‌گویان، نوسانات نرخ تورم، افزایش نرخ تورم، افزایش سطح درآمد ملی و صادرات غیرنفتی مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر امنیت اقتصادی به شمار رفته و متغیرهایی چون ثبات درآمدی دولت، کاهش ارزش پول ملی و تشدید کسری تراز پرداخت‌ها در مراتب بعدی قرار دارند. در مقابل، متغیرهایی نظیر شوک‌های افزایشی قیمت نفت خام و نرخ‌های مالیات، تأثیر کم‌تری بر امنیت اقتصادی دارند.

جدول ۱۰-۳ رتبه‌بندی اهمیت متغیرهای مالی در امنیت اقتصادی

رتبه	پرسش‌ها	امتیاز
۱	گسترش پوشش صنعت بیمه تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۷۴/۹
۲	توسعه بازار پول و اعتبارات تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۷۳/۷
۳	توسعه بازار سرمایه تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۷۱/۴
۴	توسعه ضمانت‌نامه‌های صادراتی تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۷۰/۳
۵	تأمین مالی صادرات تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۶۴/۶
۶	افزایش کفایت سرمایه بانک‌ها و مؤسسات مالی تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۶۲/۳

نتایج جدول یاد شده نشان می‌دهد که از نظر پاسخ‌گویان، توسعه بازارهای بیمه، پول و اعتبارات و سرمایه به ترتیب از اهمیت بیش‌تری در تأمین فضای امن اقتصادی برخوردارند.

جدول ۱۱-۳ رتبه‌بندی اهمیت متغیرهای قضایی در امنیت اقتصادی

رتبه	پرسش‌ها	امتیاز
۱	مصادره و توقیف اموال تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۸۰/۶
۲	ملی شدن سرمایه‌گذاری‌ها تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۸۰/۶
۳	مفاسد اقتصادی نظیر ارتشاء، رانت‌خواری و اختلاس تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۷۹/۴

جدول ۳-۱۱ رتبه‌بندی اهمیت متغیرهای قضایی در امنیت اقتصادی

رتبه	پرسش‌ها	امتیاز
۴	سوءاستفاده از ابزارهای پرداخت نظیر چک تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۷۴/۹
۵	قاطعیت دستگاه قضایی در اجرای احکام تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۷۴/۳
۶	رعایت قانون و عدالت در دستگاه قضایی تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۷۴/۳
۷	افزایش نظارت سازمان بازرسی کشور بر دستگاه‌های اجرایی تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۷۳/۱
۸	شدت برخورد دستگاه قضایی با مفسد اقتصادی تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۷۲/۰
۹	افزایش سرعت رسیدگی به دعاوی تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۷۱/۴
۱۰	شدت مجازات مفسدان اقتصادی و محکومان مالی تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۶۸/۶

جدول ۳-۱۲ رتبه‌بندی اهمیت متغیرهای قانونی و اداری در امنیت اقتصادی

رتبه	پرسش‌ها	امتیاز
۱	شفافیت قوانین و مقررات تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۸۵/۷
۲	تصویب و اجرای قوانین حمایت از مالکیت‌های مادی و معنوی تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۸۳/۴
۳	افزایش اعمال تغییرات یک طرفه در موافقت‌نامه‌های تجاری توسط دولت تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۸۳/۴
۴	افزایش ابطال موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای تجاری توسط دولت تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۸۱/۷
۵	افزایش بوروکراسی اداری تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۸۰/۰
۶	فساد اداری در بخش دولتی (ارتشاء، اعمال نفوذ و ...) تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۷۹/۴

جدول ۱۲-۳ رتبه‌بندی اهمیت متغیرهای قانونی و اداری در امنیت اقتصادی

رتبه	پرسش‌ها	امتیاز
۷	تغییرات سریع و غیرمنتظره در قوانین و مقررات تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۷۶/۰
۸	تغییرات متعدد نظام ارزی کشور تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۷۲/۶
۹	عدم ثبات نرخ‌های مالیات در طی دوره سرمایه‌گذاری تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟	۷۰/۳

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در بخش متغیرهای قضایی پاسخ‌گویان بر اهمیت متغیرهایی نظیر مصادره اموال، ملی شدن سرمایه‌گذاری‌ها و مفاسد اقتصادی به‌عنوان متغیرهای کاهنده امنیت اقتصادی تأکید کرده‌اند. نگاهی به پایین جدول هم نشان می‌دهد که از نظر پاسخ‌گویان شدت برخورد دستگاه قضایی با مفاسد اقتصادی و محکومان مالی و اقتصادی از اهمیت کم‌تری در این زمینه برخوردار است. در واقع این نتایج را چنین می‌توان تفسیر کرد که قاطعیت دستگاه قضایی در اجرای احکام بسیار مهم‌تر از شدت احکام بوده و عاملی که می‌تواند متخلفان اقتصادی را از ارتکاب جرائم اقتصادی باز دارد قاطعیت در اجرای قانون است نه شدت حکم صادره.

در بخش متغیرهای قانونی و اداری نیز شفافیت قوانین و مقررات به‌عنوان مهم‌ترین عامل مثبت در ارتقای سطح امنیت اقتصادی و اعمال تغییرات یک‌طرفه در موافقت‌نامه‌های تجاری به‌عنوان مهم‌ترین متغیر کاهنده سطح امنیت اقتصادی معرفی شده است. همچنین از نظر پاسخ‌گویان، عدم ثبات نرخ‌های مالیاتی تأثیر کم‌تری بر سطح امنیت اقتصادی دارد.

از نظر پاسخ‌گویان، سه متغیر رشد سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی و پایداری رشد اقتصادی بیش‌ترین تأثیر مثبت را از فضای امن اقتصادی دریافت می‌کنند. نکته جالب توجه در اینجا انطباق این نتایج با تعریف ارائه شده از امنیت اقتصادی در ابتدای کتاب حاضر است. به عبارت دیگر، نتایج جدول فوق نشان می‌دهد تعریفی که قبل از تکمیل و بررسی پرسش‌نامه‌ها به‌عنوان مبنای بررسی حاضر قرار گرفته، از طریق نتایج پرسش‌نامه‌ها

نیز تأیید می‌شود و می‌توان آن را به‌عنوان تعریف قابل قبولی از امنیت اقتصادی ارائه کرد.

جدول ۱۳-۳ رتبه‌بندی اهمیت متغیرهای تحت تأثیر (مثبت) امنیت اقتصادی

رتبه	پرسش‌ها	امتیاز
۱	افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه باعث افزایش رشد سرمایه‌گذاری می‌شود؟	۸۷/۴
۲	افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه باعث افزایش رشد اقتصادی می‌شود؟	۸۶/۳
۳	افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه باعث افزایش پایداری رشد اقتصادی می‌شود؟	۸۴/۶
۴	افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه باعث افزایش حجم تأمین سرمایه در بورس اوراق بهادار می‌شود؟	۷۷/۷
۵	افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه باعث افزایش حجم تأمین مالی انجام شده توسط بانک‌ها می‌شود؟	۷۴/۳
۶	افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه باعث افزایش بهره‌وری عامل سرمایه می‌شود؟	۷۰/۹
۷	افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه باعث افزایش بهره‌وری عامل کار می‌شود؟	۶۸/۶

رتبه‌بندی متغیرهای تحت تأثیر (منفی) امنیت اقتصادی بیانگر آن است که عدم اطمینان نسبت به آینده و احتمال ورشکستگی و عدم ایفای تعهدات، دو متغیری است که از محیط امن اقتصادی بیش‌ترین تأثیر را پذیرفته و به حداقل می‌رسد. به عبارت دیگر، ارتقای سطح امنیت اقتصادی می‌تواند سطح این دو متغیر را کاهش دهد.

جدول ۱۴-۳ رتبه‌بندی اهمیت متغیرهای تحت تأثیر (منفی) امنیت اقتصادی

رتبه	پرسش‌ها	امتیاز
۱	افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه باعث کاهش عدم اطمینان نسبت به آینده می‌شود؟	۷۵/۴
۲	افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه باعث کاهش ریسک‌های ورشکستگی و عدم ایفای تعهدات می‌شود؟	۷۵/۴
۳	افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه باعث کاهش نوسانات سرمایه‌گذاری می‌شود؟	۷۳/۷

جدول ۱۴-۳ رتبه‌بندی اهمیت متغیرهای تحت تأثیر (منفی) امنیت اقتصادی

رتبه	پرسش‌ها	امتیاز
۴	افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه باعث کاهش حجم ذخایر انبار بنگاه‌های تولیدی می‌شود؟	۶۹/۷
۵	افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه باعث کاهش حجم ذخایر احتیاطی بخش مالی می‌شود؟	۶۶/۳
۶	افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه باعث کاهش میزان حق بیمه فعالیت‌های مختلف اقتصادی می‌شود؟	۶۰/۶

جدول ۱۵-۳ رتبه‌بندی درجه تناسب و کارآمدی قوانین و مقررات در تأمین امنیت اقتصادی

رتبه	پرسش: درجه تناسب و کارآمدی هر یک از قوانین و مقررات ذیل را در تأمین و افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟	امتیاز
۱	درجه تناسب و کارآمدی قوانین تجارت خارجی را در تأمین و افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟	۶۶/۵
۲	درجه تناسب و کارآمدی مقررات صادرات و واردات را در تأمین و افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟	۶۵/۹
۳	درجه تناسب و کارآمدی قوانین تجارت را در تأمین و افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟	۶۴/۷
۴	درجه تناسب و کارآمدی قوانین حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی را در تأمین و افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟	۶۴/۷
۵	درجه تناسب و کارآمدی قوانین حمایت از تولید و سرمایه‌گذاری را در تأمین و افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟	۶۴/۱
۶	درجه تناسب و کارآمدی مقررات ایمنی و استاندارد کالا را در تأمین و افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟	۵۹/۴
۷	درجه تناسب و کارآمدی مقررات مبادله ارز خارجی را در تأمین و افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟	۵۸/۲
۸	درجه تناسب و کارآمدی مقررات گمرکی را در تأمین و افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟	۵۷/۶

جدول ۱۵-۳ رتبه‌بندی درجه تناسب و کارآمدی قوانین و مقررات در تأمین امنیت اقتصادی

رتبه	پرسش: درجه تناسب و کارآمدی هر یک از قوانین و مقررات ذیل را در تأمین و افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟	امتیاز
۹	درجه تناسب و کارآمدی قوانین تأمین اجتماعی را در تأمین و افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟	۵۵/۹
۱۰	درجه تناسب و کارآمدی قانون بیمه بیکاری را در تأمین و افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟	۵۵/۹
۱۱	درجه تناسب و کارآمدی قوانین و مقررات مالیاتی را در تأمین و افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟	۵۲/۴
۱۲	درجه تناسب و کارآمدی قانون کار را در تأمین و افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟	۵۰/۰

نتایج جدول بالا حاکی از آن است که مصاحبه‌شوندگان نقش بیش‌تری برای قوانین تجارت خارجی، تجارت، صادرات و واردات و حمایت از سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی در راستای تأمین و افزایش سطح امنیت اقتصادی قائل بوده و بر اهمیت بیش‌تر این قوانین نسبت به بقیه تأکید دارند.

درخصوص آخرین دسته از پرسش‌ها که گزینه‌های متفاوتی داشته، از روش متفاوتی برای امتیازدهی استفاده شده است. متغیرهای این دسته به دو طریق متفاوت امتیازدهی شده‌اند:

۱. مجموع درصد فراوانی پاسخ‌هایی که ضعف قانون را در حوزه محتوا یا هر دو حوزه محتوا و نحوه اجرای قانون می‌دانستند به‌عنوان امتیاز متغیر لحاظ شده و رتبه‌بندی براساس آن انجام شده است. نتایج این روش در جدول ۱۶-۳ آمده است. این نتایج نشان می‌دهد که کدام‌یک از قوانین در تجدید نظر و اصلاح محتوای قانون در راستای ارتقای سطح امنیت اقتصادی از اولویت بیش‌تری برخوردارند.

۲. مجموع درصدهای فراوانی پاسخ‌هایی که ضعف قانون را در نحوه اجرا و یا هر دو حوزه محتوا و نحوه اجرای قانون دانسته‌اند به‌عنوان امتیاز پرسش مربوطه لحاظ شده است. نتیجه این رتبه‌بندی نشان می‌دهد که کدام‌یک از قوانین در اصلاح مقررات و

ضمانت‌های اجرایی در راستای ارتقای سطح امنیت اقتصادی از اولویت بیش‌تری برخوردارند. نتایج این روش در جدول ۱۷-۳ آمده است.

جدول ۱۶-۳ نشان می‌دهد که قوانین حمایت از تولید، سرمایه‌گذاری، تجارت خارجی، تجارت و کار به ترتیب اولویت، قوانینی هستند که از نظر پاسخ‌گویان نسبت به سایر قوانین ضعف بیش‌تری در حوزه محتوای قانون داشته و در بازنگری و یا اصلاح قوانین مربوطه در راستای تأمین و ارتقای سطح امنیت اقتصادی از اولویت بیش‌تری برخوردارند.

جدول ۱۶-۳ رتبه‌بندی درجه ضعف محتوایی قوانین در تأمین امنیت اقتصادی

رتبه	پرسش: ضعف‌های احتمالی هر یک از قوانین را در ارتباط با تأمین امنیت اقتصادی در کدام حوزه می‌دانید؟ (محتوای قانون)	امتیاز
۱	ضعف‌های قوانین حمایت از تولید و سرمایه‌گذاری را در کدام حوزه می‌دانید؟	۶۶/۷
۲	ضعف‌های قوانین تجارت خارجی را در کدام حوزه می‌دانید؟	۶۵/۴
۳	ضعف‌های قوانین تجارت را در کدام حوزه می‌دانید؟	۵۹/۳
۴	ضعف‌های قانون کار را در کدام حوزه می‌دانید؟	۵۸/۶
۵	ضعف‌های قانون بیمه بیکاری را در کدام حوزه می‌دانید؟	۵۵/۶
۶	ضعف‌های مقررات صادرات و واردات را در کدام حوزه می‌دانید؟	۵۵/۶
۷	ضعف‌های قوانین حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی را در کدام حوزه می‌دانید؟	۵۳/۸
۸	ضعف‌های مقررات گمرکی را در کدام حوزه می‌دانید؟	۴۸/۱
۹	ضعف‌های مقررات مبادله ارز خارجی را در کدام حوزه می‌دانید؟	۴۶/۲
۱۰	ضعف‌های مقررات ایمنی و استاندارد کالا را در کدام حوزه می‌دانید؟	۴۰/۷
۱۱	ضعف‌های قوانین تأمین اجتماعی را در کدام حوزه می‌دانید؟	۳۷/۰
۱۲	ضعف‌های قوانین و مقررات مالیاتی را در کدام حوزه می‌دانید؟	۳۵/۷

نتایج جدول ۱۷-۳ نیز نشان می‌دهد که از نظر مصاحبه‌شوندگان، قوانین و مقررات مالیاتی، ایمنی و استاندارد کالا و مقررات گمرکی، قوانینی هستند که نسبت به بقیه قوانین

در نحوه اجرا مشکلات و ضعف‌های بیش‌تری داشته و تجدید نظر در سازوکارهای اجرایی این قوانین و یا تصویب مقررات جدید برای اصلاح نحوه اجرای آن‌ها (در صورت لزوم) در راستای تقویت امنیت اقتصادی از اولویت بیش‌تری برخوردار است.

جدول ۱۷-۳ رتبه‌بندی درجه ضعف اجرای قوانین در تأمین امنیت اقتصادی

رتبه	پرسش: ضعف‌های احتمالی هریک از قوانین را در ارتباط با تأمین امنیت اقتصادی در کدام حوزه می‌دانید؟ (اجرای قانون)	امتیاز
۱	ضعف‌های قوانین و مقررات مالیاتی را در کدام حوزه می‌دانید؟	۷۸/۶
۲	ضعف‌های مقررات گمرکی را در کدام حوزه می‌دانید؟	۷۰/۴
۳	ضعف‌های مقررات ایمنی و استاندارد کالا را در کدام حوزه می‌دانید؟	۷۰/۴
۴	ضعف‌های قوانین تأمین اجتماعی را در کدام حوزه می‌دانید؟	۵۹/۳
۵	ضعف‌های قوانین تجارت را در کدام حوزه می‌دانید؟	۵۱/۹
۶	ضعف‌های مقررات صادرات و واردات را در کدام حوزه می‌دانید؟	۵۱/۹
۷	ضعف‌های قوانین حمایت از تولید و سرمایه‌گذاری را در کدام حوزه می‌دانید؟	۵۱/۹
۸	ضعف‌های قوانین حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی را در کدام حوزه می‌دانید؟	۵۰/۰
۹	ضعف‌های قوانین تجارت خارجی را در کدام حوزه می‌دانید؟	۴۶/۲
۱۰	ضعف‌های مقررات مبادله ارز خارجی را در کدام حوزه می‌دانید؟	۴۶/۲
۱۱	ضعف‌های قانون بیمه بیکاری را در کدام حوزه می‌دانید؟	۴۰/۷
۱۲	ضعف‌های قانون کار را در کدام حوزه می‌دانید؟	۳۷/۹

فصل چهارم

جمع بندی و نتیجه

۴-۱ مرور مطالب پیشین

امنیت اقتصادی همواره به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد امنیت ملی مورد توجه سیاست‌گذاران بوده است. به‌طور کلی چهار حوزه اصلی (متصور) برای امنیت ملی عبارت است از: امنیت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی-فرهنگی و نظامی. روند جهانی شدن، گسترش تجارت بین‌الملل و افزایش جریان بین‌المللی سرمایه‌ها، مهم‌ترین عواملی به شمار می‌رود که امنیت اقتصادی را در صدر توجهات امنیتی قرار داده است، به‌گونه‌ای که فراهم کردن بسترهای مناسب برای حمایت از سرمایه‌گذاران داخلی و جذب سرمایه‌های خارجی بدون وجود امنیت اقتصادی میسر نیست.

امنیت اقتصادی دارای ابعاد و مفاهیم گسترده‌ای بوده و شاخص‌های متفاوتی از آن مورد توجه هریک از گروه‌های فعالان اقتصادی قرار دارد. نحوه نگرش این کتاب به موضوع امنیت اقتصادی هم نگرشی کلان بوده و از این‌رو در آن رویکردی جامع درباره امنیت اقتصادی تعریف و شاخص‌سازی شده است. بر این اساس تعریف امنیت اقتصادی عبارت است از:

چارچوبی متشکل از نهادهای کارآمد (مالی، قضایی، اداری و اجتماعی)، قوانین و مقررات شفاف و باثبات و سیاست‌گذاری مناسب دولت که بستر لازم را برای رشد پایدار اقتصادی، توسعه سرمایه‌گذاری و کاهش نگرانی و عدم اطمینان نسبت به آینده تا سطح قابل تحمل برای فعالان اقتصادی فراهم می‌کند.

حصول امنیت اقتصادی تا حد زیادی وابسته به کارآمدی و عملکرد صحیح نهادهای جامعه است. به‌طور کلی می‌توان نهادهای مرتبط با بحث امنیت اقتصادی را به چهار گروه زیر تقسیم کرد:

۱. نهادهای مالی: بانکها و مؤسسات مالی، بازار سرمایه، صنعت بیمه و نهادهای ناظر مالی،
۲. نهادهای قضایی: قوه قضائیه، وزارت دادگستری و نیروی انتظامی،
۳. نهادهای اداری: وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و ادارات دولتی،
۴. نهادهای اجتماعی: مجالس قانون‌گذاری، اتحادیه‌ها، اصناف، اتاق‌های بازرگانی و احزاب سیاسی.

نحوه عملکرد و سطح کارایی هریک از این گروه‌ها تأثیر فراوانی بر امنیت اقتصادی یک جامعه دارد. همچنین دستیابی به امنیت اقتصادی بدون وجود قوانین و مقررات شفاف و باثبات امکان‌پذیر نیست. قوانین و مقررات مبنای عملکرد تمامی عوامل اقتصادی بوده و بدون داشتن قوانینی که از ایجاد ثبات و امنیت در فضای کسب‌وکار اقتصادی حمایت کند، حصول سطوح بالای امنیت اقتصادی نیز ناممکن خواهد بود. قوانین و مقررات مربوط به تجارت، تجارت خارجی، مالیات، مالکیت، سرمایه‌گذاری خارجی، کار و مالکیت معنوی از جمله مهم‌ترین قوانینی هستند که ارتباط زیادی با موضوع امنیت اقتصادی داشته و درجه شفافیت، ثبات و تناسب آن‌ها با اوضاع اقتصادی، تعیین‌کننده سطح امنیت اقتصادی در هر جامعه‌ای است.

حوزه دیگر تأثیرگذار بر امنیت اقتصادی، سیاست‌های اتخاذ شده به‌وسیله دولت و درجه ثبات و اعتمادسازی آن‌هاست. سیاست‌های تجاری، پولی، مالی، ارزی، اعتباری، مالیاتی و کنترل بازار مهم‌ترین جنبه‌های سیاست‌گذاری دولت در این زمینه بوده و تأثیر زیادی بر امنیت اقتصادی دارند. شاخص‌های کلان اقتصادی نظیر نرخ تورم، رشد اقتصادی و بیکاری، تحت تأثیر مستقیم سیاست‌های دولت قرار دارند و وضعیت شاخص‌های یاد شده بیانگر سطح امنیت اقتصادی در کشورهای مختلف است.

نرخ‌های تورم بالا (همراه با نوسانات زیاد قیمت‌ها) به‌عنوان عاملی که انگیزه سرمایه‌گذاری را کاهش داده و منابع مالی را به سوی فعالیت‌های غیرمولد و واسطه‌گری می‌کشاند، همواره نشانه‌ای از عدم وجود امنیت اقتصادی قلمداد می‌شود. همچنین رشد اقتصادی پایدار که نقش اساسی در ایجاد محیط امن اقتصادی برای تولید و سرمایه‌گذاری دارد، از طریق سیاست‌گذاری مناسب دولت‌ها تحقق می‌یابد. نرخ بیکاری نیز به‌عنوان یک شاخص تحت تأثیر سیاست‌های دولت می‌تواند نشان‌دهنده ذهنیت عرضه‌کنندگان نیروی

کار نسبت به سطح امنیت اقتصادی در زمینه تأمین معیشت‌شان باشد. رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری از حوزه‌هایی هستند که تحت تأثیر امنیت اقتصادی قرار دارند و در اکثر مطالعات تجربی به آن‌ها اشاره شده است. از تغییرات و نوسان‌های این دو حوزه به‌عنوان نشانه‌های وجود یا عدم وجود امنیت اقتصادی و سطح آن استفاده می‌شود. محیط اقتصادی امن، عامل مهمی برای تقویت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و بهره‌مندی از مزایای آن در جهت بهبود رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه است. بهبود امنیت اقتصادی از طریق کاهش نااطمینانی موجود در خصوص بازده سرمایه، باعث افزایش سطح سرمایه‌گذاری می‌شود. عوامل امنیتی که نااطمینانی بازده سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهند به‌طور مستقیم از طریق افزایش کارایی تخصیص منابع، رشد اقتصادی را نیز تقویت می‌کنند.

همان‌طور که در تعریف امنیت اقتصادی گفته شد، وجود امنیت اقتصادی، بستر لازم را برای رشد پایدار اقتصادی و توسعه سرمایه‌گذاری فراهم می‌کند. با وجود آنکه فرایند رشد و توسعه اقتصادی علاوه بر امنیت اقتصادی نیازمند زیرساخت‌ها و عوامل بسترساز دیگری نیز هست، ولی امنیت اقتصادی یک عامل اساسی محسوب شده و بدون آن — حتی در صورت وجود سایر عوامل زیربنایی — رشد اقتصادی مطلوب تحقق نمی‌یابد. به‌ویژه آنکه پایداری رشد اقتصادی و توسعه سرمایه‌گذاری در محیط ناامن اقتصادی تحقق‌پذیر نیست.

عدم اطمینان نسبت به آینده در سطحی بالاتر، بر تصمیمات همه عوامل اقتصادی به‌طور عام اثر می‌گذارد و افزایش نااطمینانی نسبت به آینده سبب می‌شود همه عوامل اقتصادی اعم از سرمایه‌گذاران، تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان نیروی کار، خود را در شرایط ناامنی اقتصادی احساس کنند. از این دیدگاه، درجه اطمینان نسبت به وجوه درآمد در آینده به‌عنوان شاخص امنیت اقتصادی مطرح می‌شود.

داده‌های مورد نیاز برای بررسی حاضر از دو طریق تأمین شده است:

۱. پرسش‌نامه و مصاحبه: از طریق طراحی و تکمیل یک پرسش‌نامه تلاش شده نظر افراد متخصص و صاحب‌نظر در این زمینه جمع‌آوری و تحلیل شود. افراد انتخاب شده برای مصاحبه شامل جمعی از مدیران بخش دولتی، مدیران قوه قضائیه و وزارت

دادگستری، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، مدیران بخش خصوصی و اساتید و کارشناسان صاحب‌نظر در این حوزه بوده‌اند. پس از جمع‌آوری پاسخ‌ها و نظرات، نتایج استخراج و تحلیل شده در جداول مربوطه در بخش ۳-۳ آمده است.

۲. سری‌های زمانی مربوط به متغیرهای مختلف اقتصادی: در این قسمت از داده‌های موجود در اسناد و به‌طور اخص آمار بانک مرکزی استفاده شده است. یکی از ابزارهای تحلیل در مدل‌سازی سیستم خودرگرسیون برداری، توابع واکنش است. این ابزار، تغییرات ایجاد شده در متغیرهای حاضر در مدل (به علت ایجاد یک تکانه یا شوک در یکی از متغیرها) را طی دوره‌های زمانی مشخص نشان می‌دهد. از آنجا که تکانه‌ها در بحث امنیت اقتصادی از اهمیت خاصی برخوردارند، از این ابزار به نحو وسیعی در تحلیل ارتباط بین متغیرها و امنیت اقتصادی استفاده شده است.

۲-۴ یافته‌ها

۲-۴-۱ نتایج حاصل از برآورد سیستم‌های خودرگرسیون برداری

نتایج حاصل از برآورد سیستم‌های خودرگرسیون برداری به شرح زیر است:

۱. بروز یک تکانه در نرخ رشد سرمایه‌گذاری بیش‌ترین اثر منفی را در دوره اول بر خود متغیر رشد سرمایه‌گذاری داشته و از دوره دوم به بعد این اثر کوچک و نوسانی شده است. اثر تجمعی یک شوک منفی ده درصدی طی سال‌های بعدی معادل ۴- درصد خواهد بود.

۲. بروز تکانه منفی در نرخ رشد تولید ناخالص داخلی تا سه دوره اثر منفی قابل توجهی بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری دارد، ولی در دوره چهارم مثبت شده و در دوره‌های بعد مجدداً منفی می‌شود. اثر تجمعی یک شوک منفی ده درصدی در نرخ رشد اقتصادی بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری طی سال‌های بعدی معادل ۲۱/۵- درصد خواهد بود.

۳. ایجاد تکانه منفی در نرخ رشد درآمد ملی تا چهار دوره باعث کاهش نرخ رشد سرمایه‌گذاری می‌شود، ولی در دوره‌های پنجم و ششم به‌نحو قابل توجهی مثبت شده و سرانجام به سمت صفر میل می‌کند. اثر تجمعی یک شوک منفی ده درصدی در این متغیر بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری در سال‌های بعدی معادل ۸/۳- درصد خواهد بود.

۴. بروز تکانه مثبت در نرخ رشد پس‌انداز ناخالص داخلی در دوره‌های اولیه تأثیری منفی ولی کوچک بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری دارد. اثر تجمعی یک شوک مثبت ده درصدی در این متغیر بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری طی سال‌های بعدی معادل $3/1$ - درصد خواهد بود.
۵. بروز شوک منفی در نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و دولتی تا سه دوره اثر منفی بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری دارد، ولی از دوره سوم مثبت و دارای نوسان می‌شود. اثر تجمعی یک شوک منفی ده درصدی در هر یک از این متغیرها بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری طی سال‌های بعدی به ترتیب معادل $6/9$ - و $4/6$ - درصد خواهد بود.
۶. بروز تکانه مثبت در نرخ رشد شاخص قیمت عمده فروشی (افزایش تورم) از دوره دوم تأثیرگذاری خود را آغاز کرده و تا دوره هفتم همچنان تأثیر منفی خود را حفظ می‌کند. اثر تجمعی یک شوک مثبت ده درصدی در این متغیر بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری طی سال‌های بعدی معادل $13/8$ - درصد خواهد بود.
۷. بروز تکانه مثبت در نرخ رشد نقدینگی (افزایش نرخ رشد نقدینگی) تا نه دوره اثر منفی قابل توجهی بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری دارد. اثر تجمعی یک شوک مثبت ده درصدی در نرخ رشد نقدینگی بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری طی سال‌های بعدی معادل 82 - درصد خواهد بود.
۸. ایجاد تکانه منفی در نرخ رشد بدهی بخش خصوصی به نظام بانکی از دوره دوم تا پنجم و سپس از دوره ششم تا نهم سبب کاهش نرخ رشد سرمایه‌گذاری می‌شود. اثر تجمعی یک شوک منفی ده درصدی در این متغیر بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری طی سال‌های بعدی معادل 18 - درصد خواهد بود.
۹. بروز تکانه منفی در متغیر نرخ رشد بدهی بخش دولتی به نظام بانکی حداقل تا سه دوره اول بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری کل اثر مثبت دارد و از دوره سوم به بعد تأثیرگذاری منفی خود را آغاز می‌کند. اثر تجمعی یک شوک منفی ده درصدی در این متغیر بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری طی سال‌های بعدی معادل $6/2$ - درصد خواهد بود.
۱۰. بروز تکانه منفی در نرخ رشد سپرده‌گذاری تأثیر منفی قابل توجهی بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری کل دارد. اثر تجمعی یک شوک مثبت ده درصدی در این متغیر بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری طی سال‌های بعدی معادل 65 - درصد خواهد بود.

۱۱. بروز تکانه مثبت در نرخ رشد قیمت ارزهای خارجی (سرعت گرفتن کاهش ارزش پول ملی) تا سه دوره ابتدایی اثر مثبت کوچکی بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری دارد، ولی از دوره سوم به بعد این تأثیر به‌نحو قابل توجهی منفی می‌شود. اثر تجمعی یک شوک مثبت ده درصدی در این متغیر بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری طی سال‌های بعدی معادل $۶/۶-$ درصد خواهد بود.
۱۲. ایجاد تکانه منفی در نرخ رشد درآمدهای ارزی اثر منفی ولی همراه با نوسان بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری دارد. اثر تجمعی یک شوک منفی ده درصدی در این متغیر بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری طی سال‌های بعدی معادل $۱/۸-$ درصد خواهد بود.
۱۳. بروز تکانه مثبت در خالص موازنه ارزی اثر نوسانی و نامشخص بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری دارد. اثر تجمعی یک شوک مثبت پنج میلیارد دلاری در این متغیر بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری طی سال‌های بعدی معادل $۱/۲-$ درصد خواهد بود.
۱۴. بروز تکانه منفی در تفاضل‌های تراز بازرگانی و خالص حساب سرمایه آثار منفی قابل توجهی بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری دارد. اثر تجمعی یک شوک مثبت پنج میلیارد دلاری در هر یک از این متغیرها بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری طی سال‌های بعدی به ترتیب معادل $۱۴/۲-$ و $۱۱/۴-$ درصد خواهد بود.
۱۵. بروز یک تکانه منفی در متغیر نرخ رشد اقتصادی بیش‌ترین اثر منفی را تا سه دوره اول بر خود متغیر نرخ رشد اقتصادی دارد و از دوره سوم به بعد این اثر کوچک و نوسانی شده است. اثر تجمعی یک شوک منفی ده درصدی طی سال‌های بعدی معادل $۷-$ درصد خواهد بود.
۱۶. بروز تکانه منفی در نرخ رشد درآمد ملی باعث تغییرات متناوب مثبت و منفی در نرخ رشد اقتصادی می‌شود. اثر تجمعی یک شوک منفی ده درصدی در این متغیر بر نرخ رشد اقتصادی طی سال‌های بعدی معادل $۲/۶-$ درصد خواهد بود.
۱۷. ایجاد تکانه منفی در نرخ رشد پس‌انداز ناخالص داخلی اثر کوچک مثبتی در دوره دوم داشته و سپس طی دوره‌های بعدی منفی می‌شود. اثر تجمعی یک شوک منفی ده درصدی در این متغیر بر نرخ رشد اقتصادی طی سال‌های بعدی معادل $۰/۲-$ درصد خواهد بود.

۱۸. بروز تکانه مثبت در نرخ رشد شاخص قیمت‌ها (تورم) تنها در دوره چهارم اثر کوچک مثبتی بر نرخ رشد اقتصادی داشته و سپس به صورت اثر منفی ادامه می‌یابد. اثر تجمعی یک شوک مثبت ده درصدی در این متغیر بر نرخ رشد اقتصادی طی سال‌های بعدی معادل ۱۳- درصد خواهد بود.

۱۹. بروز تکانه منفی در نرخ رشدهای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و دولتی هرچند در ابتدا یک اثر مثبت نشان می‌دهد، ولی با وارد شدن وقفه‌های بعدی، در دوره‌های بعد اثر منفی کاهش نرخ رشد این دو متغیر بر نرخ رشد اقتصادی ظاهر می‌شود. اثر تجمعی یک شوک منفی ده درصدی در هر یک از این متغیرها بر نرخ رشد اقتصادی طی سال‌های بعدی به ترتیب معادل ۲۰- و ۱۴- درصد خواهد بود.

۲۰. اثر بروز تکانه مثبت در نرخ رشد سرمایه‌گذاری کل، خلاف انتظار بوده است. در حالی که انتظار می‌رود افزایش نرخ رشد سرمایه‌گذاری، نرخ رشد اقتصادی را به نحو فزاینده‌ای تحت تأثیر مثبت قرار دهد، این اثر مثبت تنها در دوره دوم دیده شده و از دوره دوم به بعد دارای اثر منفی می‌گردد. اثر تجمعی یک شوک مثبت ده درصدی در این متغیر بر نرخ رشد اقتصادی طی سال‌های بعدی معادل ۴۲- درصد خواهد بود.

۲۱. بروز تکانه مثبت در نرخ رشد نقدینگی (افزایش نرخ رشد نقدینگی) تا شش دوره اثر منفی قابل توجهی بر نرخ رشد اقتصادی دارد. اثر تجمعی یک شوک مثبت ده درصدی در این متغیر بر نرخ رشد اقتصادی طی سال‌های بعدی معادل ۳۰- درصد خواهد بود.

۲۲. ایجاد تکانه منفی در نرخ رشد بدهی بخش خصوصی به نظام بانکی و همچنین نرخ رشد بدهی بخش دولتی به نظام بانکی اثرات کوچک ولی منفی بر رشد اقتصادی دارد. اثر تجمعی یک شوک منفی ده درصدی در هر یک از این متغیرها بر نرخ رشد اقتصادی طی سال‌های بعدی به ترتیب معادل ۱/۱- و ۴- درصد خواهد بود.

۲۳. بروز تکانه منفی در نرخ رشد سپرده‌گذاری اثر منفی قابل توجهی بر نرخ رشد اقتصادی دارد. اثر تجمعی یک شوک منفی ده درصدی در این متغیر بر نرخ رشد اقتصادی طی سال‌های بعدی معادل ۲۶- درصد خواهد بود.

۲۴. بروز تکانه مثبت در نرخ رشد قیمت ارز (سرعت گرفتن کاهش ارزش پول ملی) از دوره دوم تا ششم اثر منفی بر رشد اقتصادی دارد. اثر تجمعی یک شوک مثبت ده درصدی

- در این متغیر بر نرخ رشد اقتصادی طی سال‌های بعدی معادل ۲- درصد خواهد بود.
۲۵. ایجاد تکانه منفی در نرخ رشد درآمدهای ارزی تا چهار دوره اثر منفی بر نرخ رشد اقتصادی دارد. اثر تجمعی یک شوک منفی ده درصدی در این متغیر بر نرخ رشد اقتصادی طی سال‌های بعدی معادل ۰/۸- درصد خواهد بود.
۲۶. بروز تکانه مثبت در خالص موازنه ارزی، اثری نوسانی و نامشخص بر نرخ رشد اقتصادی دارد. اثر تجمعی یک شوک مثبت پنج میلیارد دلاری در این متغیر بر نرخ رشد اقتصادی طی سال‌های بعدی معادل ۰/۷- درصد خواهد بود.
۲۷. بروز تکانه منفی در تفاضل‌های تراز بازرگانی و خالص حساب سرمایه آثار منفی بر نرخ رشد اقتصادی دارد. اثر تجمعی یک شوک منفی پنج میلیارد دلاری در هر یک از این متغیرها بر نرخ رشد اقتصادی طی سال‌های بعدی به ترتیب معادل ۲/۱- و ۹/۷- درصد خواهد بود.
۲۸. بروز یک تکانه منفی در متغیر نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی ابتدا اثر منفی و سپس طی دوره‌های دوم تا چهارم اثری مثبت و از آن به بعد مجدداً اثر منفی بر خود نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی دارد. اثر تجمعی یک شوک منفی ده درصدی طی سال‌های بعدی معادل ۳/۳- درصد خواهد بود.
۲۹. بروز تکانه منفی در متغیرهای نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و درآمد ملی باعث تغییرات متناوب مثبت و منفی در نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌شود. اثر تجمعی یک شوک منفی ده درصدی در هر یک از این متغیرها بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی طی سال‌های بعدی به ترتیب معادل ۱۳- و ۱۲- درصد خواهد بود.
۳۰. ایجاد تکانه مثبت در نرخ رشد پس‌انداز ناخالص داخلی اثرات نوسانی از خود بروز می‌دهد. اثر تجمعی یک شوک مثبت ده درصدی در این متغیر بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی طی سال‌های بعدی معادل ۲/۹- درصد خواهد بود.
۳۱. بروز تکانه منفی در نرخ‌های رشد سرمایه‌گذاری کل و سرمایه‌گذاری بخش دولتی آثار نوسانی بروز می‌دهد. اثر تجمعی یک شوک منفی ده درصدی در هر یک از این متغیرها بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی طی سال‌های بعدی به ترتیب معادل ۳/۵- و ۰/۲- درصد خواهد بود.

۳۲. بروز تکانه مثبت در نرخ تورم تأثیر نوسانی بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی دارد، هرچند اثرات منفی بزرگ‌تر است. اثر تجمعی یک شوک مثبت ده درصدی در این متغیر بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی طی سال‌های بعدی معادل ۵/۸- درصد خواهد بود.

۳۳. بروز تکانه مثبت در نرخ رشد نقدینگی (افزایش نرخ رشد نقدینگی) تا شش دوره اثر منفی قابل توجهی بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی دارد. اثر تجمعی یک شوک مثبت ده درصدی در این متغیر بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی طی سال‌های بعدی معادل ۳۷- درصد خواهد بود.

۳۴. ایجاد تکانه منفی در نرخ رشد بدهی بخش خصوصی به نظام بانکی و همچنین نرخ رشد بدهی بخش دولتی به نظام بانکی اثرات نوسانی بر رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی دارد. اثر تجمعی یک شوک منفی ده درصدی در هر یک از این متغیرها بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی طی سال‌های بعدی به ترتیب معادل ۷- و ۴/۴- درصد خواهد بود.

۳۵. بروز تکانه منفی در نرخ رشد سپرده‌گذاری تأثیر منفی قابل توجهی بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری کل دارد. اثر تجمعی یک شوک منفی ده درصدی در این متغیر بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی طی سال‌های بعدی معادل ۳۳- درصد خواهد بود.

۳۶. بروز تکانه مثبت در نرخ رشد قیمت ارز (سرعت گرفتن کاهش ارزش پول ملی) از دوره سوم تا پنجم تأثیر منفی بر رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی دارد. اثر تجمعی یک شوک مثبت ده درصدی در این متغیر بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی طی سال‌های بعدی معادل ۱/۷- درصد خواهد بود.

۳۷. ایجاد تکانه منفی در نرخ رشد درآمدهای ارزی تا سه دوره اثری منفی بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی دارد. اثر تجمعی یک شوک منفی ده درصدی در این متغیر بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی طی سال‌های بعدی معادل ۳- درصد خواهد بود.

۳۸. بروز تکانه مثبت در خالص موازنه ارزی اثر نوسانی و نامشخص بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی دارد. اثر تجمعی یک شوک مثبت پنج میلیارد دلاری در

این متغیر بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی طی سال‌های بعدی معادل $0/2-$ درصد خواهد بود.

۳۹. بروز تکانه منفی در تفاضل‌های تراز بازرگانی و خالص حساب سرمایه اثر منفی بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی دارد. اثر تجمعی یک شوک منفی پنج میلیارد دلاری در هریک از این متغیرها بر نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی طی سال‌های بعدی معادل $10-$ و $6/6-$ درصد خواهد بود.

۲-۲-۴ نتایج حاصل از پرسش‌نامه‌ها و مصاحبه‌ها

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل پرسش‌نامه‌ها و مصاحبه‌ها به قرار زیر است:

۱. به‌طور کلی اکثر ارتباط‌های مطرح شده بین متغیرها و امنیت اقتصادی در مباحث نظری توسط پاسخ‌گویان تأیید شده و آن‌ها کم‌وبیش بر اهمیت آن‌ها تأکید کرده‌اند. به عبارت دیگر، براساس نتایج حاصل از پرسش‌نامه‌ها می‌توان گفت تمامی متغیرهای مطرح شده ارتباط محکمی با امنیت اقتصادی دارند و امتیازهای داده شده به متغیرها در دسته‌بندی‌های انجام شده، تنها درجه اهمیت نسبی هر عامل را نشان می‌دهد و از این نظر که اولویت‌های سیاست‌گذاری را در هر بخش بیان می‌کند، می‌تواند مفید فایده واقع گردد.

۲. نوسانات نرخ تورم، افزایش نرخ تورم، افزایش سطح درآمد ملی و صادرات غیرنفتی به‌عنوان متغیرهای تأثیرگذار بر امنیت اقتصادی، بیش از سایر متغیرها مورد تأکید پاسخ‌گویان قرار گرفته است. متغیرهای ثبات درآمدی دولت، کاهش ارزش پول ملی و تشدید کسری تراز پرداخت‌ها در مراتب بعدی قرار دارند.

۳. متغیرهایی نظیر شوک‌های افزایشی قیمت نفت خام و نرخ‌های مالیات به‌عنوان متغیرهایی که نسبت به بقیه اثر کم‌تری بر امنیت اقتصادی دارند معرفی شده‌اند.

۴. از نظر پاسخ‌گویان توسعه بازارهای بیمه، پول، اعتبارات و سرمایه، به ترتیب اهمیت بیش‌تری در تأمین فضای امن اقتصادی دارند.

۵. در بخش متغیرهای قضایی، پاسخ‌گویان بر اهمیت متغیرهایی نظیر مصادره اموال، ملی شدن سرمایه‌ها و مفساد اقتصادی به‌عنوان متغیرهای کاهنده سطح امنیت

اقتصادی تأکید بیش‌تری کرده‌اند.

۶. از نظر پاسخ‌گویان شدت برخورد دستگاه قضایی با مفاسد اقتصادی و محکومان مالی و اقتصادی از اهمیت کم‌تری برخوردار است. در واقع قاطعیت دستگاه قضایی در اجرای احکام بسیار مهم‌تر از شدت احکام صادره است.

۷. در بخش متغیرهای قانونی و اداری، شفافیت قوانین و مقررات به‌عنوان مهم‌ترین عامل مثبت در ارتقای سطح امنیت اقتصادی و اعمال تغییرات یک‌طرفه در موافقت‌نامه‌های تجاری به‌عنوان مهم‌ترین متغیر کاهش‌دهنده سطح امنیت اقتصادی معرفی شده‌اند.

۸. از نظر پاسخ‌گویان عدم ثبات نرخ‌های مالیاتی تأثیر کم‌تری بر سطح امنیت اقتصادی دارد.

۹. از نظر پاسخ‌گویان سه متغیر رشد سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی و پایداری رشد اقتصادی بیش‌ترین تأثیر مثبت را از فضای امن اقتصادی دریافت می‌کنند.

۱۰. رتبه‌بندی متغیرهای تحت تأثیر (منفی) امنیت اقتصادی بیانگر آن است که عدم اطمینان نسبت به آینده و احتمال ورشکستگی و عدم ایفای تعهدات دو متغیری محسوب می‌شوند که از محیط امن اقتصادی بیش‌ترین تأثیر را پذیرفته و به حداقل می‌رسند.

۱۱. از نظر مصاحبه‌شوندگان قوانین مربوط به تجارت خارجی، تجارت، صادرات و واردات و حمایت از سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی نقش بیش‌تری در تأمین و افزایش سطح امنیت اقتصادی دارد.

۱۲. قوانین حمایت از تولید و سرمایه‌گذاری، تجارت خارجی، تجارت و کار، به ترتیب اولویت قوانینی هستند که از نظر مصاحبه‌شوندگان نسبت به سایر قوانین ضعف محتوایی بیش‌تری داشته و بر این اساس نیاز بیش‌تری به بازنگری و یا اصلاح در راستای تأمین و ارتقای سطح امنیت اقتصادی دارند.

۱۳. از نظر مصاحبه‌شوندگان قوانین و مقررات مالیاتی، ایمنی و استاندارد کالا و مقررات گمرکی، قوانینی هستند که نسبت به سایر قوانین در نحوه اجرا از مشکلات و ضعف‌های بیش‌تری برخوردار بوده و تجدیدنظر در سازوکارهای اجرایی این قوانین و یا تصویب مقررات جدید برای اصلاح نحوه اجرای آن‌ها (در صورت لزوم) در راستای تقویت امنیت اقتصادی از اولویت بیش‌تری برخوردار است.

۴-۳ پیشنهاد‌های راهبردی

در این قسمت پیشنهاد‌های تفصیلی در قالب سه حوزه نهادی، قوانین و مقررات و سیاست‌گذاری دولت به تفکیک ارائه می‌شود.

۴-۳-۱ حوزه نهادی

حصول امنیت اقتصادی در گرو تقویت نهاد‌های کارآمد و مؤثر است. بررسی پاسخ‌های ارائه شده به پرسش‌های مربوط به این حوزه در پرسش‌نامه‌ها حاکی از آن است که اکثر پاسخ‌گویان برای این حوزه اهمیت زیادی قائل‌اند، به‌طوری‌که در پرسش‌های بخش متغیرهای مالی بیش‌ترین تأکید بر توسعه بازارهای بیمه، پول و سرمایه شده است. همچنین پاسخ‌گویان در بخش متغیرهای قضایی به رعایت قانون و عدالت در دستگاه قضایی، قاطعیت دستگاه قضایی در اجرای احکام و سرعت رسیدگی به دعاوی تأکید فراوانی کرده‌اند.

وجود ارتباط معنادار میان متغیرهایی نظیر پس‌انداز، حجم پول، تسهیلات اعطایی بانک‌ها و نظایر آن با متغیرهای کلیدی رشد اقتصادی و رشد سرمایه‌گذاری، گویای اهمیت عملکرد صحیح و کارای نهاد‌های مالی در حصول امنیت اقتصادی است. به‌طور کلی برای این حوزه از امنیت اقتصادی، پیشنهاد‌های ذیل براساس مطالعات و بررسی‌های انجام شده ارائه می‌گردد:

۱. محیط امن اقتصادی بدون وجود نهاد‌های کارآمد قابل دست‌یابی نیست. بر این اساس هر کوششی در جهت افزایش کارایی و بهبود عملکرد نهادها اعم از نهاد‌های مالی، قضایی، اداری و اجتماعی، نقش مؤثری در افزایش سطح امنیت اقتصادی خواهد داشت.
۲. بیمه به‌عنوان مهم‌ترین ابزار کنترل و پوشش ریسک، ارتباط زیادی با امنیت اقتصادی دارد. گسترش و توسعه بازار بیمه و همچنین تقویت رقابت‌پذیری در صنعت بیمه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهاد‌های مالی، زمینه‌گسترش امنیت اقتصادی را فراهم می‌کند.
۳. بازار سرمایه و به‌طور اخص بورس اوراق بهادار همواره نمادی از وضعیت ثبات و امنیت اقتصادی در یک کشور است. تلاش برای ارتقای کارایی این بازار ضمن تسهیل تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی در یک محیط امن اقتصادی، نقش مؤثری در ایجاد فضای ذهنی

مثبت از امنیت اقتصادی نزد عوامل اقتصادی و به‌ویژه صاحبان سرمایه دارد.

۴. بازار پول به‌عنوان یک بازار مالی نقش بسیار زیادی در ایجاد بسترهای لازم برای تقویت امنیت اقتصادی دارد. همان‌گونه که قبلاً بیان شد، بروز شوک در متغیرهای این بازار نظیر حجم نقدینگی و تورم، تأثیر مخرب شدیدی بر روند رشد اقتصادی و رشد سرمایه‌گذاری می‌گذارد. تقویت کارایی این نهاد تا حد زیادی به سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی دولت بستگی دارد. از این‌رو، لازم است که ایجاد ثبات در این بازار به‌عنوان یک اولویت و هدف مهم در تأمین امنیت اقتصادی مورد توجه قرار گیرد.

۵. یکی از مهم‌ترین ابزارهای ارتقای کارایی بازارهای مالی، تقویت نظارت مالی است. بانک مرکزی، سازمان بورس اوراق بهادار و بیمه مرکزی ایران سه نهادی هستند که به ترتیب وظیفه نظارت بر حسن عملکرد بازارهای پول، سرمایه و بیمه را بر عهده دارند. توجه بیش‌تر این سه نهاد به موضوع نظارت و استفاده از روش‌های نوین نظارتی — که نوآوری‌های روز افزون و پیچیدگی‌های بازارهای مذکور آن را به‌صورت الزامی مهم درآورده است — نقش مؤثری در تقویت محیط امن اقتصادی خواهد داشت.

۶. نهادهای قضایی نقش بسیار مهمی در ایجاد فضای امن اقتصادی دارند. به همین دلیل، اجرای یک برنامه مدون و عملیاتی در دستگاه قضایی به منظور ارتقای سطح امنیت اقتصادی ضروری است.

۷. برخورد با مفاسد اقتصادی — که از نظر پاسخ‌گویان یکی از مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر امنیت اقتصادی است — از وظایف دستگاه قضایی کشور محسوب می‌شود. این نهاد می‌تواند با برنامه‌ریزی مشخص و اصولی از طریق مبارزه با مفاسد اقتصادی به ارتقای سطح امنیت اقتصادی کمک فراوانی نماید.

۸. سوءاستفاده از ابزارهای پرداخت نظیر چک (از نظر پاسخ‌گویان)، چهارمین متغیر مهم از دسته متغیرهای قضایی تأثیرگذار بر امنیت اقتصادی است. حل این مشکل، نیازمند تعامل و همکاری چند نهاد مرتبط با یکدیگر است: نهاد قانون‌گذار (مجلس شورای اسلامی) از طریق تدوین قوانین مناسب، نهادهای مالی (بانک‌ها و مؤسسات مالی) از طریق افزایش دقت در اعتبارسنجی مشتریان و نهاد قضایی از طریق مقابله و مبارزه اصولی با این جرم می‌توانند تا حد زیادی از تأثیر مخرب این معضل

نامن‌ساز اقتصادی بکاهند.

۹. افزایش بوروکراسی اداری و مفاسد اداری نظیر ارتشا در ردیف متغیرهای اداری نامن‌ساز اقتصادی قرار دارد. حل این معضل منوط به تدوین و اجرای یک برنامه عملیاتی دقیق و بلندمدت در نظام اداری کشور بوده و تلاش در زمینه رفع آن کمک زیادی به افزایش سطح امنیت اقتصادی می‌نماید.

۲-۳-۴ حوزه قوانین و مقررات

در این حوزه همه متغیرها از نظر پاسخ‌گویان اهمیت زیادی داشته و از شیوه امتیازبندی آن‌ها در تعیین اولویت‌های این بخش استفاده شده است. پیشنهادهای زیر مهم‌ترین راهکارهای ارتقای سطح امنیت اقتصادی از طریق حوزه قوانین و مقررات محسوب می‌شود:

۱. ثبات و شفافیت قوانین و مقررات مهمترین عامل در تأمین امنیت اقتصادی است. ثبات قوانین، محیط اقتصادی را برای فعالیتهای اقتصادی تثبیت کرده و شفافیت قوانین امکان برنامه‌ریزی دقیق را فراهم می‌سازد. ایجاد نگرش مبتنی بر این دو اصل در فرایند قانون‌گذاری و وضع مقررات جدید، پیش‌نیاز دستیابی به قوانین و مقررات شفاف و باثبات است.

۲. پیش‌نگری در هنگام وضع یک قانون جدید یا تغییر قوانین و مقررات موجود می‌تواند زمینه لازم را برای ایجاد امنیت اقتصادی از طریق شفافیت و ثبات در قوانین فراهم کند. به عبارت دیگر قانون‌گذار در هنگام وضع قوانین باید پیامدهای مثبت و منفی آن را به دقت بررسی کرده و تبعات منفی آن را به حداقل رساند.

۳. اعمال تغییرات یک‌طرفه توسط دولت یا ابطال قراردادهای تجاری بین دولت و بخش خصوصی، همواره یکی از نگرانی‌های اصلی سرمایه‌گذاران به‌ویژه سرمایه‌گذاران خارجی محسوب می‌شود. از این‌رو دولت باید سعی کند تا حد امکان از انجام چنین اعمالی پرهیز نماید.

۴. ذهنیت عوامل اقتصادی از نحوه رفتار دولت در قراردادهای تجاری و سرمایه‌گذاری نقش مهمی در چگونگی رفتار آن‌ها دارد و چنانچه در این باره ذهنیت منفی شکل گیرد، به راحتی قابل تغییر نیست. بر این اساس در مواردی که تغییر یک

قرارداد یا تغییر یک جانبه بعضی مقررات به نفع دولت و به زیان بخش خصوصی ناگزیر می‌نماید، باید هزینه‌های بلندمدت شکل‌گیری ذهنیت منفی نسبت به عملکرد دولت نیز در محاسبات لحاظ شود، چه بسا در مواردی این هزینه‌ها از منافع کوتاه‌مدت تغییر قوانین یا قراردادهای بیش‌تر باشد.

۵. برگشت‌ناپذیری سرمایه یا عدم امکان کاهش سطح سرمایه‌گذاری (به راحتی و بدون صرف هزینه اضافی) موضوعی است که سرمایه‌گذاران را نسبت به رفتار دولت در آینده نگران می‌کند. کاهش درجه برگشت‌ناپذیری سرمایه می‌تواند نقش مؤثری در ارتقای سطح امنیت اقتصادی ایفا کند. توسعه بازار سرمایه و استفاده از ابزارهای نوین مالی در این بازار هم یکی از راه‌هایی است که درجه برگشت‌ناپذیری سرمایه‌ها را کاهش می‌دهد.

۶. ضعف مقررات مربوط به نظارت بر نهادهای مالی و غیرمالی که با موضوع امنیت اقتصادی مرتبط است، یکی از علل پایین بودن سطح امنیت اقتصادی محسوب می‌شود. توجه نهاد قانون‌گذار به این حوزه و تدوین قوانین محکمی برای نظارت مؤثر بر عملکرد نهادهای مرتبط با امنیت اقتصادی می‌تواند کمک زیادی به افزایش سطح امنیت اقتصادی نماید.

۷. سوءاستفاده از ابزارهای پرداخت نظیر چک به‌عنوان یکی از عوامل ناامن‌ساز اقتصادی دارای دو وجه است که یکی از وجوه آن مغفول مانده است. وجهی که به‌عنوان جرم شناخته شده و با آن مبارزه می‌شود، عمل شخص سوءاستفاده‌کننده است، درحالی‌که وجه دیگر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری هستند که نظارت اعتباری مؤثری بر گسترش اعتبار عامل یاد شده نداشته و زمینه سوءاستفاده از این ابزار مالی را فراهم می‌آورند. بر این اساس برای مقابله با این عامل ناامن‌ساز، علاوه بر مجازات سوءاستفاده‌کنندگان، باید برنامه‌ای برای ارتقای سطح نظارت اعتباری و نحوه ایجاد و گسترش اعتبار افراد در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری تدوین گردد.

۳-۳-۴ حوزه سیاست‌گذاری دولت

حوزه سیاست‌گذاری دولت نقش بسیار مهمی در ایجاد بستر مناسب برای ایجاد رشد

اقتصادی پایدار در پرتو امنیت اقتصادی دارد. نتایج مربوط به این حوزه شامل دو بخش است، بخشی مربوط به نظرات پاسخ‌گویان در خصوص سؤال‌های پرسش‌نامه‌ها بوده و بخش دیگر شامل نتایج حاصل از معادلات سیستم خودرگرسیون برداری می‌شود، که متغیرهای کلان اقتصادی در آن‌ها کاملاً تحت تأثیر سیاست‌گذاری‌های دولت قرار دارد.

در بخش پرسش‌نامه‌ها، از نگاه پاسخ‌گویان اغلب متغیرهای کلان اقتصادی مطرح شده ارتباط محکم و مهمی با مقوله امنیت اقتصادی دارد و امتیازبندی‌های انجام شده می‌تواند اولویت هر متغیر را برای سیاست‌گذاری‌های دولت نشان دهد. در بخش معادلات سیستم خودرگرسیون برداری نیز متغیرهای بررسی شده کم‌وبیش ارتباط معناداری با موضوع امنیت اقتصادی یا نرخ‌های رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری (به‌عنوان نماگرهای امنیت اقتصادی) دارند. البته آنچه اهمیت دارد، نحوه این تأثیرگذاری (از لحاظ مثبت یا منفی بودن) و شدت اثر آن‌ها است. به‌طور کلی می‌توان پیشنهاد‌های مربوط به این حوزه را در قالب موارد ذیل بیان کرد:

۱. افزایش نرخ تورم و نوسانات این نرخ، مهمترین عامل ناامن‌ساز اقتصادی در حوزه متغیرهای کلان به شمار می‌رود. بر این اساس، تلاش برای مهار تورم و کاستن از نوسانات آن نقش مؤثری در ارتقای امنیت اقتصادی دارد. حصول این امر وابسته به سیاست‌گذاری مناسب دولت و به‌ویژه بانک مرکزی بوده و هدف‌گذاری مناسب برای نرخ تورم و تعهد دولت برای حفظ آن، راه‌کار اساسی این بخش محسوب می‌شود.

۲. افزایش سطح درآمد ملی و صادرات غیرنفتی، دو متغیر تأثیرگذار (مثبت) بر امنیت اقتصادی محسوب می‌شود. میان توسعه اقتصادی و امنیت اقتصادی، ارتباطی دو سویه برقرار است: امنیت اقتصادی بستر توسعه را فراهم کرده و توسعه، محیط فعالیت اقتصادی را امن‌تر می‌سازد. بنابراین می‌توان تلاش در راستای توسعه اقتصادی را نیز تلاشی در راستای افزایش امنیت اقتصادی برشمرد.

۳. ثبات درآمدی دولت، عاملی مثبت و تشدید کسری تراز پرداخت‌های خارجی، عاملی منفی در ارتباط با امنیت اقتصادی معرفی شده است. بر این اساس، تثبیت درآمدهای دولت و جلوگیری از تشدید کسری تراز پرداخت‌ها، از سیاست‌های مؤثر در تقویت امنیت اقتصادی به شمار می‌رود. در این زمینه صندوق ذخیره ارزی یک عامل

بسیار کلیدی بوده و ایجاد و اصلاح نحوه برداشت و هزینه‌کرد از آن را می‌توان از مهم‌ترین اولویت‌های قانون‌گذاری در این حوزه دانست.

۴. فقر و بیکاری، دو عامل مهم ناامن‌ساز اقتصادی است که سیاست‌گذاری مناسب در راستای کاهش این دو عامل، نقش مؤثری در ارتقای سطح امنیت اقتصادی دارد.

۵. رشد بی‌رویه نقدینگی (براساس نتایج حاصل از مدل‌های خودرگرسیون برداری) یکی از مهم‌ترین عوامل ناامن‌ساز اقتصادی از طریق اثرگذاری منفی بر روند رشد اقتصادی و رشد سرمایه‌گذاری است. بر این اساس، جلوگیری از رشد بی‌رویه نقدینگی و عدم اعمال سیاست‌های انبساطی مستمر، یک اولویت مهم در تأمین بستر لازم برای رشد اقتصادی پایدار محسوب می‌شود.

۶. بروز تکانه در متغیرهای بدهی بخش‌های خصوصی و دولتی اثرات مخربی بر روند رشد اقتصادی و رشد سرمایه‌گذاری دارد. البته بروز تکانه در بدهی بخش خصوصی به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری بیش‌تر روند سرمایه‌گذاری و بروز شوک در بدهی بخش دولتی به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری بیش‌تر روند رشد اقتصادی را به مخاطره می‌اندازد. بنابر این سیاست‌گذاری مناسب در زمینه بازار اعتبار و تسهیلات بانکی و به‌طور ویژه نحوه تعیین نرخ سود تسهیلات بانکی تأثیر قابل توجهی بر سطح امنیت اقتصادی می‌گذارد.

۷. نرخ سپرده‌گذاری مردم نزد بانک‌ها اثر قابل توجهی بر روند رشد اقتصادی و رشد سرمایه‌گذاری دارد. بر این اساس، سیاست‌گذاری در این زمینه و به‌طور ویژه تعیین نرخ سود سپرده‌ها و اختلاف بین نرخ سود بازار رسمی و بازار غیررسمی نقش مهمی در ایجاد محیط امن اقتصادی ایفا می‌کند.

۸. کاهش ارزش پول ملی و شوک منفی در درآمدهای نفتی جزء متغیرهایی است که شواهد آماری از تأثیر منفی آن‌ها بر روند رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری حکایت می‌کند. در این خصوص سیاست‌های تثبیت درآمد دولت، راهکاری برای بهبود امنیت اقتصادی محسوب می‌شود.

۴-۴ راهکارهایی برای اصلاح قوانین

براساس نتایج و یافته‌های مذکور مناسب است الزامات قانونی و تغییرات و اصلاحاتی در قوانین

کشور پدید آید که می‌توان چارچوب آن را به صورت بندهای پیشنهادی ذیل ارائه کرد:

۱. هرگاه دولت یا دستگاه‌های دولتی و غیردولتی قراردادهای یا تفاهم‌نامه‌های منعقد شده با اشخاص حقیقی یا حقوقی را به صورت یک‌طرفه و خارج از چارچوب قرارداد و تفاهم‌نامه لغو کنند، ملزم به پرداخت کلیه هزینه‌های تعهد شده در قرارداد یا تفاهم‌نامه و جبران خسارت‌های وارده به طرف قرارداد یا تفاهم‌نامه شوند.

۲. هرگاه دولت بخواهد قوانین و مقررات جاری در هر زمینه را لغو یا اصلاح کند، ملزم به جبران خسارت‌های وارده ناشی از این تغییر یا اصلاح به تمامی سرمایه‌گذاران و عاملان اقتصادی اعم از حقیقی و حقوقی (که براساس قوانین جاری اقدام به سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی کرده و این قانون موجب وارد آمدن خسارت به آنها شده است) گردد.

۳. هرگاه مجلس شورای اسلامی قوانین جاری را در هر زمینه‌ای لغو یا اصلاح کند، ملزم به در نظر گرفتن منابع مالی لازم برای جبران خسارت‌های وارده ناشی از این تغییر یا اصلاح به تمامی سرمایه‌گذاران و عاملان اقتصادی اعم از حقیقی و حقوقی (که براساس قوانین جاری اقدام به سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی کرده و این قانون موجب وارد شدن خسارت به آنها شده است) شود.

۴. در هر طرح یا لایحه‌ای که برای تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه می‌شود، هزینه‌های ناشی از تغییر یا اصلاح قوانین که متوجه امنیت اقتصادی می‌شود لحاظ گردد. بر این اساس تمام طرح‌ها و لوایح اقتصادی باید دارای پیوست‌های توجیهی زیر باشد:

- آثار و تبعات قانون و اجرای آن بر امنیت اقتصادی،

- سازگاری، ثبات، شفافیت و هماهنگی،

- آثار قانون بر تولید، سرمایه‌گذاری و معیشت مردم.

۵. دولت و تمامی سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی مجاز نباشند مقررات جاری در هر زمینه را در فاصله‌ای کمتر از چهار سال از تصویب و اجرای آن لغو کرده یا تغییر دهند. در صورت ضرورت انجام چنین تغییراتی، باید خسارت‌های وارده ناشی از این تغییر یا لغو قانون به تمامی سرمایه‌گذاران و عاملان اقتصادی اعم از حقیقی و حقوقی را (که براساس مقررات جاری قبل از اعمال تغییر اقدام به سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی کرده و این

لغو یا تغییر موجب وارد شدن خسارت به آن‌ها شده است) جبران نماید.
۶. بانک‌ها موظف شوند هنگام افتتاح حساب جاری و صدور دسته چک برای اشخاص از سابقه مالی آن‌ها مطلع شده و براساس صحت و سلامت این سابقه اقدام به افتتاح حساب و صدور دسته چک برای آن‌ها نمایند. در غیر این صورت باید خسارت‌های ناشی از صدور چک توسط افراد متخلف به زیان‌دیدگان را جبران کنند.

۷. برنامه‌های ذیل توسط نهادهای ذی‌ربط تدوین شده و برای تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه گردد:

- برنامه جامع توسعه امنیت اقتصادی،
- برنامه جامع مبارزه با مفاسد اداری،
- برنامه جامع ارتقای سطح بهره‌وری و سرعت عمل در دستگاه‌های اداری،
- برنامه جامع تکریم ارباب رجوع،
- لایحه شفاف‌سازی اقتصادی.

۸. قوانین زیر با هدف افزایش امنیت اقتصادی مورد اصلاح قرار گیرند:

- قوانین سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی،
- قوانین تجارت خارجی،
- قوانین بازرگانی داخلی،
- قوانین گمرکی،
- قانون کار،
- قوانین پولی و مالی.

۹. دولت موظف شود در طرح‌ها و برنامه‌های خود از اتخاذ تصمیمات و انجام اقداماتی که موجب کاهش ارزش پول ملی می‌شود، خودداری کرده و در لوایح پیشنهادی به مجلس شورای اسلامی، اقدامات لازم را برای جلوگیری از کاهش ارزش پول ملی را لحاظ نماید.

۱۰. دولت موظف شود برای پر کردن خلأهای قانونی در زمینه نظارت بانک مرکزی بر بازار پولی کشور - با هدف افزایش ثبات و امنیت اقتصادی در این بازار - لوایح لازم را تهیه و برای تصویب تقدیم مجلس شورای اسلامی کند.

۱۱. دولت موظف شود برای گسترش بیش‌تر بازار سرمایه و ایجاد ثبات در آن،

تمهیدات آسان‌تری را برای پذیرش شرکت‌ها و مؤسسات اقتصادی در بورس اوراق بهادار در نظر بگیرد.

۱۲. دولت موظف شود طی مدتی معین (مثلاً یک سال) لایحه توسعه بیمه را با هدف تأمین و تقویت امنیت فعالیت‌های اقتصادی تهیه و تقدیم مجلس شورای اسلامی نماید.

۱۳. دولت موظف شود طی مدتی معین (مثلاً یک سال) لایحه قانونی شرایط عادلانه فعالیت اقتصادی (دسترسی به اطلاعات، مشارکت آزادانه اشخاص در فعالیت‌های اقتصادی و برخورداری از امتیازات قانونی) را برای بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی تدوین کرده و برای تصویب تقدیم مجلس شورای اسلامی نماید.

۱۴. در قوه قضائیه نظام عدالت و قاطعیت با هدف بهبود امنیت (به خصوص امنیت اقتصادی) در جامعه و افزایش دقت و روشنی قوانین و تخصصی شدن رسیدگی به جرائم اقتصادی تهیه، تدوین و اجرا گردد.

پیوست



پرسش‌نامه

اندیشمند و صاحب‌نظر ارجمند جناب

سلام علیکم

با احترام، به استحضار می‌رساند پرسش‌نامه حاضر برای انجام یک بررسی درباره تأثیر و تأثر امنیت اقتصادی و متغیرهای مختلف اقتصادی در مرکز پژوهش‌های اقتصاد به سفارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی طراحی شده است. با توجه به اهمیت نتایج این مطالعه که می‌تواند برای استفاده قانون‌گذاران بسیار مفید باشد، خواهشمند است پرسش‌ها را به دقت مطالعه فرمایید و نظر خود را با قرار دادن علامت داخل یکی از مربع‌های مقابل هر پرسش، مشخص فرمایید. از همکاری و عنایتی که می‌فرمایید کمال امتنان را داریم.

درجه تأثیرگذاری هریک از متغیرهای زیر را بر امنیت اقتصادی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ردیف	متغیرها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	نظری ندارم
متغیرهای کلان اقتصادی							
۱	افزایش نرخ تورم تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟						
۲	نوسانات زیاد نرخ تورم تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟						
۳	افزایش نرخ بیکاری تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟						

ردیف	متغیرها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	نظری ندارم
۴	افزایش کسری بودجه دولت تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می شود؟						
۵	تشدید کسری ترازپرداختها تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می شود؟						
۶	شوکه های نفتی به شکل کاهش قیمت نفت خام تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می شود؟						
۷	کاهش ارزش پول ملی (ریال) تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می شود؟						
۸	نرخ های بالای مالیات تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می شود؟						
۹	افزایش افرادی که زیر خط فقر قرار دارند تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می شود؟						
۱۰	تشدید اختلاف نرخ سود رسمی و غیررسمی تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می شود؟						
۱۱	افزایش بدهی های خارجی دولت تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می شود؟						
۱۲	افزایش سطح درآمد ملی تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می شود؟						
۱۳	ثبات درآمدی دولت تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می شود؟						

ردیف	متغیرها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	نظری ندارم
۱۴	شوک‌های نفتی به شکل افزایش قیمت نفت خام تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟						
۱۵	کاهش نرخ سود بانکی تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟						
۱۶	افزایش صادرات غیرنفتی تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟						
۱۷	افزایش دارایی‌های بانک مرکزی تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟						
متغیرهای مالی							
۱۸	توسعه بازار پول و اعتبارات تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟						
۱۹	توسعه بازار سرمایه تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟						
۲۰	گسترش پوشش صنعت بیمه تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟						
۲۱	توسعه ضمانت‌نامه‌های صادراتی تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟						
۲۲	تأمین مالی صادرات تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟						
۲۳	افزایش کفایت سرمایه بانک‌ها و مؤسسات مالی تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟						

ردیف	متغیرها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	نظری ندارم
متغیرهای قضایی							
۲۴	مصادره و توقیف اموال تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟						
۲۵	ملی شدن سرمایه‌گذاری‌ها تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟						
۲۶	سوءاستفاده از ابزارهای پرداخت نظیر چک تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟						
۲۷	مفاسد اقتصادی نظیر ارتشاء، رانت‌خواری و اختلاس تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟						
۲۸	شدت برخورد دستگاه قضایی با مفاسد اقتصادی تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟						
۲۹	افزایش نظارت سازمان بازرسی کشور بر دستگاه‌های اجرایی تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟						
۳۰	افزایش سرعت رسیدگی به دعاوی تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟						
۳۱	رعایت قانون و عدالت در دستگاه قضایی تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟						
۳۲	شدت مجازات مفسدان اقتصادی و محکومان مالی تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می‌شود؟						

ردیف	متغیرها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	نظری ندارم
۳۳	قاطعیت دستگاه قضایی در اجرای احکام تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می شود؟						
متغیرهای قانونی و اداری							
۳۴	شفافیت قوانین و مقررات تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می شود؟						
۳۵	تصویب و اجرای قوانین حمایت از مالکیت‌های مادی و معنوی تا چه اندازه باعث افزایش امنیت اقتصادی می شود؟						
۳۶	افزایش ابطال موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای تجاری توسط دولت تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می شود؟						
۳۷	افزایش اعمال تغییرات یک‌طرفه در موافقت‌نامه‌های تجاری توسط دولت تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می شود؟						
۳۸	افزایش بوروکراسی اداری تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می شود؟						
۳۹	فساد اداری در بخش دولتی (ارتشا، اعمال نفوذ و ...) تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می شود؟						
۴۰	تغییرات سریع و غیرمنتظره در قوانین و مقررات تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می شود؟						

ردیف	متغیرها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	نظری ندارم
۴۱	تغییرات متعدد نظام ارزی کشور تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟						
۴۲	عدم ثبات نرخهای مالیات در طی دوره سرمایه‌گذاری تا چه اندازه باعث کاهش امنیت اقتصادی می‌شود؟						
چنانچه متغیرهای تأثیرگذار دیگری در نظر دارید در این قسمت اضافه فرمایید و مقدار اثر آن را مرقوم فرمایید.							
۴۳							
۴۴							
۴۵							
۴۶							
۴۷							
۴۸							
۴۹							
۵۰							
چنانچه ارائه توضیحاتی را درباره موارد فوق لازم می‌دانید لطفاً در این قسمت مرقوم فرمایید.							

درجه تأثیرپذیری هریک از متغیرهایی زیر را از امنیت اقتصادی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ردیف	متغیرها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	نظری ندارم
متغیرهایی با تأثیرپذیری مثبت							
۱	افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه باعث افزایش رشد اقتصادی می‌شود؟						
۲	افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه باعث افزایش پایداری رشد اقتصادی می‌شود؟						
۳	افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه باعث افزایش رشد سرمایه‌گذاری می‌شود؟						
۴	افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه باعث افزایش حجم تأمین مالی انجام شده توسط بانکها می‌شود؟						
۵	افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه باعث افزایش حجم تأمین سرمایه در بورس اوراق بهادار می‌شود؟						
۶	افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه باعث افزایش بهره‌وری عامل سرمایه می‌شود؟						
۷	افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه باعث افزایش بهره‌وری عامل کار می‌شود؟						
متغیرهایی با تأثیرپذیری منفی							
۸	افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه باعث کاهش نوسانات سرمایه‌گذاری می‌شود؟						
۹	افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه باعث کاهش عدم اطمینان نسبت به آینده می‌شود؟						

ردیف	متغیرها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	نظری ندارم
۱۰	افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه باعث کاهش ریسک‌های ورشکستگی و عدم ایفای تعهدات می‌شود؟						
۱۱	افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه باعث کاهش میزان حق بیمه فعالیت‌های مختلف اقتصادی می‌شود؟						
۱۲	افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه باعث کاهش حجم ذخایر انبار بنگاه‌های تولیدی می‌شود؟						
۱۳	افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه باعث کاهش حجم ذخایر احتیاطی بخش مالی می‌شود؟						
چنانچه متغیرهای تأثیرپذیر دیگری در نظر دارید در این قسمت اضافه نمایید.							
۱۴							
۱۵							
۱۶							
چنانچه ارائه توضیحاتی را درباره موارد فوق لازم می‌دانید لطفاً در این قسمت مرقوم فرمایید.							

ردیف	پرسش: درجه تناسب و کارآمدی هریک از قوانین و مقررات ذیل را (به شکل مصوب و نحوه اجرای فعلی آن) در تأمین و افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	نظری ندارم
۱	درجه تناسب و کارآمدی قانون کار را در <u>تأمین و افزایش امنیت اقتصادی</u> تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟						
۲	درجه تناسب و کارآمدی قوانین <u>تأمین اجتماعی</u> را در <u>تأمین و افزایش امنیت اقتصادی</u> تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟						
۳	درجه تناسب و کارآمدی قانون بیمه بیکاری را در <u>تأمین و افزایش امنیت اقتصادی</u> تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟						
۴	درجه تناسب و کارآمدی قوانین <u>تجارت</u> را در <u>تأمین و افزایش امنیت اقتصادی</u> تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟						
۵	درجه تناسب و کارآمدی قوانین <u>تجارت خارجی</u> را در <u>تأمین و افزایش امنیت اقتصادی</u> تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟						
۶	درجه تناسب و کارآمدی مقررات <u>صادرات و واردات</u> را در <u>تأمین و افزایش امنیت اقتصادی</u> تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟						

						پرسش: درجه تناسب و کارآمدی هریک از قوانین و مقررات ذیل را (به شکل مصوب و نحوه اجرای فعلی آن) در تأمین و افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟	ردیف
	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	درجه تناسب و کارآمدی مقررات مبادله ارز خارجی را در تأمین و افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟	۷
						درجه تناسب و کارآمدی مقررات گمرکی را در تأمین و افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟	۸
						درجه تناسب و کارآمدی مقررات ایمنی و استاندارد کالا را در تأمین و افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟	۹
						درجه تناسب و کارآمدی قوانین حمایت از تولید و سرمایه‌گذاری را در تأمین و افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟	۱۰
						درجه تناسب و کارآمدی قوانین حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی را در تأمین و افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟	۱۱
						درجه تناسب و کارآمدی قوانین و مقررات مالیاتی را در تأمین و افزایش امنیت اقتصادی تا چه اندازه ارزیابی می‌کنید؟	۱۲

ردیف	ضعف‌های احتمالی هریک از قوانین زیر در ارتباط با تأمین امنیت اقتصادی را در کدام حوزه می‌دانید؟	محتوای قانون	نحوه اجرا	سایر	نظری ندارم
۱	ضعف‌های قانون کار را در کدام حوزه می‌دانید؟				
۲	ضعف‌های قوانین تأمین اجتماعی را در کدام حوزه می‌دانید؟				
۳	ضعف‌های قانون بیمه بیکاری را در کدام حوزه می‌دانید؟				
۴	ضعف‌های قوانین تجارت را در کدام حوزه می‌دانید؟				
۵	ضعف‌های قوانین تجارت خارجی را در کدام حوزه می‌دانید؟				
۶	ضعف‌های مقررات صادرات و واردات را در کدام حوزه می‌دانید؟				
۷	ضعف‌های مقررات مبادله ارز خارجی را در کدام حوزه می‌دانید؟				
۸	ضعف‌های مقررات گمرکی را در کدام حوزه می‌دانید؟				
۹	ضعف‌های مقررات ایمنی و استاندارد کالا را در کدام حوزه می‌دانید؟				
۱۰	ضعف‌های قوانین حمایت از تولید و سرمایه‌گذاری را در کدام حوزه می‌دانید؟				
۱۱	ضعف‌های قوانین حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی را در کدام حوزه می‌دانید؟				
۱۲	ضعف‌های قوانین و مقررات مالیاتی را در کدام حوزه می‌دانید؟				
چنانچه ارائه توضیحاتی را درباره موارد فوق لازم می‌دانید لطفاً در این قسمت مرقوم فرمایید.					

منابع و مأخذ

- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، حساب‌های ملی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴.
- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور (سال‌های مختلف)، مرکز آمار ایران.
- بانک مقاله‌ها و داده‌های اقتصادی ایران، مرکز تحقیقات اقتصاد ایران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۴.
- میرمحمدی، سیدمحمد. مقدمه‌ای بر امنیت اقتصادی، مؤسسه تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۲.
- میرمحمدی، سیدمحمد. مبانی امنیت اقتصادی، مرکز بررسی‌های استراتژیک، ۱۳۷۸.
- Alesina A., and others (1992), "*Political Instability and Economic Growth*", NBER Working Paper no. 4173, National Bureau of Economic Research, Mentioned in Poirson (1998).
- Barro, R. J., and X. Sala-i-Martin (1995), "*Economic Growth Book*", MacGraw Hill, New York, Mentioned in Poirson (1998).
- Bruck, T. (2004). "*An Economic Analysis of Security Policies*," German Institute for Economic Research, www.diw.de.
- Brunetti, A., G. Kisunko, and B. Weder (1997), "*Credibility of Rules and Economic Growth: Evidence from a Worldwide Survey of the Private Sector*", World Bank Policy Research Working Paper no. 1760. Mentioned in Poirson (1998).
- Burnside, C. and D. Dollar (1997), "*Aid, Policies, and Growth*", World Bank Policy Research Working Paper no. 1777. Mentioned in Poirson (1998).
- Camdessus, M. (1996). "*Integrating Africa More Fully into the Global Economy*", Statement at the Euro-African Convention, Bordeaux, France May 13. Mentioned in Poirson (1998).
- Commander, S., H. Davoodi, and U. J. Lee (1997), "*The Causes of Government and Consequences for Growth and Well-Being*," World Bank Policy Research Working Paper no. 1785, Mentioned in Poirson (1998).
- Easterly, W., and R. Levine (1997). "*Africa's Growth Tragedy: Policies and Ethnic Divisions*", World Bank Working Paper, Mentioned in Poirson (1998).
- Fabricius, M. (1997), "*What Can Economic Security Tell us about Deposits and*

- Investment?*", IMF Working Paper, International Monetary Fund, Mentioned in Poirson (1998).
- Gyimah-Brempong, K., and T. L. Traynor (1996), "*Political Instability and Saving in Less Developed Countries: Evidence from Sub-Saharan Africa*", Journal of Development Studies, vol. 32, pp. 695-714, Mentioned in Poirson (1998).
- Hummels, D. (2001), "*Time As a Trade Barrier*", Mimeo, Department of Economics, Purdue University, West Lafayette/Indiana, Mentioned in Bruck. (2004)
- Kalckreuth, U. V. (2001), "*Exploring the Role of Uncertainty for Corporate Investment Decisions in Germany*", Discussion paper 5/00 Economic Research Group of the Deutsche Bundesbank, <http://www.bundesbank.de>.
- Knack, S., and P. Keefer (1995), "*Institutions and Economic Performance: Cross-Country Tests Using Alternative Measures*", Economics and Politics, Vol. 7 pp. 207-227, Mentioned in Poirson (1998).
- Leonard, J. S. (2001), "*Impact of the September 11, 2001 Terrorist Attacks on North American Trade Flows*", Manufacturers Alliance E-Alert, Arlington Virginia, Mentioned in Bruck (2004).
- Limao, N. and A. J. Venables (2001), "*Infrastructure, Geographical Disadvantage, Transport Costs and Trade*", World Bank Economic Review 15: 451-479. Mentioned in Bruck (2004).
- Mauro, P. (1995), "*Corruption and Growth*", Quarterly Journal of Economics, Vol. 110, pp. 681-712, Mentioned in Poirson (1998).
- Mauro, P. (1996), "*The Effects of Corruption on Growth, Investment, and Government Expenditure*", IMF Working Paper 96/98, International Monetary Fund, Mentioned in Poirson (1998).
- Osberg, L. (1998), "*Economic Insecurity*", Discussion Paper No. 88, Social Policy Research Centre, University of New South Wales, Sydney, Australia. Mentioned in Osberg, L. and A. Sharpe (2003).
- Osberg, L. and A. Sharpe (2003), "*Human Well-being and Economic Well-being: What Values Are Implicit in Current Indices?*", CSLS Research Report 2003-04, Centre for the Study of Living Standards.
- Poirson, H. (1998), "*Economic Security, Private Investment, and Growth in Developing Countries*", IMF Working Paper No. 98/4, International Monetary Fund.
- Raby, G. (2003). "*The Cost of Terrorism and the Benefits of Cooperating to Combat Terrorism*", Paper presented at the Secure Trade in the APEC Region (STAR) Conference, Mentioned in Bruck, (2004).
- Stasavage, D. (2000), "*Private Investment and Political Uncertainty*", Discussion Paper No. DEDPS 25, London School of Economics and Political Science.
- Walkenhorst, P. and N. Dihel (2002), "*Trade Impacts of the Terrorist Attacks of 11 September 2001: A Quantitative Assessment*", Paper presented at the workshop on "The Economic Consequences of Global Terrorism", DIW Berlin, Mentioned in Bruck (2004).